

نبرد خلق

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

شماره ۳۰۷
دوره چهارم سال بیست و ششم
اول بهمن ۱۳۸۹

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

سخنرانان

امیر معیری، فعال سیاسی در خارج از کشور و فعال در کنفدراسیون جهانی
دانشجویان و فارغ التحصیلان ایرانی
موضوع سخنرانی:

تاثیر حماسه سیاهکل و ادامه آن در مبارزات خارج از کشور

محمد تقی سید احمدی، از کادرهای اولیه جنبش فدایی در مشهد
موضوع سخنرانی: رابطه جنبش فدایی با طبقه کارگر در نظر و عمل

زینت میرهاشمی، فعال جنبش فدایی در سالهای قبل از انقلاب و
عضو کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
موضوع سخنرانی:

رستاخیز سیاهکل و درسهای امروز آن

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری: کارگاه هنر ایران
زمان: شنبه ۵ فوریه ۲۰۱۱ - ۱۶ بهمن ۱۳۸۹
از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۹ بعد از ظهر
مکان: کلن - آلمان
Bürgerhaus Zollstock
Rosenzweigweg 3
Köln 50969
German

یادداشت سیاسی.....

«منزله رهبري و ولايت
فقيه... يعني دولت و رهبري و
تشکيلات در امتداد يك خط قرار
دارند»

مهدی سامع

در صفحه ۲

سرمقاله

پُرسش آینده دو پاسُخ بیشتر
نمی تواند داشته باشد
منصور امان

در صفحه ۳

چاه جمکران و سرنوشت مردم

زینت میرهاشمی

صفحه ۵

چهار دهه مبارزه

در درون و بیرون

جعفر پویه

در صفحه ۱۰

جهان در آینه مرور.....

تجربياتی از جنبش ضد آپارتاید
آفریقای جنوبی در بهره گیری از
تحریمهای بین المللی

سازماندهی جنبشهای عصر

جدید پس از جنگ سرد (۸)

لیلا جدیدی

در صفحه ۷

مسیر دموکراتیزه شدن عراق از
کانال فروپاشی استبداد مذهبی حاکم
بر ایران می گذرد

آناهیتا اردوان

در صفحه ۱۱

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

صفحه ۱۶

یورش به بیماران قرارگاه اشرف
توسط نیروهای عراقی محکوم است
زینت میرهاشمی

صفحه ۲۴

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۱۸

اجلاس میان دوره یی شورای ملی
مقاومت دیماه ۸۹ برگزار شد

در صفحه ۱۳

علی صارمی همچون سرو در برابر
استبداد پایداری کرد و جاودانه شد

صفحه ۱۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

«منزله رهبری و ولایت فقیه... یعنی دولت و رهبری و تشکیلات در امتداد یک خط قرار دارند»

مهدی سامع

عنوان این یادداشت جمله ای از سخنان ولی فقیه نظام است که اخیراً منتشر شده است. این سخنان مهم راهنمای خوبی برای شناخت چگونگی مناسبات ولی فقیه با تشکیلات دولت است.

یکی از مسایلی که پیرامون حاکمیت مطرح می شود، ترکیب و مساله سرکردگی در قدرت سیاسی است. قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی از ابتدای شکل گیری دو مشخصه مهم داشته که همین دو مشخصه در موارد بسیاری موجب گمراهی شده و یا برای کسانی که به دنبال اهدافی خارج از منافع مردم هستند، بهانه ای برای گمراه کردن بوده است.

مشخصه اول این نظام وجود یک فقیه در راس قدرت است که به اعتبار قانون اساسی و به اعتبار توازن واقعی قوا نقش سرکردگی و فراقانونی و مهمتر از همه «فصل الخطاب» داشته و به همین اعتبار است که آیت الله مصباح یزدی می گوید: «بزرگی تمامی نعمتهای خداوند در قبال ولایت فقیه در حکم صفر است.» و حجت الاسلام علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران می گوید: «حتی قرآن به دلیل وجود مُحکّمات و مُشابهات نمی تواند فصل الخطاب باشد و نیاز به ترجمان دارد. دیروز این نماد، حضرت روح الله بود و امروز نماد حقانیت و حاکمیت، رهبر معظم انقلاب است.»

مشخصه دوم قدرت سیاسی در ایران وجود دسته بندیها و باندهای گوناگون در لایه های زیرین راس هرم قدرت است که البته در شرایط متفاوت همه ی این باندها و دسته بندیها به میزانی در تصمیمات راس قدرت تاثیر گذارند. اما این بلبشوی در بدنه قدرت و حتی جناح بندی نزدیک ترین لایه به راس قدرت نمی تواند در سیاستهای کلان، به ویژه از نظر سیاسی چنان تاثیری داشته باشد که «عمود خیمه نظام» را متزلزل و موقعیت «فصل الخطاب» بودن را تضعیف کند.

با حذف «اصلاح طلبان حکومتی» و برآمد احمدی نژاد، لایه نزدیک به راس هرم قدرت منسجم تر گردید و به این اعتبار حاکمیت یکدست تر شد. بدیهی است که پروسه حذف خودیها به انتهای خط نرسیده و این پروسه که خامنه ای آن را «رئیل گذاری جدید» و احمدی نژاد آن را قطار «بی دنده و ترمز» نامیده همچنان ادامه دارد.

اما رویدادهای چند سال گذشته و به ویژه قدرت گیری هرچه بیشتر سپاه

پاسداران و مانورهای احمدی نژاد این نظریه به شدت متحرف کننده را تقویت کرده که گویا این ولی فقیه است که آمریز و تحت کنترل سپاه و باند احمدی نژاد است و اینان هستند که خامنه ای را در چنان بن بست بی قرار داده اند که راهی جز تن دادن به خواسته هایشان ندارد. در مستند کردن این نظریه وجود افرادی مثل اسفندیار رحیم مشایی پیرامون احمدی نژاد را مطرح می کنند. از این خطاظر نظریه ای است که گویا در چشم اندازهای قابل تصور این امکان به طور جدی وجود دارد که سپاه پاسداران علیه خامنه ای کودتا کند. این که آیا احمدی نژاد از طریق بخش معینی از سپاه پاسداران به ولی فقیه تحمیل شده و یا خامنه ای آگاهانه و عمدانه و بر اساس یک سیاست راهبردی کلان، احمدی نژاد را از طریق انتخابات قلابی به جامعه و به جناحهای درونی هرم قدرت تحمیل کرده، مساله ایست که از گفتار طرفهای ذینفع و در بطن رویدادها می توان از آن آگاهی پیدا کرد. همگان شنیده اند و دیده اند که خامنه ای بیش از هرکس به طور جدی از دولت نهم و دهم حمایت کرده است. یک سال پیش از انتخابات قلابی خرداد ۱۳۸۸ خامنه ای در گفتاری خطاب به احمدی نژاد گفت که برنامه های خود را نه برای یک سال که برای پنج سال آینده در نظر بگیرید. در سفر به کردستان که چند ماه قبل از شعبده بازی انتخاباتی سال قبل صورت گرفت خامنه ای در توصیف کاندیدای اصلاح بارها از احمدی نژاد، بدون آن که اسم او را بیاورد حمایت کرد. پس از خرداد سال قبل و در جریان قیامهای مردم نیز خامنه ای بیش از همیشه از رئیس جمهور برگزیده اش حمایت کرد.

پیش آن را در دانشگاه امام صادق علیه السلام روی تابلو اعلانات دیدم. نوبی گوگل هم جستجو کردم، یکی از کاربران گوگل گروپ، همین متن را برای فرد دیگری فرستاده بود. راستش حیقم آمد که منتشر نشود.» جمله «حیقم آمد» را باید اسم رمز چراغ سبز دادن بیت ولی فقیه برای انتشار این سخنان دانست. اگر این چنین نبود و خامنه ای مایل به انتشار سخنانش نبود یک بسیجی دست چنم قادر به انتشار آن نبود و اگر هم چنین جسارتی می کرد به سرعت این سخنان تکذیب و صاحب سایت به اتهام نشر اکاذیب دستگیر می شد. بنابراین نباید تردید کرد که خامنه ای خود خواستار انتشار حرفهایش بوده است.

خامنه ای می گوید: «نکته آخری که عرض می کنم و لازم هم می دانم این را عرض کنم، این است: ببینید، مساله دولت و حمایت از دولت، مقابله با دولت، مخالفت با دولت زیاد مطرح است؛ هم در جامعه مدرسین، هم در بیرون جامعه مدرسین، هم در سطح عمومی کشور؛ فلان کس موافق است، فلان کس مخالف است. من این را باید به شما عرض کنم؛ با اطلاع و از نزدیک عرض می کنم. یک روزی توی این کشور تلاش می شد -هم شعارش داده شد، هم عملاً تلاش شد- که حاکمیت دوگانه درست کنند. یعنی واقعاً برای این کار بنا کردند، سرمایه گذاری کردن. مراد از حاکمیت دوگانه هم فقط این نیست که دو دستگاه در راس کشور قرار داشته باشند که هر کدام به نوبه خودشان تصمیم گیری کنند؛ این معنایش این بود که منزله رهبری و ولایت فقیه و این حرفهایی که ماها داریم و انقلاب از اول داشته، اینها را از جایگاه تعیین کنندگی و فصل الخطاب بودن کنار بیندازند و برایش رقیب درست کنند. آن کسانی که این را مطرح کردند، اصلاً از اول فکرشان این بود. یک وقت به دولت چشم دوختند، نتوانستند؛ بعد خواستند مجلس را این جوری کنند؛ بالاخره حاکمیت دوگانه را، هم شعار دادند، هم دنبالش راه رفتند. در دولت نهم و دهم -از وقتی که آقای احمدی نژاد آمد- بحث حاکمیت دوگانه نیست؛ حاکمیت یگانه است؛ یعنی دولت و رهبری و تشکیلات در امتداد یک خط قرار دارند؛ این را من جازماً و قاطعاً به شما عرض می کنم. البته معنایش این نیست که

اختلاف نظری وجود ندارد، یا فلان مسئول دولتی یا رئیس جمهور یا غیر رئیس جمهور در نظرات و افکارشان نقاط اشتباهی ندارند؛ چرا از این قبیل هست، همیشه بوده؛ باز هم هست مواردی که اختلاف نظر بین بنده و شخص آقای رئیس جمهور وجود دارد؛ یکی دو تا هم نیست؛ موارد متعددی هست که اختلاف نظر وجود دارد -البته یک جاهایی هست که مطلب برای من محرز و روشن و جزمی است، می گویم آقا این کار نباید بشود؛ خب واقعا گوش می کنند و جلوی گرفتگی می شود؛ یک وقتهایی نه، برای من آن جور روشن نیست که بگویم نباید بشود، اما کاری را که دارد انجام می گیرد، قبول ندارم؛ از این قبیل موارد متعددی هست. اما در زمینه های مختلف، جریان اصلی، جریان موافقت است... سیاست کلی هم چپتی است... این دولت جهت گیری اش جهت گیری درستی است... در گذشته گاهی کارهایی انجام می گرفت که آدم حقیقتاً نگران و مضطرب می شد. الان رئیس جمهور با هرکسی در دنیا ملاقات کند و حرف بزند، من از حرف زدن او نگران نیستم. اطلاع هم ندارم، اما نگران نیستم. می دانم که در خلاف جهت انقلاب و سیاست کلی نظام مطلبی گفته نخواهد شد، مطلبی پیش نخواهد رفت؛ ولو حالا به لحاظ تعارف دو کلمه هم یک چیزی بگویند، اما کاری پیش نخواهد رفت؛ این را خاطر جمع است.»

ملاحظه می شود که خامنه ای ابتدا میخ «فصل الخطاب» بودن خود را به تابوت هرکس که منکر آن باشد می کوبد و سپس از خاطر جمعی خود در مورد احمدی نژاد صحبت می کند و بالاخره توضیح می دهد که هرازگاهی احمدی نژاد و دار و دسته اش «به لحاظ تعارف دو کلمه هم یک چیزی بگویند» جای نگرانی برایش وجود ندارد، چرا که «سیاست کلی هم چپتی است» و مسیر هم چپتی و اطلاعات هم از طرف احمدی نژاد به سمت ولی فقیه است و نه برعکس.

در تأیید این وضعیت سخنان علی اکبر ولایتی بسیار گویا است. روز سه شنبه ۷ دی ۱۳۸۹ سایت آفتاب نوشت: «مشاور بین الملل مقام معظم رهبری در گفت و گو با "مثلت" در پاسخ به این سوال که ارزیابی وی از دیپلماسی دولت نهم و دهم که

بقیه در صفحه ۳

سرمقاله ...

پُرسش آینده دو پاسخ بیشتر
نمی تواند داشته باشد

منصور امان

قدرت آن را تامین می کند و قادر به متحد کردن بورژوازی بوروکرات رانت خواه و بورژوازی تجاری رانت خوار گرد خویش است.

چشم انداز و آماجی که نیروهای مزبور با نگاه به آن نقشه ی راه خود را ترسیم کرده اند، به روشنی در سوی قطب مخالف مطالبات جامعه موضع گرفته است که در جریان خیزشهای ۸۸، پیرامون خواست تغییر روابط فعلی و برچیدن موانع پایه ای آزادی و عدالت شکل گرفت. مطالبه مزبور نه فقط انعکاس ژرفش یافته اعتراض به تقلب انتخاباتی بلکه، بیان کننده نیاز تاریخی نیروهای رُشد یابنده اجتماعی به بستر عینی ارتقای اقتصادی و سیاسی خود است.

طرحهای مُنتقدان فراکسیون نظامی-امنیتی دولت نشان می دهد که پُرسش در مورد گردش تحولات آتی و سرنوشت حکومت آن گونه که هست و جامعه آن گونه که می خواهد باشد، به دو صورت بیشتر نمی تواند جواب بگیرد:

۱- گزینه ای که "بالا" و نیروهای آن ارایه می دارند

۲- گزینه ای که "پایین" پیشنهاد می کند هیچ پاسخ میانه ای که بتواند از آمیزه منافع و نیازهای مُتضاد، انگاشت دیگری خلق کند که در میانه راه، دموکراسی و استبداد، عدالت و انحصار فاسد را به یکدیگر برساند، وجود ندارد.

طرح راست سنتی و باند رفسنجانی

تلاش این دسته بندی به طور عمده روی مهار و در انتها کنار زدن فاکتور درونی عدم تعادل در دستگاه قدرت، فراکسیون نظامی-امنیتی دولت متمرکز شده است. هر دو گروه تشکیل دهنده این ائتلاف، توسط فراکسیون مزبور یا همچون آقای رفسنجانی و باند کارگزاران به گونه غیر رسمی از قدرت کنار گذاشته شده اند و یا چونان "اصولگرایان" مُنتقد و پُشتیبانان جوزوی آنها در حال جراحی شدن هستند. نقطه ی اشتراک آنها را از یک سو نگرانی از حذف قطعی از ساختار قدرت و از دست دادن اهرمهای اعمال آن و از سوی دیگر، هراس از جنبش اجتماعی و سمتگیری آن تشکیل می دهد. از این زاویه، همگرایی رقبای پیشین را می توان سازشی پراگماتیستی دانست که به گونه مُستقیم از آثار سیاسی خیزش ۸۸ بر باند حاکم ناشی شده است.

بقیه از صفحه ۴

یادداشت سیاسی

«منزله رهبری و ولایت فقیه... یعنی دولت و رهبری و تشکیلات در امتداد یک خط قرار دارند»

بقیه از صفحه ۲
برخلاف دوره‌های گذشته، تلاش‌های رسمی از قبیل نامه‌نگاری، درخواست مذاکره و مناظره صورت گرفته چیست، اظهار داشت: من یک کلمه کلی عرض می‌کنم و دیگر بیشتر از این وارد مصادیق نمی‌شوم. کلمه کلی این است که دولت آقای دکتر احمدی‌نژاد در میان دولت‌هایی که در زمان رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حضور داشتند، بیش از بقیه از نظرات ایشان تبعیت می‌کند. بیش از این هم وارد مصادیق نمی‌شوم.»
این مختصر گویی به اندازه کافی گویا است. با این حال در مورد نقش خامنه‌ای در هرم قدرت گفته دیگری از ولایتی بسیار روشنگر است. وی در مورد جنبش اجتماعی و مدیریت سرکوب آن می‌گوید: «باید عرض کنم این‌طور نیست که ما آسیب ندیدیم، ولی کاری که صورت گرفت کار بسیار سختی بود. بدون تعارف و مجامله عرض می‌کنم که اگر نگوئیم برجسته‌ترین، اما یکی از برجسته‌ترین نقاط قوت رهبری نظام در کنترل این فتنه بود. یعنی هیچ یک از گروه‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین شخصیت‌های سیاسی و مذهبی موجود در کشور نه تنها به اندازه رهبری نظام نقشی نداشته، بلکه اگر هم نقشی داشتند در یک فاصله بعیدی از رهبری نظام به لحاظ مرتبه و ارزیابی و ارزش کاری بوده است. یعنی در واقع رهبری نظام فرماندهی دفاع در برابر این تهاجم نرم را خود به‌شخصه به عهده گرفتند و همچنان در اختیار دارند.»
کسی که مهمترین و عمیق‌ترین بحران دوران حیات رژیم را به قول ولایتی «کنترل» کرده بدون تردید نمی‌تواند از نیروی تحت امر خودش پیروی کند. در این جا بحث بر سر ماهیت اقتصادی نظام و نقش لایه‌های گوناگون طبقه حاکم در قدرت سیاسی نیست. ما با یک استبداد مذهبی مواجه هستیم که طی سال‌های حیات خود با بحران‌های گوناگون روبرو بوده است. بدیهی است که سیاست راهبردی ولی فقیه که یک دست کردن هرچه بیشتر لایه نزدیک به راس هرم را مد نظر دارد و طی پنج سال گذشته

به یک سیاست کاربردی تبدیل شده نمی‌تواند از موضع قدرت و بی‌نیازی باشد. این سیاست یک جبر برای تامین امنیت ولایت خامنه‌ای است. اما این جبر به گونه‌ای نیست که یک باند از سپاه پاسداران و نیروهای ویژه امنیتی که لایه نزدیک به راس هرم قدرت را در دست گرفته اند، بتواند مکانیسم اصلی قدرت سیاسی یعنی ولایت فقیه و حاکمیت سلطان مستبد را تغییر دهند. اگر خامنه‌ای در نقش ولی فقیه در مجادلات درون هرم قدرت مداخله نکند، باند احمدی نژاد و نیروی پشتیبان آن به علت کشاکش این باند با سایر رقبای و به علت فشار از پائین متلاشی و از مرتبه کنونی ساقط می‌شود. حمایت ولی فقیه از این باند که بخشی از سپاه و نیروهایی از نهادهای امنیتی را در اختیار دارند به شکلی نیست که در مساله سرکردگی ولی فقیه و سلطان مستبد خللی ایجاد کند و بدین لحاظ آقای دکتر محمود احمدی نژاد نقشی بیشتر از گماشتگی دربار را نمی‌تواند داشته باشد. تفاوت احمدی نژاد با دیگران در این است که این کوتوله سیاسی به جز در مواردی که خامنه‌ای آن را «دو کلمه تعارف» می‌نامد، سر سپرده بدون چون و چرای ولی فقیه است.

نکته آخر این که جنبش اجتماعی و قیام مردم ایران می‌تواند هم به بارگاه ولایت آسیب برساند، آن چنان که در قیام‌های سال قبل چنین کرد، و هم می‌تواند آن را به گورستان تاریخ بسپارد. امروز ترکیب قدرت به شکلی است که هر ضربه به لایه نزدیک به راس، بسیار بیشتر از دو سال قبل راس قدرت را می‌لرزاند. در گذشته که این لایه ترکیبی از خودبهای مورد اعتماد بود، بخشی از آسیب‌های ضربه به این لایه در درون خود این لایه مصرف و به بالا کشیده نمی‌شد. اکنون اما ظرفیت این لایه نسبتاً یک دست شده به آخر رسیده و هر ضربه و آسیب به این بخش از قدرت، به شدت راس هرم قدرت را تضعیف می‌کند. خامنه‌ای این را به خوبی می‌داند و برای همین در حمایت از گماشته اش دچار تردید نمی‌شود.

اول بهمن ۱۳۸۹

سرمقاله

پُرسش آینه دو پاسُخ بیشتر نمی تواند داشته باشد

بقیه از صفحه ۳

آقای رفسنجانی پس از آشکار شدن عزم بی پرده باند ولی فقیه برای حذف خویش و "کارگزاران" در جریان نمایش انتخابات ریاست جمهوری، به صراحت در برابر آقای خامنه ای موضع گرفت. او با نامه هشدار آمیز و سرگشاده به "رهبر" باند رقیب، این رویکرد را به آگاهی همگان رساند و سپس در نماز جمعه ۲۶ تیر ۸۸ بر آن پای فشرده. وی به اتکای حرکت جنبش اجتماعی و در حالیکه توده ها در خیابان علیه سید علی خامنه ای و اصل ولایت فقیه به حرکت درآمده بودند، در پشت پرده به تلاش برای پرکناری آقای خامنه ای از طریق ایجاد "شورای رهبری" دست زد. رییس دو نهاد مجمع تشخیص مصلحت و خبرگان قصد داشت با یک تیر دو نشان بزند؛ نخست با حمله از این سو، گردن خود را از زیر گیوتین حذف بیرون بیاورد و جلاد را بازنشست کند و سپس از طریق رفرم در بالا، جنبش را از حمله به "نظام" منصرف ساخته و از خیابان به خانه براند. او در صورت موفقیت این پروژه، حتی به عنوان ناجی "نظام" می توانست نقش تعیین کننده تری در ساختار آن بیابد.

زمانی که حکومت گام به گام سرکوب خشونت بار توده های معترض را شدت بخشید و آنها را قانع کرد که پرسش "رای من کو؟" را از "اصل ولایت فقیه" بپرسند، آقای رفسنجانی نیز می بایست در نقشه ی خود بازیگری می کرد. پارامتری که در طرح او به مثابه ابزار فشار کنترل شده منظور شده بود، دستکم بعد از ۶ دی (عاشورا) بیشتر در نقش نارنجکی زیر آن عمل می کرد. این نقطه ای بود که آقای رفسنجانی از روی ریل تصادم مستقیم با آقای خامنه ای به روی خط برخورد با گماشته وی تغییر جهت داد. آشکار شدن شکاف عمیق در باند ولایت، وی را به اتخاذ این راهکار تشویق و پرش او از پشت سنگر اعتراضهای خیابانی به پس یک خاکریز جدید را ساده می ساخت. تغییر مسیر راست سستی از یک متحد فراکسیون نظامی-امنیتی به منتقد آن با تکانهای کمتری همراه بوده است. اینان پس از آن که دریافتند ماشین کوک شده شان برای "یکدست سازی" قدرت اینک در حال زیر گرفتن خود آنهاست، از جاده بیرون پریدند. آقایان لاریجانی، ناطق نوری، موتلفه و روحانیون قم به هم‌ریشان خود نزدیک تر از آن بودند که متوجه نشوند چاقویی

که برای گلولی معترضان تیز کرده اند، لبه دیگری نیز یافته است. آنها همه تخم مرغهای گسترش قدرت خود پیش از انتخابات و بقای خویش بعد از آن را در سید بازوی نظامی و امنیتی "نظام" گذاشته بودند تا خود نیز به گروگان آن درآیند. راه حل آنها، بازگرداندن جن به شیشه و پاسداران به پادگان از طریق پایان دادن به وضعیت فوق العاده ای است که رقبای تپانچه کش و شلاق به دست شان را تقویت و مسیر سوواستفاده آنان از شرایط مزبور علیه متحدان پیشین را هموار می کند. بنابراین، راست سستی نیز خود را در جایی می باید که بورژوازی بوروکرات رانده شده است.

طرح خاتمی

آنچه که در اینجا زیر عنوان "طرح خاتمی" به آن پرداخته می شود، در

آقای خاتمی برای این که از سوی مخاطبان اصولگرای خود متهم به بازی روی لبه تیغ و تهییج نیروهای جنبش اجتماعی با طرح این خواسته ها نشود، به شدت مراقب است افزوده بر تکرار بجا و نا بجا "چارچوب نظام" و "دشمنان" و "جز آن، کف خواسته ها" را آن گونه بچیند که عمارت "خودی" و "غیر خودی" بتواند بر آن استوار گردد و سپس مطالبات خطرناک تر جنبش اجتماعی همچون "انتخابات آزاد" را از مفهوم خود یکسره تهی ساخته و از آن تشریفات معمول تقسیم سهم جناحها در جمهوری اسلامی بیرون بکشد. اشاره ناگزیر حجت اسلام خاتمی به "انتخابات آزاد" و توضیحاتی که برای روشن کردن آن می دهد، همه ی آنچه که راست اصلاح طلب به گونه واقعی در سر می پروراند و برنامه عملش را تشکیل می دهد را روی میز گذاشته است. او در مورد مرکزی ترین پیش

مستقل از این که طرح جناحها و باندهای رقیب فراکسیون نظامی-امنیتی دولت چه شانسی در "بالا" دارد (این را از واکنش به شرطهای آقای خاتمی می توان حدس زد)، نکته اساسی آن است که فروپاشی باند ولی فقیه به فراکسیونهای مخصوص، دستگاه قدرت را از داخل پوک کرده است تا آن جا که فقط نمایی از آن باقی مانده که تنها با سرکوب و تپانچه و چماق امکان بروز می یابد. چنین شرایطی، "پایین" را در هر فرصتی که به دست آرد، سیل آسا به سراغ دشمنان ناتوان شده اش می فرستد تا ناجیان ناتوان تر آنها!

مضمون همان انگاشت بالا است که به دلایل تاکتیکی در بسته بندی دیگری ارائه می گردد. در حالی که آقای رفسنجانی و راست سستی جدال خود علیه فراکسیون نظامی-امنیتی دولت را در "بالا" با ابزارهای بوروکراتیک (مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، دستگاه قضایی) و ایدیولوژیک (حجاب، تلویزیون، جایگاه مراجع، استقلال حوزه، اسلام ایرانی و جز آن) پیش می برند، اصلاح طلبان حکومتی از "پایین"، تکیه گاه انحصار قدرت این فراکسیون که از ماده سرکوب و اعمال قدرت پلیسی بنا گردیده را زیر ضرب گرفته اند. تاکتیک مزبور همزمان با تاکید بر تنظیم بر پایه قواعد بازی "نظام"، با برخی از شعارها و خواسته های معترضان آرایش داده شده است؛ امری که به روشنی هدف سربازگیری از نیروی اجتماعی مخالف و منتقد و فراتر از آن، کنترل و مدیریت جنبش اعتراضی آنها را در نهاد دارد.

دیگر، آنها تکرار ماه عسل جناحها و باندهای مرتبط در سالهای پیش و پایان سه طلاقه کردن آنها و خاتمه مونوگامی "یکدست سازی" در فصل کنونی را بر پرچم خود نوشته اند. این امر، مفهوم پیش بینی بدبینانه و مبهمی که آقای خاتمی به عنوان حسن ختام شرطهای سه گانه خود ارائه کرده را هم روشن می کند. او علامت داده: "با توجه به روندی که هم اینک حاکم است، به نظر می رسد شرایط در آینده سخت تر و راهها بسته تر و محدودیتها گسترده تر خواهد شد" و به این وسیله به دوستان "اصولگرا" ی خود هشدار می دهد که سرنوشت خوبی در انتظارشان نیست و باید بین حذف یا ائتلاف برای کنار زدن حذف کنندگان، یک کدام را برگزینند.

برآمد

صورت مساله آن گونه که جناح اخراج شده از قدرت و فراکسیون در حال بیرون رانده شدن آن وانمود می سازند، گرایش نظامی-امنیتی دولت و نماینده روی صحنه آن آقای احمدی نژاد نیست. میلیونها نفر در جریان خیزشهای ۸۸ به درستی لبه تیز حمله خود را متوجه سرچشمه ی مصلع گرفتند زیرا تجربه زندگی واقعی، جز آن را به آنها نشان نمی داد. آن کس که باید برود، خامنه ای (سیاست) است و نه احمدی نژاد (مهره ی آن).

موضوع روی میز و مساله مرکزی بحران در کشور، کمر بستن پاسداران و اطلاعاتیها به حذف رقبایشان نیست، بلکه سلاخی آزادی و عدالت است. جنگ در این زمین جریان دارد و توپخانه "نظام" هم این نقطه را زیر آتش زندان و اعدام و تجاوز گرفته است. مستقل از این که طرح جناحها و باندهای رقیب فراکسیون نظامی-امنیتی دولت چه شانسی در "بالا" دارد (این را از واکنش به شرطهای آقای خاتمی می توان حدس زد)، نکته اساسی آن است که فروپاشی باند ولی فقیه به فراکسیونهای مخصوص، دستگاه قدرت را از داخل پوک کرده است تا آن جا که فقط نمایی از آن باقی مانده که تنها با سرکوب و تپانچه و چماق امکان بروز می یابد. چنین شرایطی، "پایین" را در هر فرصتی که به دست آرد، سیل آسا به سراغ دشمنان ناتوان شده اش می فرستد تا ناجیان ناتوان تر آنها!

چاه جمکران و سرنوشت مردم

زینت میرهاشمی

برخی از مهمترین حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۸۹

* به دنبال عملی شدن طرح حذف یارانه ها، از اول دی ماه حرکتهای مختلف اعتصابی و اعتراضی صورت گرفت. اعتصاب رانندگان کامیونها در برخی شهرهای ایران در اعتراض به افزایش بهای گازوئیل از جمله این حرکتهای اعتراضی بوده است.

روز چهارشنبه اول دی رانندگان تاکسی در شهر بوکان دست به تجمع اعتراضی زدند.

رانندگان تاکسی در سمنان نیز در اعتراض به افزایش قیمتهای جدید سوخت تجمع اعتراضی برپا کردند.

رانندگان وسایل نقلیه گرگان در اعتراض به افزایش بهای سوخت دست به اعتصاب زدند.

در شهر کازرون رانندگان تاکسی در واکنش به افزایش قیمت انواع سوخت در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

در اصفهان رانندگان کامیون در تداوم اعتراضات خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در واکنش به حذف یارانه ها است. طی روزهای هفته اول دی ماه ترمینال باربری اصفهان در اعتصاب کامل بوده است.

تاکسیرانان همدان در مقابل استانداری استان دست به تجمع اعتراضی زدند.

رانندگان کامیونها و شرکتهای حمل و نقل شهر اهواز در اعتراض به افزایش سنگین بهای سوخت مورد نیاز خود، اعتصاب کردند.

رانندگان تاکسی در شهر ساری در اعتراض به حذف یارانه ها دست به اعتصاب زدند.

رانندگان آژانسهای تاکسی تلفنی در شهر بانه دست به اعتصاب و تحصن زدند.

رانندگان وسایل نقلیه شخصی و عمومی شهر گنبدکاووس در اعتراض به سطح نازل قیمت کرایه ها، اعتصاب کردند.

* روز چهارشنبه ۱ دی کارمندان شرکت مخابرات استان البرز در محل کار خود دست از کار کشیده و تحصن نمودند.

به گزارش سایت البرز، تحصن کارمندان شرکت مخابرات استان البرز در اعتراض به مصوبه اخیر هیئت مدیره شرکت مخابرات این استان در خصوص کاهش سطح دستمزدها، هزینه ها و بقیه در صفحه ۶

افراد کم درآمد داده شود، در برابر افزایش قیمتها از خوراک، ترانسپورت تا بهداشت و ... بسیار ناچیز است. مهمتر این که یارانه هایی که احمدی نژاد با آن تلاش می کند کام عده ای را شیرین کند، بنا به شرایط ناپایدار اقتصاد ایران و نیز بحرانی بودن تولید و صنعت هیچ حساب و کتابی نخواهد داشت. در کشوری که نقدینگی بالاست، تورم بالاست، با بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی مرتب مواجه هستیم، چطور می توان برنامه ای برای یارانه ها تنظیم کرد. یک حکومت فاسد و غیر دموکراتیک هیچ گونه توانایی تنظیم چنین برنامه هایی را ندارد.

اما نکته بسیار مضحک، این که برای گیرندگان مبلغ ناچیز یارانه که تداوم آن هیچ چشم انداز روشن و پایداری ندارد، از ماهها قبل چگونه خرج کردندش را هم تعیین می کنند. احمدی نژاد گفته که قرار است با این پول آنهایی که توان گوشت خوردن نداشتند حالا سر سفره شان گوشت باشد یا بخچال و ... بخرند. کسی که تا دیروز امکان خوردن گوشت را نداشته چطور می تواند با قیمتهای جدید، گوشت بخورد. قبلاً احمدی نژادی با شهادتیهایی و به شکل مضحکی به مردم توصیه کرده بود که با این پول حساب ذخیره ای برای فرزندان خود ایجاد کنند.

خبرگزاری حکومتی مهر روز دوشنبه ۲۹ آذر نوشت که تعدادی از مراجع از تعلق گرفتن «خمس» بر یارانه ها صحبت کرده اند. بنا به گزارش این خبرگزاری آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی در پاسخ به سوال تعلق گرفتن خمس بر یارانه ها گفته است که «چنانچه این کمک به لحاظ استمرار و مقدار بتواند بخشی از مئونه زندگی را تامین کند و در مئونه سال مصرف نشود باید خمس آن پرداخت شود».

این فریبکاران طوری تبلیغ می کنند که گویا جیبهای مردم پر از پول و سفره ها پر از خوردنی شده و حالا این کادوی ۴۰ هزار تومانی را ذخیره می کنند، پس سهم حوزه ها هم در شکل خمس باید پرداخت شود. مردم اما از شدت سرکوب فهمیده اند که رژیم از جنبش اعتراضی آنان وحشت دارد. حرکتهای کارگری در ماه گذشته نشان داد که مردم ظلم و ستم را بر نمی تابند. در زیر به بخشی از حرکتهای کارگری در ماه گذشته اشاره می شود.

خوبی از بیکاری به مثابه یک فاجعه اقتصادی باخبرند.

نرخ بیکاری بر اساس آمارهای نهادها و یا افراد پیرامونی حکومت معادل ۱۴٫۶ درصد است. این نرخ بیکاری در استانهای مختلف، متفاوت بوده و بسیار بیشتر از رقم اعلام شده است.

عباس وطن پرور، نماینده سابق کارفرمایان در سازمان بین المللی کار بر بیکاری در برخی استانها را بیش از ۳۰ درصد دانسته است. (رادیو فردا ۱۲ دی به نقل از خبرگزاری مهر)

بر اساس گزارش خبرگزاری دولتی مهر ۲۱ دی، موسی الرضا ثروتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، گفته است که: «عملکرد شرکتهای زودبازده از سال ۸۴ تا ۸۸ زیر ۵۰ درصد بوده است.» وی با اشاره به افزایش نرخ بیکاری می گوید: «از ۳٫۱ میلیون شغلی که باید از این طریق ایجاد می شد، فقط ۹۰۰ هزار آن محقق شد در حالی که هم اکنون ۳ تا ۴ میلیون نفر بیکار هستند.»

احمدی نژاد هدفمند کردن یارانه ها و در حقیقت حذف یارانه ها را از جمله شاهکارهای سیاست اقتصادی دولت خود دانسته است. این طرح هم همانند طرحهای دیگر در راستای نظامی امنیتی کردن هر چه بیشتر اقتصاد و انحصاری کردن منابع ملی در دست باندهایی از حکومت است. حذف یارانه ها و پرداخت مبلغی ناچیز در قالب صدقه و یا پول امام زمان، به افزایش بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی کمک می کند.

حذف یارانه ها که از آغاز دی ماه به صورت رسمی انجام شد، افزایش قیمتها را که از ماهها قبل آغاز شده بود شدت بخشید.

قیمت مواد سوختی سبب چندین برابر شدن کالاهای حاملهای انرژی و نیز گازوئیل و بنزین را به همراه داشت. برای نمونه طبق داده های آماری رسانه های حکومتی، قیمت گازوئیل بیشتر از ۲۱ برابر شده است. قیمت بنزین ۷ برابر و قیمت هر مترمکعب گاز خودرو (سی ان جی) ۷٫۵ برابر افزایش داشته است.

همراه با افزایش قیمتها در پی اجرایی شدن طرح یارانه ها، نرخ تورم باز هم افزایش پیدا کرده و بر اساس آمار بانک مرکزی نرخ تورم در دی ماه نسبت به آذر ماه، رشد ۱٫۵ درصدی داشته است. در محاسبه ای ساده می توان دید که ماهی ۴۰ هزار تومان که قرار است به

استفاده از دین در زمینه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اخلاق یکی از راهکارهای فربیکارانه پایوران رژیم از خمینی تا خامنه ای بوده و هست. این روزها از طرف آیت الله های وابسته به خامنه ای البته با تایید خود ولی فقیه، رابطه داشتن با امام زمان در بیابانهای اطراف قم و چاه جمکران، برای مشروعیت بخشیدن الهی به سیاستهای سرکوبگرانه و ناعادلانه مطرح می شود. احمدی نژاد در اولین ساعات اجرای طرح یارانه ها، بر سر چاه جمکران رفت تا بگوید قیمت بنزین را امام زمان تعیین کرد. او در برابر سوالهای منتقدان خود گفت که در ملاقات با ولی فقیه، خامنه ای به وی گفته است این پول، (یارانه) پول امام زمان است. وی مسئولیت رابطه با امام زمان را به دوش خامنه ای انداخت. استفاده مجریان و مبلغان طرح فوق، از خدا و امام زمان و آرایه آمار و ارقام غیر واقعی تلاش برای جلوگیری از خیزشهای اجتماعی مردم است.

افزایش بیکاری و طرحهای ناموفق پایین آوردن نرخ تورم، ایجاد اشتغال و سرانجام حل مشکل بیکاری از جمله وعده های عوامفریبانه احمدی نژاد طی این چند ساله است. وی در آستانه اجرایی کردن حذف یارانه ها، مدعی شد که «دولت بیکاری را ظرف ۲ سال ریشه کن می کند.» او همراه با حذف یارانه ها و سخت تر شدن زندگی مردم، با وصل کردن پروژهای خود به امام زمان، وعده داد که در آینده هیچ فقیری در ایران یافت نخواهد شد. زسالت احمدی نژاد جهنمی کردن وضع مردم به طور نقد و وعده بهشت به طور نسبی است.

بر اساس داده های آماری که جسته گریخته از درون قدرت به بیرون درز می کند، پیش بینیهای طرح بنگاههای زود بازده که دولت نهم آن را یکی از نقطه های عطف اقتصادی در رفع مشکل بیکاری اعلام کرده بود به مرحله اجرا نرسیده است. وقتی نرخ بیکاری از طرف نهادهای رسمی اعلام نمی شود و در آمارهای پیرامونی که توسط کارگزاران رژیم پخش می شود، کسی که حتی یک ساعت در هفته کار کند جزء شاغلان محسوب می شود، باید نتیجه گرفت که پایوران رژیم به

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۸۹

بقیه از صفحه ۵
پاداش‌ها صورت گرفت. تحصن اعتراضی مذکور بعد از ۵ ساعت و در نتیجه گفتگوی نمایندگان معترضان با مدیرکل مخابرات استان البرز پایان یافت. اما کارکنان معترض شرکت مخابرات استان البرز اعلام کردند در صورتی که به خواسته‌های آنان رسیدگی نشود، در روزهای آینده مجدداً تحصن خواهند کرد.

* روز چهارشنبه اول دی، کارگران و تکه کاران خیاط در شهر بوکان در اعتراض به افزایش اندک دستمزدهای خود دست از کار کشیدند. به گزارش سایت کومله، هر سال در این تاریخ قرارداد کاری کارگران و تکه کاران خیاط بوکان تمدید می‌شود.

* روز دوشنبه ۶ دی کارگران کارخانه کتف کار رشت در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در مقابل فرمانداری رشت تجمع نمودند. به گزارش فعالان ضدسرمایه داری گیلان، کارگران کارخانه کتف کار که متعلق به بخش خصوصی و در جاده رشت - تهران واقع است، به مدت چهل ماه از دریافت دستمزدهای معوقه خود محروم مانده‌اند.

* روز سه شنبه ۷ دی، کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر (کارگران نی‌بر دستی) در اعتراض به عدم محاسبه سابقه بیمه و عدم اجرای قانون کارهای سخت‌وزیان‌آور، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران با سابقه ۲۰ الی ۳۰ سال کار به‌صورت قراردادی در شرکت کشت و صنعت کارون به شغل نی‌بری اشتغال داشتند که در محاسبات سابقه بیمه، معادل نصف برای آنان محاسبه می‌شود. درخواست این کارگران، اجرای قانون کارهای سخت‌وزیان‌آور و پیوسته شدن سابقه بیمه تأمین اجتماعی است.

* روز سه شنبه ۷ دی، کارگران معترض کارخانه لوله سازی اهواز برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان حراست این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارگران معترض خواستار پرداخت ماهها دستمزدهای معوقه خود و رسیدگی کارفرمایان و مقامات رژیم به مشکلات و سایر خواسته‌های خود شدند. کارگران لوله سازی اهواز دستکم

۲۰ ماه دستمزدهای معوقه خود را تاکنون دریافت نکرده‌اند.

* روز جمعه ۱۰ دی، آژانس ایران خیر گزارش داد که بیش از ۹ ماه است که کارگران مجتمع گوشت استان فارس برای پیگیری مطالبات و سنوات خود و راه اندازی مجدد این شرکت، به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. در حالی که کلیه کارگران این شرکت با سابقه ۲۰ سال به بالا مشمول بازنشستگی می‌شوند، اما هیچکدام از آنان از مزایای بیمه بازنشستگی برخوردار نیستند. این شرکت که در سال ۱۳۵۴ تاسیس گردید دارای یکپهزار و ۴۰۰ کارگر بود اما کارگران آن به صورت دوره ای اخراج شده‌اند.

* به گزارش روز جمعه ۱۰ دی سایت افق روشن جمعی از کارکنان پتروشیمی تهران در میدان شیخ بهایی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

این گزارش می‌افزاید بلافاصله بعد از شکل‌گیری این تجمع، شمار کثیری از ماموران نیروی انتظامی با دهها دستگاه خودرو با هدف کنترل دامنه این اعتراض به محل اعزام شدند.

* روز شنبه ۱۱ دی کارگران اخراجی کارخانه‌های استک و شاهو در مقابل اداره کار این شهر دست به تجمع و اعتراض زدند.

کارگران اخراجی این دو کارخانه با حضور در تجمع اعتراضی مزبور، خواستار جبران ضرر و زیان ناشی از اخراجها و بازگشت به کار شدند. در حالی این تجمع در میان تدابیر شدید امنیتی نیروهای رژیم برگزار گردید که کارگران اعلام داشتند در صورت عدم تأمین خواست‌ها و مطالبات مطروحه، به اعتراضات خود در روزهای آتی ادامه خواهند داد.

* روز شنبه ۱۱ دیماه کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان در مقابل اداره کار رژیم در شهر سنندج، تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، تجمع مذکور در پی تجمع روز شنبه ۲۰ آذرماه سال جاری در اعتراض به عدم لحاظ نکردن شرایط کار سخت و زیان‌آور در سوابق بیمه این کارگران برپا گردیده است. بیش از یکصد نفر از کارگران در این تجمع اعتراضی حضور داشتند و در پایان جهت پیگیری مطالباتشان، ۳ نفر را به عنوان نماینده انتخاب کردند تا با مقامات اداره کار سنندج در خصوص مطالبات کارگران مذاکره نمایند.

* یک فعال کارگری در کارخانه لاستیک بارز کرمان از پایان یافتن

اعتراضهای هفته گذشته کارگران این واحد تولیدی خبر می‌دهد. این اعتراض کارگری از عصر روز شنبه ۱۱ دی آغاز و تا عصر روز سه شنبه ۱۴ دی ادامه پیدا کرد.

به گزارش ایلنا، عصر روز سه شنبه کارفرما با کارگران معترض توافق کرد و معترضان با آغاز شیفت شب در سر کار خود حاضر شدند و به اعتراض چند روزه خود پایان دادند.

کارفرما وعده داده است تا از ابتدای سال جدید برای تحقق خواسته‌های کارگران، اعتبارات مالی مورد نیاز تأمین کند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران در سومین روز از اعتصاب کارگران لاستیک بارز، روز سه شنبه ۱۴ دی، رئیس حراست این کارخانه ضمن حضور در میان کارگران، جهت پایان دادن به اعتصاب به تهدید و ارباب کارگران پرداخته است. رئیس حراست این کارخانه اعلام کرد؛ در صورتی که کارگران به اعتصاب خود پایان ندهند یگان ویژه را وارد کارخانه خواهد کرد تا کارگران اعتصابی را بازداشت نماید. درحال حاضر شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی (شستا) مالک و سهامدار اصلی این کارخانه است که دو هزار کارگر در آن مشغول کار هستند.

* روز یکشنبه ۱۲ دیماه جمعی از کارگران کارخانه قند بردسیر در اعتراض به سیاست اخراج سازیها در این کارخانه، در مقابل اداره کار شهر کرمان تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش آژانس ایران خبر، در تجمع شکل گرفته در مقابل اداره کار رژیم در شهر کرمان، کارگران اخراجی کارخانه قند بردسیر، خواستار بازگشت به کار و پاسخگویی مقامات رژیم به این خواسته خود شدند.

لازم به ذکر است تاکنون کارگران اخراجی کارخانه قند بردسیر بارها در مقابل اداره کار و استانداری رژیم در کرمان در اعتراض به اخراج سازیها و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه در این کارخانه، تجمع اعتراضی برپا کرده‌اند.

* روز دوشنبه ۱۳ دی، کارگران معترض مجتمع گوشت استان فارس برای چندمین بار جهت دریافت دستمزدهای معوقه خود تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران معترض که دستکم ۲۰ تا ۲۶ سال سابقه کار دارند در تجمع اعتراضی خود که در مقابل دفتر این مجتمع برگزار گردید خواستار دریافت ۹ ماه دستمزدهای معوقه خود شدند.

* کارگران کارخانه و کارگاههای مستقر در مجتمع صنعتی البرز ضمن اعتصاب چند روزه، خواستار پرداخت ماهها

دستمزدهای معوقه خود توسط کارفرما شدند.

روز سه شنبه ۱۴ دی کمیته پیگیری ایجادتشکلهای کارگری گزارش کرد که؛ کارگران اعتصابی اعلام کردند تا دستیابی به خواست و مطالباتشان و در صدر آنها دریافت ماهها دستمزدهای معوقه خود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

* کارگران کارخانه پارس متال در ادامه تجمعات روزانه خود، روز جمعه ۱۷ دی در مقابل درب اصلی این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران معترض خواستار دریافت ۱۰ ماه دستمزدهای معوقه خود شدند.

لازم به ذکر است ۱۴۰ کارگر قراردادی کارخانه پارس متال در پی اعتراضات ماههای گذشته در این کارخانه، بدون دریافت مطالبات و دستمزدهای خود از کار اخراج شده‌اند.

* روز جمعه ۱۷ دی کارگران کارخانه لوله سازی البرز (کفش ملی سابق) واقع در جاده قدیم کرج در اعتراض به عدم پرداخت ماهها دستمزدهای معوقه خود، اعتصاب کردند.

به گزارش ایران کارگر علت اعتراض این کارگران عدم پرداخت ۴ ماه دستمزدهای معوقه خود است.

* به گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، روز شنبه ۱۸ دی، کارگران مجتمع کشتارگاه صنعتی شیراز دست به اعتصاب زدند.

* روز دوشنبه ۲۰ دیماه کارگران فازهای مختلف منطقه صنعتی عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد معوقه ابانماه خود اعتصاب کردند.

به گزارش وبلاگ کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران شاغل در فازهای ۶، ۷ و ۸ در مجموعه صنعتی عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد معوقه ابانماه خود اعتصاب کردند. کارگران فازهای یک تا ۱۰ نیز در اقدامی متحدانه و دسته جمعی در واکنش به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در مقابل دفاتر شرکت‌های طرف قرار داد خود اعتراض کردند.

کارگران علاوه بر اعتراض به عدم پرداخت یک ماه دستمزد معوقه خود، خواستار عقد قرارداد کاری و افزایش سطح دستمزدهای خود هماهنگ با افزایش نرخ تورم شدند.

* کارگران لوله ساز اهواز در تداوم تجمعات اعتراضی خود باردیگر در روز سه شنبه ۲۱ دی در مقابل ساختمان حراست این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کرده و خواستار دریافت ۲۰ ماه دستمزدهای معوقه خود شدند.

بقیه در صفحه ۷

برخی از اعتراضهای کارگری

بقیه از صفحه ۶

در کارخانه لوله سازی خوزستان حدود ۶۰۰ کارگر مشغول به کار هستند. کارگران شاغل در این کارخانه ۱۸ ماه دستمزدهای معوقه خود را تاکنون دریافت نکرده اند. این امر موجب برپایی چندین تجمع اعتراضی در مقابل درب کارخانه و شماری از دستگاههای اجرایی رژیم در استان خوزستان گردیده است.

به گزارش ایلنا کارفرما به دلیل آنچه که کمبود نقدینگی نامیده می شود ۵ تا ۶ ماه حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است.

*کارگران کیان تایر از روز یکشنبه ۱۹ دی اعتصاب خود را آغاز کردند و با نصب بیانیه ای بر روی تابلو اعلانات کارخانه، به برگزاری تجمعی بزرگ در مقابل وزارت صنایع و معادن فراخوان داده اند.

بنا به گزارش اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران در اطلاعیه کارگران کیان تایر آمده است، روز یکشنبه ۲۶ دیماه راس ساعت هشت و ۳۰ دقیقه صبح تجمعی در مقابل وزارت صنایع برگزار خواهیم کرد. از همه همکاران درخواست می شود با قدرت تمام در این تجمع شرکت کنند.

*روز چهارشنبه ۲۲ دی، کارگران کیان تایر در اعتراض به وضعیت خود اقدام به آتش زدن لاستیک در محل کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر (روبروی بخشدار چهاردانگه) کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران خشمگین کیان تایر تمامی پارچه نوشته هایی را که از بیرون و با مضامین تبریک به بخشدار چهاردانگه به عنوان بخشدار نمونه بر قسمت بیرونی نرده های کارخانه نصب شده بود پایین کشیده و آنها را نیز آتش زدند.

*روز دوشنبه ۲۷ دی، کارگران شرکت تبریز ساختمان مجری ساخت قطعه ۵ راه آهن قزوین به رشت به دلیل عدم دریافت حقوق ۱۱ ماهه و نیز عیدی و حق سنوات ۳ ساله خود در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا نماینده کارگران تجمع کننده باطرح این سوال آیا ما کارگران نباید در ایام کوتاه باقی مانده به شب عید پول داشته باشیم، تصریح کرد: کارگران این شرکت از استانهای دیگر به گیلان آمده اند و در گرما و سرما، بدون داشتن غذا، خوراک و مسکن مناسب کار کردند و خم به آبرو نیاوردند مزدشان این است.

این کارگر مراجعه به اداره کل کار و امور اجتماعی گیلان را بی فایده دانست و اذعان داشت: بیشتر کارگران این شرکت دارای قرار داد رسمی نیستند و در صورت شکایت حداقل حقوق رادریافت خواهند کرد.

*روز سه شنبه ۲۸ دی، کارکنان صنعت برق در مقابل ساختمان مدیریت برق منطقه ای تهران تجمع کردند. یکی از تجمع کنندگان به خبرنگار ایلنا گفت: ما به صورت شبانه روز در کنار ولتاژ فشار قوی قرار داریم و این موضوع مشکلات و بیماریهای عیدیه ای را برای همکاران ایجاد کرده است.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

تجربیات از جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی

در بهره گیری از تحریمهای بین المللی

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۸)

لیلا جدیدی

آلمان می کوشد که تحریمهای بین المللی را دور بزند.

-برخی از کشورها از جمله برزیل و رییس جمهور سابق آن، "لویز ایناسیو لولا دا سیلوا"، با خواست آمریکا برای جلب موافقت دولت وی با تشدید تحریمها علیه جمهوری اسلامی مخالفت کردند.

-تحریمهای جدید آمریکا علیه ۲۰ شرکت و شخصیتهای نظامی و غیرنظامی جمهوری اسلامی و نیز سه بانک دولتی و سپاه قدس وابسته به سپاه پاسداران با واکنش انتقادی مقامات روسی و چینی روبرو شد. آنها این طور استدلال کردند که: "تهدید تهران به تحریم، موجب وخیم تر شدن اوضاع پرونده هسته ای این کشور خواهد شد".

-امیر ارجمند، مشاور موسوی گفت: "جنبش سبز به طور کلی این تحریمها را محکوم می کند. فراموش نکنید که این تحریمها در وحله اول بر مردم ایران و کیفیت زندگی آنان تأثیر می گذارد".

وی گفت: "تحمل این دیکتاتوری برای مردم کافی است و تحریمها یک رنج مضاعف ایجاد می کند. مصاحبه دکتر اردشیر امیرارجمند با "نوول اپزروتور" که توسط وبگاه "روز ترجمه و منتشر شد" بخشی از منتقدان حکومت ایران می گویند که تحریمهای بین المللی با فلج کردن بخش خصوصی ایران، باعث فعالیت بدون بقیه در صفحه ۸

آن، یک سری تحریمهای یکجانبه نیز از سوی آمریکای شمالی و اتحادیه اروپا صادر گردیده است. یکی از پراهمیت ترین تحریمها نیز تحریم هشت مقام امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشر بوده است؛ امر بی سابقه ای که علاوه بر تحریمهای پیشین که هدف آن کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره و در نهایت وادار کردن آنها به عقب نشینی و کنار گذاشتن چرخه سوخت هسته ای است، به سرکوب مردم معترض توسط رژیم جمهوری اسلامی نگاه افکنده است.

تحریمهای فوق، واکنشهای گوناگونی را هم از جانب حکومت و هم از سوی کوشندگان سیاسی در داخل و خارج از کشور در پی داشت. به چند نمونه از دیدگاه های متفاوت در باره تحریمهای اعمال شده بر جمهوری اسلامی اشاره می کنیم:

برخی از نظرات مخالف

-احمدی نژاد در سخنانی در قزوین در ۲۸ تیرماه سال جاری با اشاره به تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی گفت: "فکر می کنید با مسدود کردن حسابهای بانکی و یا گشت چند کشتی ما، کلید کشور را به دست شما می دهیم و می گوئیم تسلیم هستیم. در اشتباهه به سر می برید." وی خطاب به جامعه بین المللی گفت: "آنقدر تحریم کنید که زیر پایتان علف سبز شود، روزی که ما بتوانیم نیازهای خودمان را رفع کنیم، روز جشن ملت ایران است".

اگر چه احمدی نژاد تحریمها را "بی ارزش" خواند، روزنامه وال ستریت در مقاله ای تحت عنوان "تلاش ایران برای فرار از تحریمها" نوشت: "جمهوری اسلامی با واگذاری فعالیتهای مالی خود به بانک کوچکی در

اگر چه از پیروزی جنبش ضد آپارتاید نزدیک به دوده می گذرد و در این مدت، شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان دستخوش تغییرات مهمی گردیده و از سوی دیگر، نباید به تجربیات جنبشهای گذشته به شکل فورمولی تغییر ناپذیر نگاه کرد، با این حال، تاریخ و تجربیات مبارزات انسانها برای کسب عدالت آموزشی و آزادی از آن برای نسلهای آینده ارزشمند بوده است. تلاش برای فشار بر دولتهای نا عادلانه خودی از طریق وضع تحریمهای بین المللی علیه آن، استراتژی موفقیت آمیزی در جنبشهای جهانی برای کسب دموکراسی سیاسی و عدالت اجتماعی بوده است که یکی از برجسته ترین آنها، کمپینهای پیروزمند آفریقای جنوبی علیه آپارتاید است.

از همین رو، تجربه مردم سیاه پوست آفریقای جنوبی که بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دادند و توسط ۲۰ درصد جمعیت سفید پوست استثمار می شدند، در بهره گیری از تحریمها به عنوان سلاحی مکمل سایر اشکال مبارزه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

نوشته زیر با هدف تجربه آموزی از جنبشهای پیروزمندی مانند آفریقای جنوبی نگاشته شده که یکی از سلاحهای کاری آن علیه دولت آپارتاید، تحریمهای بین المللی بود. کوشندگان این جنبش ده ها سال تلاش کردند تا با برانگیختن جامعه بین المللی به اعمال تحریم، آنها را با اهداف خود همراه کنند. از این رو، تجربه آنها می تواند برای جنبش اجتماعی ایران نکات قابل توجهی را در بر داشته باشد.

پیش از آنکه به تجربیات آفریقای جنوبی در این زمینه بپردازیم، نگاهی کوتاه به فضای کنونی ناشی از تحریمهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی می اندازیم تا تطبیق دو رویداد و مقایسه آن با هم میسر باشد. شورای امنیت سازمان ملل تا کنون چهار قطعنامه تحریمی علیه جمهوری اسلامی صادر کرده است. افزوده بر

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

برخی از نظرات موافق

رقیب سپاه پاسداران و کسب منافع اقتصادی توسط تندرو ترین بخشهای حکومت می شود.

به این ترتیب، به ظاهر نه تنها احمدی نژاد، که حتی برخی از منتقدان حکومت هم بر این باورند تحریمهایی که علیه رژیم وضع شده، نه تنها تاکنون هزینه هایی قابل کنترل برای حکومت داشته، بلکه برای آن بی منفعت هم نبوده است.

-دکتر کاظم علمداری، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در آمریکا و نویسنده و تحلیل‌گر سیاسی در مصاحبه ای با "رادیو زمانه" می‌گوید: "تحریم اقتصادی در نهایت به سود مردم و می‌افزاید: "تحریم می‌تواند به مردم ایران ضرر بزند، به ه اقتصاد ایران ضربه بزند و مسایلی از این قبیل رخ بدهد اما به نظر من، مردم ایران به دلیل مشکلاتی که با جمهوری اسلامی پیدا کرده‌اند، سرکوبهایی که شده، تقلبهایی که در انتخابات انجام داده‌اند و زورگوییهایی که می‌کنند، با تحریم زیاد مخالف نیستند. مردم متعقدند، مبارزه با جمهوری اسلامی هزینه دارد، تا به حال هم هزینه پرداخت کرده‌اند. آزادی مجانی به دست نخواهد آمد و برای

دستیابی به آزادی و مقابله با جمهوری اسلامی و فشار روی آن، حاضر هستند که هزینه‌ی تحریم اقتصادی را هم بدهند. تحریم، شامل دارو، غذا و نیازمندیهای اولیه‌ی مردم نمی‌شود. تحریم چهارم که قوی‌ترین و شدیدترین تحریم بوده است، عمدتاً نیروهای امنیتی، نظامی و بانکها را مورد تهاجم قرار داده است. بنابراین این‌طور نیست که تحریم روی نیازمندیهای مردم اثر بگذارد."

وی سووال می‌کند: "مگر در یک سال گذشته، مردم از نظر اقتصادی و سیاسی هزینه نپرداختند؟ مگر اعدام نزدیک به ده‌هزار نفر در طول سالهای گذشته تا امروز و هزاران زندانی سیاسی که هنوز در زندانهای جمهوری اسلامی به‌سر می‌برند، هزینه‌ای نیست که مردم پرداخته‌اند؟ مگر اقلیتهای قومی و مذهبی که زیر فشار قرار دارند و از حقوق‌شان محروم هستند، هزینه نمی‌پردازند؟"

عده دیگری می‌گویند، اگرچه به نظر می‌رسد که سپاه پاسداران از تحریمهای بین المللی سود اقتصادی می‌برد اما این سود، به اندازه زیانهای

کل حکومت از تحریمها، به ویژه در زمینه هایی چون صنایع نفت و گاز و نظامی، نیست.

-گفته می‌شود، این فرض که نظام جمهوری اسلامی به این دلیل خود را در معرض تحریمهای پی در پی شورای امنیت و غرب قرار می‌دهد که نهادهایی چون سپاه پاسداران سود ببرند، فاقد شواهد کافی است.

-برخی از گروه‌های اپوزیسیون معتقد هستند که تحریم هشت مقام امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشر، نشانگر موفقیت مردم ایران در افشای جنایتهای جمهوری اسلامی است.

تجرباتی از جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی در بهره‌گیری از تحریمهای بین المللی

منزوی کردن اجتماعی و اقتصادی دولت آپارتاید آفریقای جنوبی توسط افراد، سازمانها و دولتهای ملی علیه سیستم نژاد پرستانه این کشور از سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۴ ادامه داشت. تحریمها شامل تجهیزات نظامی و مناسبات فرهنگی، اقتصادی و ورزشی بود و آنچنان طرح ریزی شده بود که از یک سو آفریقای جنوبی را منزوی کرده و از سوی دیگر، زندگی را بر جمعیت سفید پوست سخت تر و مزاحم زندگی راحت آنان شود. تاکتیکهای تحریم، مردم سراسر جهان را در مبارزه علیه ستم نژادی بر سیاهان آفریقای جنوبی به مداخله و حمایت کشانده بود.

تحریمها نتیجه فعالیت و تلاشهای سه گروه بود: افراد و نهادهای مردمی که در کشورهای خود کمپینهایی ترتیب داده بودند و گروه‌های ضد آپارتاید را برای تظاهرات و اعتراضات بسیج می‌کردند. دولتها که به تنهایی یا از کانال سازمانها عمل می‌کردند و سازمان ملل. در انتها، اکثر کشورهای جهان یکصدا تحریم را یک تلاش جهانی برای مبارزه علیه آپارتاید به شمار آوردند.

اما تحریم علیه آفریقای جنوبی تنها به دولتها و سازمان ملل نمی‌توانست بستگی داشته باشد. هر فردی که متعهد به مبارزه برای آزادی در آفریقای جنوبی بود، باید در یک همبستگی بزرگ شرکت می‌کرد. برای نمونه، سازمانهای غیر دولتی نقش بزرگی در تحریم کالاهای مصرفی بازی کردند که سبب آگاهی بخشیدن به مردم می‌شد.

"آلبور تامبو"، یکی از بنیانگذاران "کنگره ملی آفریقا" در کنفرانس بین المللی در باره تحریم علیه آفریقای جنوبی (پاریس ۲۱ مه ۱۹۸۱) گفت: "تحریم نباید برای اصلاحات در رژیم آپارتاید استفاده شود و یا تنها پیامی باشد برای مخالفت با آپارتاید. تحریم

سلاحی است که جامعه بین المللی باید علیه رژیم آپارتاید استفاده کند. این باید سلاحی باشد که سبب شود رژیم آپارتاید نتواند در قدرت باقی بماند."

وی افزود: "البته انتظار نمی‌رود که تحریمها به تنهایی بتواند باعث سقوط رژیم شود. آنها التریاتیوی برای مبارزه مردم آفریقای جنوبی نیستند، بلکه متمم خوبی برای آن می‌باشند."

"اندره نبوهوف" و "بنگانی نلزا" در مقاله ای زیر عنوان "تحریم ابزاری حمایتی در مبارزه رهایی بخش" (دسامبر ۲۰۰۴) می‌نویسند: "زندگی تحت رژیم آپارتاید برای سیاهپوستان آفریقای جنوبی بسیار طاقت فرسا بود. اما تحریمها به آنها در مبارزه شان امیدواری داد. باید به خاطر داشته باشیم که بعد از یک دهه که جنبش آنان غیر قانونی شده بود و رهبران شان در زندانها بسر می‌برند، به نظر می‌آمد که جهان آنها را فراموش کرده است."

"بنگانی نلزا" یک دانشجوی سیاهپوست که در زمان اعمال تحریمها در آفریقای جنوبی تحصیل می‌کرد، در این باره می‌گوید:

"سازمانهای ضد آپارتاید، کمپینهای مرتبط با آنها و تحریمهای بین المللی به ما این احساس را می‌دادند که دنیا حامی ما است و به همین خاطر آزادی دست یافتنی می‌شد. شجاعت به ادامه مبارزه حتی در حالی که رژیم دست به قتل و سرکوب بیشتر می‌زد، در ما تقویت می‌شد زیرا ما باور داشتیم که دیر یا زود تحریمها آنها را به زانو در می‌آورد. ما به عنوان دانشجو در دهه ۸۰ به طور خستگی ناپذیر تر و سازمان یافته تری علیه سیستم مبارزه می‌کردیم و علیه کسانی که در داخل و خارج از رژیم آپارتاید حمایت می‌کردند، تظاهرات بسیاری را به راه می‌انداختیم. می‌توانید تصور کنید همین که می‌دانستیم جهان به ما چشم دوخته است، کمپینها هر هفته یکایک از کشور خارج می‌شوند، دولتها ارتباطات دیپلماتیک خود را قطع می‌کنند، چه تاثیر شگفت انگیزی در مبارزه سخت و پرمخاطره ما داشت."

"سلیم والی"، پژوهشگر دانشگاه "یورک" و همچنین پژوهشگر، پروفیسور و سخنران در دانشگاه "ویتواترزاندر" در آفریقای جنوبی می‌باشد. وی همچنین عضو بنیانگذار "وجدان سیاهان آفریقای جنوبی در جنبش دانشجویی آفریقا" که در سال ۱۹۷۷ غیر قانونی شد و از بنیانگذاران "اتحادیه تجاری آفریقای جنوبی" بود. وی که هم اکنون عضو بسیاری از جنبشهای اجتماعی که شامل "فوروم ضد خصوصی سازی" و "کمیته همبستگی با فلسطین" و "اتلاف ضدجنگ" است، در مقاله ای با عنوان "درسهای از آفریقای جنوبی" در باره تاثیرات و بحثهای پیرامون تحریم

دولت آپارتاید آفریقای جنوبی به نکات قابل توجهی اشاره کرده است:

"مهمترین موضوعی که در این باره باید در نظر داشت، این است که تحریم و منزوی کردن دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی یکشبه اثر بخش نبود، بلکه چند دهه به طول کشید. این در حالی بود که طرفداران تحریم که شامل بسیاری از دولتها، اتحادیه‌ها و گروه‌های مذهبی می‌شدند، انتظار داشتند که نتایج فوری به دست بیاید و وعده آن را به مردم می‌دادند."

او پیرامون موانعی که در پیش روی جنبش تحریم قرار داشت می‌گوید: "در دوران مبارزات ضد نژاد پرستی، دیک چینی که در آمریکا مقام سناتور را داشت، به طور پیوسته از ادامه محبوس ماندن نلسون ماندلا حمایت می‌کرد و او را "تروریست" خطاب می‌کرد. همزمان ریگان و مارگارت تاچر نیز از دولت آپارتاید حمایت می‌کردند. سازمانهای چند گانه و برخی از اتحادیه‌ها در حمایت از کمپین تحریم دچار شک و تردید بودند."

وی در باره چگونگی آغاز تحریمها می‌گوید:

"جنبش ضد آپارتاید در سال ۱۹۵۹ آغاز شد و اولین حرکت مهمی که تجربه کرد، در سال ۱۹۶۳ بود که کارگران اسکله‌های هلندی از خالی کردن کالاهای آفریقای جنوبی خودداری کردند. گسترش جنبش ضد آپارتاید را باید به طور کلی در عواملی همچون سرزندگی مبارزات رهایی بخش و جنبشهای اجتماعی در سرکشیهای دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ و در فضای نگاه مثبت به اتحاد جماهیر شوروی و هدف این کشور برای خنثی کردن هژمونی آمریکا، دید."

وی معتقد است که تحریم در شرایط دیگر و بستگی به عواملی می‌توانست سخت تر و یا سهل تر اثر بخش باشد. برای نمونه، در شرایط لایبگری فاسد برای اسراییل و مطرح کردن اپورتونیستی هولوکاست و یهودی ستیزی، فضای هراس و تهدید بعد از ۱۱ سپتامبر که خاموش کردن مخالفان را هدف داشت و همچنین اسلام هراسی، اعمال تحریم علیه اسراییل در حمایت از جنبش آزادیبخش فلسطین را مشکل می‌کند.

"سلیم" می‌گوید:

"برخی که با تحریم دولت آپارتاید مخالفت می‌کردند، معتقد بودند تحریمها به سیاهان این کشور فشار خواهد آورد. آنها "گفتگوی سازنده" با دولت آپارتاید را پیشنهاد می‌کردند. اما این دیدگاه به سرعت با بحثهای مستدل رد شد. رژیم آفریقای جنوبی مانند رژیم اسراییل خودی از رهبران و انواع همدستان خود می‌خواست که

بقیه در صفحه ۹

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

اینگونه بحثها را دامن بزنند. اما تحقیقات و آمارهای دقیقی که جنبش ارایه می داد، مناسبات بسیار مهم و تنگتنگ اقتصادی و فرهنگی و زنجیره ی تجاری رژیم آپارتاید با دولتهای حامی خود را فاش می ساخت. این امر، اقدامات ما را موثر تر کرده و افرادی را که منافع خود را در بقای رژیم آپارتاید می دیدند، رسوا می کرد.

شکل گیری جنبش در آفریقای جنوبی آورده است:

رهبران جنبش مبارزات مدنی، در سطوح محلی، امکانی برای "تشکل اولیه سازمانهای مردمی" می دیدند که می توان از آن جا سازمانهای سیاسی پیشرفته تری را بنیان نهاد؛ روندی که می تواند مبارزات دموکراتیک ملی را به اوج برساند. فعالین می دانستند که برای رسیدن به این هدف تنها یک سری شورشهای خود به خودی کافی نیست و باید سازمانهایی در سطح کشور به وجود آید، همان گونه که "موکاسلی جک" یکی از رهبران جوان می گفت: "ما باید این جنگ را از شهرکهای سیاه پوست نشین به خانه آنها (سفید پوستان آفریقای جنوبی) ببریم" و این حرکت به بایکوت انجامید. هدف این بود که از طریق زبان رساندن به اقتصاد، دولت را تحت فشار قرار داده و نشان داده شود که کشور نمی تواند با وجود آپارتاید حیات عادی داشته باشد.

همزمان، جنبش برای غلبه بر آپارتاید نیاز به حمایت بین المللی داشت. اسقف "دموند توتو" در این رابطه گفت: "ما با فاجعه ای در این سرزمین روبرو هستیم و تنها فشار جامعه بین المللی می تواند ما را نجات دهد".

وی خواستار تحریمهای تنبیهی علیه دولت شد تا به ایجاد "آفریقای جنوبی نوین" که مورد حمایت بیش از هفتاد درصد سیاه پوستان است، کمک شود. آنها می دانستند که در کوتاه مدت باید مشکلات اقتصادی ناشی از تحریمها را تحمل کنند ولی این بهایی بود که باید برای آزادی می پرداختند. از طریق اعتراضات بین المللی و پوشش رسانه ای، بسیاری از کشورها متقاعد شدند که باید آفریقای جنوبی را تحریم کنند. جنبش ضد آپارتاید با تحت فشار گذاشتن دولت از داخل و خارج، این مساله را روشن کرد که رژیم آپارتاید نمی تواند ادامه یابد و دولت باید تسلیم شود.

جنبش ضد آپارتاید حمایت بین المللی را جلب کرد و به خصوص از یک سری اقدامات جامعه بین المللی مانند تحریم دانشگاه ها و اساتید آفریقای جنوبی، تحریم تیمهای ورزشی آفریقای جنوبی در مسابقات جام جهانی فوتبال و المپیک و جلوگیری از خروج پول از کشور بهره برد.

فشارهای بین المللی و داخلی بر رژیم آفریقای جنوبی در نهایت آن را به این نتیجه رساند که به قول "دی کلرک"، رئیس جمهور آفریقای جنوبی در سال ۱۹۸۹، "زمان مذاکره فرا رسیده است".

دوپیچه وله در مقاله ای با نام "نقش موثر تحریمهای سیاسی اقتصادی جهانی در لغو قوانین آپارتاید حکومت آفریقای جنوبی (ژوئیه ۲۰۰۹) می نویسد:

"تا سال ۱۹۸۶ آمریکا به ریاست جمهوری رونالد ریگان با تحریم رسمی دولت آفریقای جنوبی موافقت نمی کرد اما سرانجام کنگره آمریکا وتوی ریگان را رد کرد و واردات از آفریقای جنوبی و سرمایه گذاری شرکتهای آمریکایی در آن کشور را ممنوع کرد. همچنین خواستار آزادی "نلسون ماندلا"، "گوان مبیکی"، "والتر سیسولو"، رهبران سیاه پوست و تمام زندانیان سیاسی شد و خواستار آن گردید که زمانی جهت لغو قوانین آپارتاید تعیین شود. ایالات متحده آمریکا تاکید کرد که ادامه هر نوع مذاکره ای با حکومت آپارتاید مشروط به تلاش این دولت جهت الغای قوانین آپارتاید و آزادی زندانیان سیاسی خواهد بود. بر این اساس، ایالات متحده اعطا هرگونه وام به دولت آپارتاید و صدور تکنولوژی کامپیوتری به نهادهای پلیس- ارتش و سیستم زندان و سازمان امنیتی آن را تا نایل آمدن به خواسته های یاد شده متوقف و ورود کلیه محصولات ساخت آفریقای جنوبی را ممنوع ساخت."

در این نوشتار پیرامون فریبکاری دولت آپارتاید که قول اصلاحات را می داد و همزمان به سرکوب ادامه می داد، آمده است:

"این فریبکاریها سرانجام بسیاری از سیاستمداران و متفکران جهان را متقاعد کرد که اصلاح در قوانین آپارتاید ناممکن است. از جمله می توان از "اولاف پالمه"، نخست وزیر فقید سوئد یاد کرد که درسخرانی معروف خود بر اصلاح ناپذیری قوانین آپارتاید پای فشرده و از جامعه جهانی خواست تا هرچه شدید تر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را تحریم کند." مقاله مزبور ادامه می دهد:

"در نشست سال ۱۹۸۵ رهبران اروپایی نتوانستند به توافقی در مورد اعمال تحریمهای بین المللی علیه آفریقای جنوبی دست یابند. دلیل اصلی آن هم مخالفت مارگارت تاچر، نخست وزیر بریتانیا بود." نلسون ماندلا در کتاب خاطرات خود (۲) نقل می کند که سالهای طولانی تلاش می کرد تا بتواند با یکی از مسوولان زندان ملاقات کند تا شاید بتواند آنها را متقاعد کند تا راه حلی برای پایان دادن به خشونت و سرکوب شهروندان غیر اروپایی بیابند ولی تمام نامه هایی که برای آنان می فرستاد، بی جواب می ماند. تا آنکه در اوایل سال ۱۹۸۶ روزی به دستور رییس زندان، خیاطی به سلول او می آوردند که برایش کت و شلوار مناسبی بدوزد تا با هیاتی از خبرنگاران و سیاستمداران بین المللی که قرار است به دیدار او آیند، ملاقات کند. در آنجا مسایلی از قبیل خشونت و تحریمهای بین المللی مورد بحث قرار می گیرد. سرانجام، اعمال تحریمهای جهانی به همراه مقاومت بی وقفه مردم موثر واقع

می شود و دولت آپارتاید را ناچار می سازد تا کلیه زندانیان سیاسی و از جمله نلسون ماندلا را آزاد کند. با آزادی فعالین سیاسی و رفع ممنوعیت از آزادی اجتماعات و ایجاد فضای باز سیاسی، جنبش مردمی اوج می گیرد.

در فوریه ۱۹۹۰ پس از آزادی از بند، ماندلا تور شش هفته ای خود به اروپا و آمریکای شمالی را آغاز می کند تا بتواند هرچه بیشتر توجه جامعه جهانی را به مبارزات مردم آفریقای جنوبی در جهت کسب پیروزی نهایی جلب کند.

ماندلا در خاطراتش می نویسد: "پیش از سفر، رییس جمهور "دی کلرک" مایل بود تا در مورد تحریم با او به طور خصوصی ملاقات کنم. بر اساس تغییراتی که تا آن زمان رخ داده بود، او از من خواست که سرو صدای تحریمهای بین المللی را خاموش کنم. هر چند که ما به هرآنچه آقای "دی کلرک" انجام داده بود، آگاهی داشتیم ولی در نظرها تحریمها در بهترین مرحله ای قرار گرفته بودند که همچنان او را وادار سازند تا تغییرات بیشتری انجام دهد. من می دانستم که دولتهای اروپایی و ایالات متحده خیال دارند که تحریمها را به خاطر فرمهایی که آقای "دی کلرک" انجام داده، معلق نمایند، از این رو به او توضیح دادم که ما نمی توانیم از حامیانمان بخواهیم که پیش از آن که او تمامی قوانین آپارتاید را لغو کرده و دولت انتقالی را تشکیل دهد، تحریمها را لغو کند. او هر چند از پاسخ من ناراحت شد ولی برایش غیر منتظره نبود."

در ماه ژوئیه همان سال نلسون ماندلا در ایالات متحده با بوش (پدر) ملاقات کرده و درسخرانی خود در کنگره آمریکا از حمایتهای ضد نژاد پرستانه آنها علیه آفریقای جنوبی سپاسگزاری می کند. ماندلا بار دیگر براهمیت و تاثیر تحریمهای آمریکا اشاره می کند. "من در پایان درباره تحریم سخرانی محکمی ایراد کردم زیرا که می دانستم که دولت بوش احساس می کند که وقت آن رسیده تا اعمال تحریمها را سست کند. از این رو من از کنگره خواستم که این کار را نکنند."

سرانجام، آپارتاید نژادی که روز به روز در جهان باعث جنجال بیشتر شده و به تحریمهای خارجی کشورهای غربی و شورش و سرکوبهای داخلی انجامیده بود، به پایان رسید. در سال ۱۹۹۰ دولت "حزب ملی" نخستین گام به سوی مذاکره برای کناره گیری از قدرت را با لغو ممنوعیت "کنگره ملی آفریقا" و دیگر تشکلهای سیاسی چپگرا برداشته و نلسون ماندلا را بعد از ۲۷ سال زندان آزاد کرد. قوانین آپارتاید نیز به تدریج از کتابهای قانون حذف و اولین انتخابات چند نژادی در سال

بقیه در صفحه ۱۰

چهار دهه مبارزه در درون و بیرون

جعفر پویه

در آستانه چهل سالگی جنبش پیشتاز فدایی قرار داریم. چهل سال از حماسه سیاهکل گذشت؛ چهار دهه ای که بر سازمان چریکهای فدایی خلق آن گذشت که بر جنبش آزادیخواهان مردم ایران و جنبش جهانی چپ گذشته است. اگر در آستانه بهمن ۵۷، کمتر از یک دهه بعد از اقدام متهورانانه سیاهکل، جامعه ایران به دلیل استبدادی تاریخی و بحران ساختاری سیستم شاهنشاهی و شرایط ویژه تاریخی به مرحله انفجار رسید و بساط رژیم پادشاهی را برای همیشه برچید اما به دلیل انحراف قیام از مسیر خود و تسلط عقب افتاده ترین بخش اپوزیسیون بر آن، چیزی بیش از تباهی و مرگ نصیب مردم نشد. درباره قیام بهمن و آنچه بعد از آن گذشت، بسیار نوشته اند و بازهم خواهند نوشت. اما چرایی ناتوانی جریانی همچون فدایی در عملکرد درست و اقدام به موقع، موضوعی است که به ما بیشتر باز می گردد و باید در این باره بیشتر بنویسیم و کنکاش کنیم تا گذشته را همچون چراغی فرا راه آینده آوریم و آموزه ای برای بعد از خود کنیم. قیام سیاهکل در هنگامه ای به وقوع پیوست که استبداد حاکم تمام راه های فعالیت سیاسی را بسته بود. جو پلیسی آنچنان بر فضای عمومی حکومت می کرد که کسی را یاری به میدان آمدن و صدای خود را بلند کردن نبود. "جزیره آرامش" که نشان از یک حکومت پادگانی و سرکوب تمام عیار داشت، موجب فخر و تفاخر حاکمان بود. ساواک با بهره مندی از آموزش و همکاری سازمانهای سرکوبگر قدرتهای امپریالیستی و سلطه گر تمام توان خود را به کار گرفته بود تا هیچکس نتواند به تمامیت طلبی شاه و دار و دسته اش کوچکترین اعتراضی علیه کند. آنچه باقیمانده سازمانهای سیاسی بعد از کودتای ۳۲ بود، یا به طور کلی سرکوب شده و یا اگر چیزی از آنها باقی مانده بود، راه عافیت پیش گرفته و بقای خود را به هر قیمت تبلیغ می کرد. در چنین موقعیتی بود که رد تیوری بقا و ضرورت از خود گذشتگی و مبارزه مسلحانه پیش کشیده شد و وظیفه پیشاهنگ برای شکستن سد استبداد، گذشتن از جان خود معنا پیدا کرد. شاید با توجه به موقعیت کنونی و روحیه تسلیم طلبی و عافیت جویی بسیاری که به جو غالب تن داده اند، عملکرد جانانه و از خود گذشتگی تصور ناپذیر صف شکنانی که یخ استبداد شاهنشاهی را شکستند، چندان با عقل جور نباید و یا در مذمت آن با هزار دلیل موجه و غیر موجه باب پسند روز بتوان حرفی کرد. اما آنچه را که نمی توان انکار یا فراموش نمود، تاثیر شگرف همان اقدامات و شهامتها و از

خودگذشتگی همان شیفندگان آزادی بود که یخ استبداد را ترکاند و جامعه را با یک شوک قوی روبرو کرد. به همین دلیل، پیام آنان به سرعت بر پهنه میهن طنین افکن شد و پژواک صدای سلسلهها در دورترین نقاط انعکاس یافت و خون تازه ای در رگ جوانان دواند. این تاثیر شگرف را هرگز نمی توان کوچک شمرد و یا نادیده گرفت. سالهای بسیاری پس از نوزده بهمن ۴۹، سازمان امنیت با همکاری پلیس، ژاندارمری و برخورداری از همکاری و کمک سازمانهای اطلاعاتی کشورهای همسو با رژیم شاهنشاهی به شکار مبارزین پرداخت و با قتل هر کدام از آنها نه تنها جامعه ایران را یک قدم به سوی ارتجاع کنونی کشاند بلکه، میدان را از مبارزین جدی و روشنفکر دریادل خالی کرد. شکارچیان چریکها و جایزه بگیرهای مزدور، چند روزی به نشخوار پول خون فرهیخته ترین فرزندان این مرز و بوم پرداختند تا در بهمن ۵۷ دار و دسته سیاه ترین ارتجاع به میدان آمده، بتواند بدون ترس از رقبایی قدرتمند هر آنچه می خواهد بر سر قیام عمومی مردم بیاورد. ارتجاع سیاه و مرگ آفرین حاکم امروزی بیش از همه مدیون سازمان اطلاعات و امنیت شاه و شکارچیان سیاسیونی است که تا توانستند از آنان کشتند و آخوندهای تبهکار را بدون یک رقیب قدرتمند به جا گذاشتند.

اشرف در مهر آباد به محاصره در آمد و اکثریت آنان در یک نبرد نابرابر به شهادت رسیدند. این است که ادامه کار حماسه سازان سیاهکل ناتمام ماند و ساواک و حمایتگران آن تمام تلاش خود را کردند تا از انجام این مهم جلوگیری کنند و موفق نیز شدند. اما این همه ماجرا نیست. پس از قیام بهمن، سازمان چریکهای فدایی خلقی که موفق شده بود یخ استبداد حاکم را بشکند و جزیره آرامش شاه را توفانی کند، خود دچار یک بحران توفنده داخلی شد. کشاکش با جریانی که توانسته بود اهرمهای تشکیلاتی را به دست گیرد، بالا گرفت. جریان مزبور بدون توجه به خواست جامعه و متضاد با بدنه سازمان، راهی دیگر پیش گرفت. بدنه سازمان خواهان اقداماتی با توجه به اوضاع مشخص روز بود اما رهبری ای که توانسته بود در بحران پیش آمده، سازمان را همچون ارثیه ای بی صاحب تصاحب کند، تلاش خود را برای مسلط کردن روابط خصوصی بر ضوابط تشکیلاتی گسترش داد و با به حاشیه راندن رقبایی که با آنان همدست و همداستان نبودند، در داخل تشکیلات خود را بدون رقیب کرد. آنها سازمانی که با اقبال عمومی مردم و پیوستن اقشار مختلف به آن به بزرگترین سازمان چپ خاورمیانه تبدیل شده بود و می رفت تا رویای حماسه سازان سیاهکل را به واقعیت تبدیل کند را فشل کردند و در نهایت با دو شقه کردن آن توانستند کمر این سازمان را به نفع ارتجاع در حال تحکیم قدرت بشکنند.

شرایط بین المللی و اردوگاهی آن سالها نیز مزید بر علت شد. از یک طرف سرمایه داری جهانی از ترس روی کار آمدن و قدرت گرفتن یک جریان چپ مستقل و پیشتاز تمام توان خود را به کار گرفت و با حمایت مستقیم و غیر مستقیم دار و دسته خمینی، سعی به کنار زدن و جریان سازی موازی برای سازمان فراگیر فدایی کرده و با بزرگ نمایی بعضی از ضعفها توانست مدعیان دروغین و شیفته قدرت را در درون تشکیلات لانس کند. از سوی دیگر، سوسیالیسم واقعن موجود از ترس قدرت گرفتن یک چپ مستقل و نا وابسته در همسایگی اش که می توانست زنگ خطر را برای احزاب تا مغز استخوان فاسد و وابسته به آن به صدا در آورد، دست به کار شد. آنان نیز تمام توان خود را به کار گرفتند و با ارتباط گیری با عناصری که می توانستند کمر سازمان فدایی را بشکنند، آنها را تشویق به جدا سری کردند. حزب وابسته توده، آتش بیار معرکه شد

بقیه در صفحه ۱۱

جهان در آینه مرور...

تجرباتی از جنبش

ضد آپارتاید آفریقای

جنوبی در بهره گیری

از تحریمهای

بین المللی

بقیه در صفحه ۹

۱۹۹۴ برگزار شد. حزب ANC با اکثریت آرا در انتخابات به پیروزی دست یافت و از آن زمان تاکنون قدرت را در دست داشته است.

قابل توجه است که شعار ملی مردم این کشور "مردمان گوناگون یک پارچه شوید!" بود. اغلب از آفریقای جنوبی به عنوان "ملت رنگین کمان" یاد می شود، این اصطلاح ابتکار اسقف "دموند توتو" بود و بعدها رییس جمهور آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا از آن به عنوان استعاره ای برای توصیف پیشرفتهای جدید در پهنه چندگانگی فرهنگی پس از برچیده شدن ایدئولوژی آپارتاید استفاده کرد. (ویکیپدیا)

و اما در ایران، تا کنون بیشتر تحریمهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی به علت سرپیچی آن از به رسمیت نشناختن و عمل به پیمانهای بین المللی در باره فعالیتها و هسته ای وضع شده است. اینگونه تحریمها به این دلیل که به نقض حقوق بشر که مهمترین موارد تجلی آن سرکوب معترضان، بازداشتهای غیر قانونی، شکنجه و احکام اعدام می باشد، نمی پردازد، اثرات قابل توجهی به صورتی که در تجربه آفریقای جنوبی مشاهده کردیم، نداشته است. به امید آنکه فعالین جنبش آزادی خواهی مردم ایران بتوانند از تجربیات پیروزمند مبارزات مردم آفریقای جنوبی بهره گرفته و فشارهای بین المللی کنونی را به مساله نقض حقوق بشر در ایران سمت و سو دهند.

مسیر دموکراتیزه شدن عراق از کانال فروپاشی استبداد مذهبی حاکم بر ایران می گذرد

آناهیتا اردوان

شرایط را برای نخست وزیر شدن مجدد او فراهم ساخت.

از اعضای "العراقیه"، صالح المطلک به عنوان معاون نخست وزیر و رفیع العیساوی به عنوان وزیر اقتصاد در دولت حضور دارند. صالح المطلک که یکی از معروفترین مخالفان نوری المالکی و استبداد حاکم بر ایران است، قبلاً قرار بود عهده دار پست معاونت ریاست جمهوری بشود اما نوری المالکی برای جلوگیری از این امر او را به عنوان یکی از معاونهای خود انتخاب کرد. آقای صالح المطلک تنها معاون از سه معاون مالکی محسوب می شود که سرپرستی وزارتخانه ای به او سپرده نشده است.

"ائتلاف العراقیه" در دولت جدید، وزارتخانه های دارایی، آموزش و پرورش، کشاورزی، ارتباطات، صنایع و معادن، علوم و فن آوری و دو کرسی وزیر مشاور را در دست دارد.

ایاد علاوی که ۹۱ کرسی اپوزیسیون در پارلمان عراق را نمایندگی می کند، پیش از مراسم رای گیری گفت که از کابینه پیشنهادی حمایت کرده و همکاری لازم را خواهد داشت. علاوی به ریاست شورای برای نظارت بر امور سیاست خارجی و امنیت نیز منصوب شده ولی از هم اکنون، اختلافهایی میان او و المالکی گزارش شده است. هوشیار زبیری نیز به مسوولیت خود به عنوان وزیر خارجه دولت عراق ادامه خواهد داد.

کردها پنج وزارتخانه و دو کرسی مشاور را در دولت جدید در دست دارند. وزارتخانه های بازرگانی، خارجه و زنان به "حزب دموکرات" و وزارت بهداشت به "اتحادیه میهنی" تعلق یافته است. وزارت مهاجران و یک کرسی وزیر مشاور هم به "جماعت اسلامی کردستان" داده شده است.

وزارتخانه های برق، نفت، آموزش عالی، ورزش و حقوق بشر و شش کرسی وزیر مشاور به ائتلاف "حکومت قانون" به رهبری المالکی، نخست وزیر کشور تعلق یافته است. هنوز اختلافها بر سر دو وزارتخانه مهم امنیتی یعنی، وزارتخانه های کشور و دفاع ادامه دارد و وزیرانی برای آن مشخص نشده است.

بقیه در صفحه ۱۲

پس از کشمکشهای فراوان بین احزاب سیاسی عراقی، برگزاری نشست اربیل با دخالت آمریکا و به مسوولیت مسعود بارزانی منجر به دستیابی به یک سری توافقات بین احزاب سیاسی شد. بر اساس توافقاتی مزبور، نوری المالکی در پست نخست وزیری باقی ماند، جلال طالبانی به مقام ریاست جمهوری رسید و اسامه النجیفی از "لیست العراقیه" به ریاست مجلس گماشته شد. شورایی موسوم به "شورای عالی سیاستهای راهبردی" نیز برای اولین بار تاسیس شد و قرار است ریاست آن به عهده ایاد علاوی باشد. در نهایت سندی به امضای بازرانی، مالکی و علاوی رسید که مفاد آن عبارت بود از: - تشکیل "شورای عالی سیاستهای استراتژیک" که در تمامی حوزه های اقتصادی، نظامی، امنیتی و ... اختیارات کامل خواهد داشت

- رفع قانون "بعثی زدایی" از صالح المطلک، جمال کربولی و ظافر العانی - موظف شدن دولت به اجرای تمامی قوانینی که ۸۰ درصد از اعضای شورای عالی سیاستهای راهبردی به آن رای می دهند

امضای این سند راه را برای تشکیل دولت جدید عراق باز کرد. سرانجام نمایندگان مجلس عراق در تاریخ سه شنبه ۲۱ دسامبر سال ۲۰۱۰ پس از گذشت نزدیک به ده ماه، به اکثریت وزیران پیشنهادی کابینه دولت المالکی رای اعتماد دادند. کابینه دولت جدید دارای ۴۲ عضو است که بلافاصله بعد از گرفتن رای اعتماد سوگند یاد کردند. بیشترین وزرایی که مجلس به آنان رای اعتماد نداد از جناح صدر بودند که در ائتلاف نزدیک با المالکی است و ۴۰ کرسی از ۳۲۵ کرسی پارلمان عراق را در دست دارد. جریان صدر که رهبر آن، مقتدی صدر به تازگی از ایران به عراق بازگشته است، وزارتخانه های کار، برنامه ریزی، امور عام المنفعه، آب و گردشگری و سه کرسی وزیر مشاور دولت را در دست دارد. جای یادآوری دارد که جریان صدر در انتخابات پارلمانی تقریباً چهار کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. این جریان که در ابتدا به دلیل مخالفت دیرینه، به شدت با المالکی مخالفت می کرد، به دستور رژیم ولایت فقیه با حمایت از وی،

چهار دهه مبارزه در درون و بیرون

بقیه از صفحه ۱۰

و در نهایت توانستند تبر در میان سازمان فدایی نهند و آن را شقه کنند. این آغاز یک به هم ریختگی و از هم گسیختگی بود و شد آنچه که بسیاری از قبل برایش روز شماری می کردند. بخش بزرگی از جدانشدگان به سیاست حمایت از ارتجاع هار و جنایت پیشه پرداختند و آنچه در این کار پیشروی کردند که دست بسیاری از سینه چاکان اینها را از پشت بستند. به همین علت این بخش از شقه کنندگان فدایی که خواستار پیوستن به حزب بدنام توده و یا به گردن انداختن طوق بردگی همسایه شمالی بودند، برای این پیوند داخلی مورد پسند واقع نشدند و حتا حزب توده نیز پیوستن آنان به خود را رد کرد.

در بخش باقیمانده نیز همه نیز از این میانه سلامت نجستند. برخی از آنها نتوانستند بر بحران فایق آیند و درگیر مناسبات نادرست درونی و شقه شدن بسیار شدند و سرانجام کار به جایی رسید که اسلحه به روی هم کشیدند و در بدتر وضعیت ممکن پراکنده شدند. اینگونه شد که پس از مدتها، قطعه های پراکنده یک سازمان وسیع و فراگیر همچون برشهایی از یک پازل از یکدیگر جدا افتاده، سعی به برپایی خود کردند. اما آنچه بیش از همه نشدنی بود، استواری و سرپا ماندن بود. زیرا دلایل این فروپاشی در خارج از سازمان هنوز به قوت خود باقی بود و جریان سازان و بحران آفرینان داخل این قطعه ها بیکار ننشستند. بحران پی

بحران و انشقاقی یکی از پس از دیگری از راه رسید و تا جایی که می رفت تا چیزی جز نام فدایی نماند. قطعه های کوچک بحران زده بیش از اینکه رو به جامعه عمل کند، گرفتار اختلافات داخلی شدند.

باز گرداندن هویت برباد رفته چریک فدایی در کشاکش دسته هایی که گاه تا حد باندهای مافیایی عمل می کردند، کار ساده ای نبود. دشمن از یک طرف کلیت خط اصولی را زیر ضرب می گرفت و هر جا که خط و نشانی از آن می یافت، با تمام نیرو روی آن متمرکز می شد تا از شکل گیری آن جلوگیری کند. از سوی دیگر، شرایط به شدت پلیسی شده و بحران بین المللی نیز مزید بر علت شده سرعت کار را پایین می آورد.

امروز کار تا اندازه ای به سامان شده است. از اردوگاه سوسیالیستی جز نامی نمانده است، احزاب وابسته به آن نیز بسیاری راه عافیت پیش گرفته و با گامهایی بلند به عقب نشینی پرداختند. بسیاری از آنها به رد سوسیالیسم

پرداخته و راه خود را جدا کردند. بحران بین المللی بر سرتاپای چپ مستولی شده است و تلاش و تقلای بسیاری برای برون رفت از آن انجام می گیرد. اما از سازمان فدایی قطعاتی ماند و به ادامه راه پرداخت. خط اصولی و مشی فدایی که با قتل رهبران پیشرو آن توسط ساواک کم رنگ شده بود، بار دیگر بازگشت. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با توجه به تمام تجربیات همه این سالها سعی کرد تا این خط اصولی را پیراسته تر از همیشه بازتاب دهد. هرچند سرعت کار دلخواه نبود اما آینده، قاضی خوبی است در داوری در باره این خط در برابر خطوط غیر اصولی و انحرافی.

بعضی از آنانی که راه غیر اصولی پیش گرفته و تا آستان بوسی ارتجاع رفته بودند، امروز نادم از کرده خود هستند. آنانی که قیام سیهکل را اقدامی ماجرا جوانه می دانستند و از آن تبری می جستند، پس از مدتی فهمیدند بدون این حماسه نمی توانند هیچگونه هویتی از خود داشته باشند. این است که ابتدا نادمانه و با اما و اگر به بزرگداشت سیهکل پرداختند و امروز آنرا پرچم خود می دانند. این هویت یابی درس بزرگی به آنهایی داد که شهامت و شجاعت را ماجرا جویی قلمداد می کردند، آنهایی که قیام برهم زنده جزیره آرامش را خشونت و تند روی می دانستند، آنانی که تا جایی پیش رفتند که به بسیاری از قهرمانان فدایی انگ تروریست زدند. امروز آنها می بینند بدون این اقدام حماسی و بدون اتکا به آن شهامتها و شجاعتها هیچ چیزی ندارند تا با آن هویت خود را معنا دهند.

شاید برای گفتن این سخن هنوز زود باشد، شاید هنوز به اندازه کافی درس آموزی نشده باشد و هزاران شاید دیگر، اما می توان آرزو کرد و یا امیدوار بود تا امید به همکاری بعد از سالها در بخشهایی از این قطعه ها جوانه زده و به واقعیت پیبوند. شاید بعد از سالها دوری و جداسری و اتهام زنی و اعمال غیر رفیقانه، امید به همکاری در بین افراد صادق بدنه این جریانها نقطه امیدی بشود برای به واقعیت نزدیکتر کردن یک آرزوی دیرینه.

این روزهای می رود تا چهل سال از قیام حماسی سیهکل، آن اقدام جانانه که تا امروز همچون بلوری شفاف از زنگار زمانه در امان مانده، بگذرد. در فرهنگ ما ایرانیها و فرهنگ بسیاری از ملل دیگر، چهل سالگی سن بلوغ مجدد، سن جا افتادن و پختگی است. چهل سالگی نشان از آب گذشتن و سرد و گرم چشیدن است، نشان بهره مندی از تجربه و دانش کافی به دلیل درس آموزی از سالهای طولانی پشت سر گذاشتگی است. آیا امروز می شود فدایی را در حال عبور از این مرز دید و ادعای پختگی و جا افتادگی آن را کرد و یا هنوز تا پخته شدن راه طولانی ای در پیش است؟

مسیر دموکراتیزه شدن عراق از کانال فروپاشی استبداد مذهبی حاکم بر ایران می گذرد

بقیه از صفحه ۱۱

وزارت ترابری به "سازمان بدر" و کرسی مشاور در امور "بازارهای جنوب عراق" نیز نصب "مجلس اعلا" شده است. در همین رابطه "حزب فضیلت اسلامی" نیز عهده دار وزارت دادگستری شد.

مسیحیان، وزارت محیط زیست را در دست دارند، وزارت ورزش و امور جوانان به رهبر "اتحاد اسلامی ترکمنهای عراق" (عضو ائتلاف حکومت قانون) و مشاور استانها به یکی از اعضای لیست "ائتلاف العراقیه" که از ترکمنهای عراقی می باشد، سپرده شده است. یکی از مهمترین مسایلی که نشان از غیردموکراتیک بودن دولت جدید به نخست وزیر المملکی دارد، وجود تنها یک وزیر زن در کابینه دولت به عنوان معاون وزیر بدون پست شغلی مشخص است. حتی وزارت زنان نیز به وزیر زن سپرده نشده است. این تبعیض جنسیتی فاحش در حالی صورت می گیرد که بیش از صد نماینده مجلس عراق با امضای نامه ای خواستار واگذاری مناصب رهبری کننده در اداره عراق به زنان شدند. در همین رابطه زنان عراقی برای تضمین حق خود در مشارکت در صحنه سیاسی کشور در گوشه و کنار کشور دست به اعتراض زده اند.

تلوویزیون سی ان ان در گزارشی ابراز داشت که کشورهای عربی و سنی همسایه عراق، به دولت شیعه حاکم در عراق اعتماد ندارند و روابط نزدیکی هم با آن برقرار نکرده اند. پستهای کلیدی چون وزارت دفاع، وزارت کشور و مشاور امنیت ملی از جمله پستهایی هستند که خالی مانده اند. دامنه اختیارات "شورای عالی سیاستهای استراتژیک"، وظایف، کارکرد و ترکیب آن به عنوان مهمترین عامل در محدود کردن اتوریته طلبی المملکی که مترصد است منافع ولایت فقیه در تهران

را تامین کند، هنوز مشخص نیست. تاسیس این شورا و میزان گستردگی اختیاراتش یکی از مهمترین دلایلی است که "العراقیه" با نخست وزیری مجدد المملکی موافقت کرد. ایاد علاوی پیرامون این مساله به روزنامه مصری الیوسف می گوید: "توافق عمومی در مورد ضرورت تشکیل این شورا وجود دارد و این شورا اساس و مبنای مشارکت ملی است ولی مهمترین پارامتر، مشارکت در تصمیم گیری سیاسی است و در غیر اینصورت مساله ای برای عراق حل نمی شد. شورای ملی برای سیاستهای استراتژیک، پایه مشارکت ملی است و در نتیجه ارگانی است که بیشترین توانایی را برای ترسیم سیاستهای اساسی کشور از جمله در زمینه های دفاعی، امنیتی، اقتصادی و آشتی ملی و تضمین سلامت و استقلال قضاییه دارد."

سفر جو بایدن، معاون ریاست جمهوری آمریکا به عراق بعد از تشکیل دولت جدید عراق در ماه گذشته برای گفتگو با مقامات عراقی در مورد مساله خروج نیروهای آمریکایی تا پایان سال ۲۰۱۱ نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به گزارش رادیو فردا، بعضی از مقامهای عراقی که خواسته اند نامشان محفوظ بماند، به اسوشیتدپرس گفته اند که دلیل اصلی این سفر تصمیم گیری در مورد وضعیت نیروهای آمریکایی حاضر در عراق است. باراک اوباما نیز قبلا اعلام کرده بود که در صورت تمایل عراق، برخی از نیروها برای تامین امنیت در کشور باقی خواهند ماند. بی بی سی اضافه می کند که در همین زمینه، بابکر زبیری، فرمانده ارشد ارتش عراق اعلام کرده است که حضور نیروهای آمریکایی در عراق تا زمانی که نیروهای امنیتی عراق قادر به دفاع از مرزهای کشور نمی باشند، الزامی است.

هم گمان حمله به کشور عراق و از هم پاشیدن دستگاه حکومتی صدام حسین منافع معینی را دنبال می کرد که امپریالیسم آمریکا هرگز از آن دست نخواهد کشید. بنابراین بیرون آمدن نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۱۱ به معنای رهایی عراق از اشغالگری نیست. باراک اوباما نیز در سخنان خود در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۰ ابراز داشت: "ماموریت رزمی ما در عراق پایان می یابد اما تعهد ما به آینده عراق خاتمه نیافته است."

در واقع، از بعد از تغییر "خاورمیانه بزرگ" به "خاورمیانه گسترده"، تاکتیکهای سرمایه داری جهانی و

در راس آن آمریکا در این راستا نیز تغییر کرد، به این معنا که به جای استفاده از اعمال زور و قدرت نظامی، برای رسیدن به همان اهداف، به "قدرت نرم" روی آورده است. در این راستا، امپریالیسم برای رسیدن به اهدافش احتیاج به بهانه ای برای ادامه اشغال عراق دارد که در این راستا تداوم دخالتهای رژیم ولایت فقیه در مسایل عراق به طور مقطعی بهترین آن محسوب می شود.

اجازه تشکیل دولتی که اگر چه بخشی از نیروهای ملی و مترقی عراقی را در بر می گیرد اما نیروهای ارتجاعی تحت حمایت رژیم ولایت فقیه را به بیرون پرتاب نکرده، جلوگیری از برخورد جدی با دخالتهای رژیم ولایت فقیه و ... همگی نشاندهنده نیاز مقطعی آمریکا به بحران سازیمهای رژیم ولایت فقیه برای ادامه اشغال عراق است. به بیان دیگر، تا زمانی که رژیم حاکم بر ایران در روند سیاسی اشغال عراق می کند، برای ادامه امریکایی نیز توجیه وجود خواهد داشت. از این رو، آمریکا با اشغال نظامی عراق و بی ثبات کردن این کشور نه تنها بیشترین کمک را به رژیم ولایت فقیه به عنوان یک رژیم بحران زا و بحران زی کرد، بلکه تاثیر بسزایی در عدم حل تضاد اشغال عراق به عنوان تضاد اصلی در عراق دارد.

مسیر دموکراتیزه شدن عراق در جهت رسیدن به استقلال و عدالت اجتماعی از کانال فروپاشی رژیم استبدادی- مذهبی می گذرد. مساله قدرت گیری عناصری مانند المملکی که از اوامر ولایت فقیه اطاعت می کند و مهره هایی از این دست نیز یک دوره تاریخی مشخص دارد. با افزایش روزافزون تضادها در ساختار سیاسی حاکم بر ایران و رادیکالیسم جنبش اجتماعی مردم ایران، با تسریع پروسه فروپاشی رژیم فرسوده ولایت فقیه، کارگزاران اهداف رژیم در ساختار سیاسی حاکم بر عراق نیز کارایی خود را از دست خواهند داد. وضعیت ناپهنگار رژیم ولایت فقیه در عرصه بین المللی و داخلی، اعمال قدرت رژیم در عراق را با چالشهای فراوانی روبرو ساخته است که این مساله قادر است تمامی معادلات موجود را بر هم بزند و توازن قوا را به نفع مردم محروم عراق و نیروهای مترقی و عدالت طلب که به طور جدی در مسیر دموکراسی و استقلال عراق مبارزه می کنند، تغییر دهد.

بازی دوگانه خامنه ای روی "سران فتنه" با هدف تقویت جایگاه خود

منصور امان

فراسوی خبر ۲۰ دی

آقای خامنه ای "سران فتنه" جدیدی کشف کرده است. او اعلام داشته است: "کسانی که مردم به آنها سران فتنه می گویند، در واقع بازیچه ی طراحان اصلی بودند." رهبر جمهوری اسلامی برای سندیت بخشیدن به کشف ناگهانی خود، هویت حقیقی "سران فتنه" را فاش ساخته است که هیچ کس جز یک مظنون همیشگی در تحلیلهای وی، "دشمنان خارجی" نیست.

آقای خامنه ای تفسیر جدید خود را در حالی به میان افکنده است که فراقسیون نظامی - امنیتی دولت باند او در هفته های گذشته بر فشار خویش برای "مُحاکمه و مُجازات سران فتنه" افزوده است. این موضوع همچنین برای گرایش مزبور به یک زاویه اصلی برای حمله به رقبای آن که قوه قضاییه را در اختیار دارند، تبدیل شده است.

در همین رابطه، آیت الله صادق لاریجانی اواخر آذر ماه با انتقاد از حملاتی که تحت عنوان "کوتاهی در برخورد به سران فتنه" به وی می شود، تاکید کرد که در این مورد "تصمیم گیرنده" او نیست. وی سپس پای آقای خامنه ای را که تاکنون با حيله گری خود را از این نزاع برکنار داشته و مُطیع "مصلح کلی نظام" را در برابر یورش فزاینده مُخالفانش تنها رها کرده بود، به میان کشید و به وی هشدار داد: "غیرمستقیم رهبری را مورد هجمه قرار داده اند و ما را سپر کرده اند."

اکنون رهبر باند ولایت یک بار دیگر بخت خود را به عنوان "فصل الخطاب" به آزمایش گذاشته و با گرد کردن لبه چاقویی که از خرداد ۸۸ همه توان امنیتی، قضایی و تبلیغاتی "نظام برای تیز کردن آن بسیج شده، به حمایت از آیت الله لاریجانی برخاسته است. وی برای توجیه تفسیر خود، "مسوولان را به حفظ هوشیاری و تشخیص صحیح مسایل از مسایل فرعی و جابه جا نکردن آنها" فرا می خواند.

بازی دوگانه آقای خامنه ای که از یک سو به شدت و به گونه کینه توزانه برای حذف "سران فتنه" نقشه می کشد و از سوی دیگر، آشکارا برای تقویت جایگاه خود روی این موضع مانور می دهد، به دُشواری می تواند محفل سپاهی - اطلاعاتی دولت را از ادامه ی حمله به راست سُنّتی به قصد جراحی آن از دستگاه قدرت باز دارد. بدتر از آن، ولی فقیه با این تاکتیک، پناهگاه ایمن خویش را نیز ترک و در برابر تیرهای مُستقیم قرار می گیرد که درباریان او در بارگاه ولایت به سوی یکدیگر پرتاب می کنند.

اجلاس میان دوره بی شورای ملی مقاومت دیمه‌ماه ۸۹ برگزار شد

اجلاس میان‌دوره‌بی شورای ملی مقاومت در روزهای ۲۴ و ۲۵ دیمه‌ماه با حضور خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورا برگزار شد. در آغاز جلسه، سرود «ای ایران ای مرز پرگهر» سرود رسمی شورای ملی مقاومت خوانده شد.

آنگاه خانم رجوی خاطره فراموشی ناپذیر خانم مرضیه بانوی بزرگ هنر ایران، عضو فقیدشورای ملی مقاومت ایران را گرامی داشت و تاکید کرد که بی‌شک از نام و یاد او در تاریخ این شورا و در تاریخ مبارزات مردم ایران پیوسته به نیکی یاد خواهد شد.

خانم رجوی گفت: «در شروع این اجلاس هم‌چنین، از جانب شورای ملی مقاومت و همه اعضا و پشتیبانان آن به روح پرفروش قهرمان خلق، شهید راه آزادی، علی صارمی، دروهای بی‌کران می‌فرستیم و به او که از مظاهر ستایش

انگیز ایستادگی و شکست ناپذیری مردم ایران در برابر رژیم ولایت فقیه است ادای احترام می‌کنیم. هم‌چنین از اشرفی سرفراز، مهدی فتحی، یاد می‌کنیم که کارشکنی‌های جنایتکارانه کمیته سرکوب اشرف، که تحت امر مالکی است، به‌طور مستقیم، مسبب مرگ او شد. این هم‌گواه دیگری از اینکه سیاست دولت عراق در قبال اشرف، یک سیاست جنایتکارانه است، زیرا که از دستورات ولی فقیه رژیم پیروی می‌کند. اجلاس شورای ملی مقاومت، بخصوص گرم‌ترین و پرشورترین درودها را نثار زنان و مردان شجاع اشرف می‌کند که هفت‌هفته گذشته با تحمل ۱۷۶ مجروح در مقابله با تهاجم مزدوران عراقی رژیم، باز نشان دادند که تجسم اراده مردم ایران برای به زیر کشیدن ولایت فاشیستی فقیه‌اند. اشرف، آماج کثیف‌ترین نوع جنگ روانی است، تحت فشار یک محاصره ضدانسانی است و بی‌وقفه هدف حملات دژخیمان اعزامی رژیم قرار می‌گیرد. زیرا بار قیام و مقاومت یک ملت اسیر را بر دوش می‌کشد، و گوهر بی‌همتای یک قرن مبارزه و از خودگذشتگی‌اش برای آزادی است.»

خانم رجوی ضمن اشاره به جنبش جهانی حمایت از اشرف افزود: «بالا‌ترین دستاورد این مبارزه در پی‌نه حقوقی، هم‌چنان که می‌دانید، حکم دو هفته پیش دادگاه اسپانیاست که بر اساس آن رسیدگی قضایی به کشتار مجاهدان اشرف توسط نیروهای تحت امر نوری مالکی راه در چارچوب جنایت علیه

جامعه بین‌المللی، جنایت جنگی، و جنایت علیه حقوق بین‌المللی، شروع کرد و با یک دآوری قاطع و خدشه‌ناپذیر، موقعیت قانونی ساکنان اشرف راه، بعنوان افراد حفاظت شده در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو، مورد تایید قرار داد. نتیجه این دادگاه تا همینجا یک دستاورد بی‌نظیر برای مردم و مقاومت ایران است که خود حاصل پایداری بزرگی است که حالا در آستانه نهمین بهار آن هستیم. همان طور که یکبار مسعود گفت: «حرف اصلی این است که اگر مانند مجاهدان آزادیستان اشرف چون کوه استوار بمانید و بهای آنرا هم هر چه باشد بپردازید، دنیایی به حمایت برمی‌خیزد و بشریت معاصر با ارزشهای بدون مرز انسانی با آزادیخواهی خود در کنار ملت ما قرار می‌گیرد. دنیای سیاست و تعادل قوا نیز خواه و ناخواه خود را با همین موج تطبیق می‌دهد.»

دیده وزارت اطلاعات، این هدف را دنبال می‌کند.

از همین روی، اجلاس میان‌دوره بی شورا ماده واحده مصوب ۱۶ دی ۱۳۸۸ را، که در آن «حمایت و پشتیبانی از مبارزان اشرف» «یک وظیفه عاجل ملی و یک تکلیف انسانی بین‌المللی» خوانده شده و «همسویی با ولایت مطلقه فقیه در ضدیت بافرزندان رشید و مقاوم مردم ایران در اشرف و تلاش برای تضعیف و تخطئه آنها و نادیده گرفتن حقوق قانونی و حقوق منکسبه آنان» «خیانت به مبارزات و آرمانهای آزادیخواهانه ملت ایران»، توصیف گردیده است. یک سند افتخار آمیز نه فقط در دفاع از حقوق قهرمانان اشرف، بلکه گامی ضروری در راستای تداوم مقاومت و خیزش مردم ایران برای آزادی ارزیابی کرد چرا که پایداری حماسی اشرف پاد زهر سرکوب و وحشیانه حاکمیت آخوندی، خنثی

اجلاس میان‌دوره بی اجرای قانون حذف یارانه‌ها برای غارت‌زیننده درآمد مردم محروم ایران راه، اقدامی در چارچوب تدابیر حاکمیت برای بقا در گرداب بحرانهای درونی و بیرونی ارزیابی کرد که نارضایتی و خشم عمومی را علیه رژیم تشدید می‌کند. شورا عموم هموطنان را به گسترش مبارزه و اعتراض علیه این طرح ضد مردمی فرامی‌خواند

کننده هرگونه تمایل به تسلیم طلبی در راستای حفظ کین رژیم ولایت فقیه، و ادامه بخشنده به قیام عمومی مردم ایران است.

اجلاس شورا جبهه بین‌المللی حمایت از اشرف و مقاومت ایران و گسترش ستایش بر انگیز آن راه، که بر پایداری مجاهدان اشرف و رنج و تلاش شبانه روزی اعضا و هواداران مقاومت و ایرانیان آزاده و شریف خارج از کشور، تکیه دارد، یک پدیده بدیع در تاریخ جنبشهای آزادیبخش دانست که تاکنون توانسته است بسیاری از توطئه های فاشیسم دینی حاکم بر ایران و متحدانش علیه مقاومت را خنثی کند.

شورا اعدامهای فزاینده در ایران به ویژه اعدام زندانیان سیاسی، اعمال مجازاتهای ضد انسانی و صدور احکام مجازاتهای سنگین و ظالمانه علیه فعالان سیاسی، و کلا و روزنامه‌نگاران راه، تلاش بیحاصل رژیم برای ارباعب جامعه بی‌دانست که در آن شدت انزجار از استبداد دینی به حد انفجار رسیده و، به رغم همه سرکوبگریهای بی‌رحمانه، آمادگی و عزم آن برای سرنگونی رژیم از زبان

خود آخوندهای حاکم، به آتش زیر خاکستر تشبیه شده است.

اجلاس میان‌دوره بی اجرای قانون حذف یارانه‌ها برای غارت‌زیننده درآمد مردم محروم ایران راه، اقدامی در چارچوب تدابیر حاکمیت برای بقا در گرداب بحرانهای درونی و بیرونی ارزیابی کرد که نارضایتی و خشم عمومی را علیه رژیم تشدید می‌کند. شورا عموم هموطنان را به گسترش مبارزه و اعتراض علیه این طرح ضد مردمی فرامی‌خواند

در رابطه با تحولات منطقه‌یی و بین‌المللی، شورا از دستاوردهای فراکسیون برنده انتخابات پارلمانی عراق و جایگاه آلت‌رنا توی ملی عراق در دولت مشارکت ملی استقبال کرد و ضمن ابراز نگرانی از ادامه مداخلات و توطئه های رژیم ولایت فقیه، اظهار امیدواری نمود که مردم و نیروهای دموکراتیک عراقی و جامعه عرب و دیگر طرفهای منطقه ای و بین‌المللی گامهای بلندتری برای خلع ید از این رژیم که تهدید اصلی حاکمیت و استقلال و شکل‌گیری دموکراسی در عراق است، بردارند.

شورا هم‌چنین تحولات دادگاه ترور رفیق حریری نخست وزیر پیشین لبنان را تنگنای بزرگی برای رژیم ولایت فقیه و مزدورانش ارزیابی کرد و با یادآوری موضعگیری تنگین‌خانم‌ای مبنی بر اعلام بطلان پیشاپیش حکم این دادگاه، تاکید کرد: اکنون که همه نشانه‌ها از دست داشتن این رژیم در این عمل تروریستی حکایت می‌کند، بر طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌یی است که از هرگونه مداخلات با آن پرهیز کنند و با در پیش گرفتن یک سیاست قاطعانه، پرونده تروریزم این رژیم را به شورای امنیت ملل متحد ارجاع کنند.

شورا مذاکرات کشورهای گروه ۵+۱ با رژیم آخوندی بر سر برنامه اتمی را که یک دور آن بدون نتیجه در ژنو برگزار شد، ادامه تجربه شکست خورده هفت سال گذشته دانست که جز نزدیک کردن این رژیم به بمب اتمی حاصلی ندارد، به خصوص که اکنون آخوندها در پناه این مذاکرات به گسترش اعدام‌ها در سراسر ایران رو آورده‌اند. شورا دولت‌های غرب را فراخواند که سیاست امتیاز دادن به قاتلان مردم ایران را متوقف کنند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۸۹ دی ۲۶

و ادارشان کنیم که اعدام کنند تا وظیفه ام را نسبت به مردم، میهنم و اعتقاداتم به سرانجام رسانیده باشم و جهانیان را بر ستمی که بر مردم ما و ما می رود آگاه کرده باشم.

دروید بر تو ای مرد بزرگ دروید بر تو ای بزرگ مرد تاریخ معاصر و ننگ بر کسانی که تو را کشتند (لاریجانی، صلواتی و ...) و یا برگشتن تو سکوت می کنند. از مومنان گروهی بر عهد خود وفا کردند و گروه دیگر منتظر و در نوبتند بدون اینکه چیزی از اعتقادشان تغییر کند. (سوره احزاب آیه ۱۷)

سعید ماسوری

دیماه ۱۳۸۹ زندان رجایی شهر منبع: فعالین حقوق بشر و دموکراسی

نامه تکان دهنده دختر زنده یاد علی صارمی به پدرش

نامه زینب صارمی به پدرش

این نامه را برای روح پدر بزرگوارم می نویسم تا بشنود! پدر عزیزم، کاش بدانم که آیا ما را پشت دیوار اوین حس کردی! در سرمای سرد زمستان، همه می لرزیدیم و مأموران نیروی انتظامی بخاری روشن کرده بودند و در ماشینهایشان خودشان را گرم می کردند.

پدر آمده بودم صورت ماهت را ببینم. پدر آمده بودم که در قلب من و مادر و خواهرانم بزندی! اما تو بمانی و از وطنم دفاع کنی!

پدر بیست دقیقه بیشتر طول نکشید که دو آمبولانس نزدیک اذان آمدند و از در آهنی اوین می خواستند تو بیایند، روی یکی از آمبولانسها نوشته بود بازرسی ... هنوز داخل نشده بودند که صدای حسین... حسین... حسین... سکوت سرد اوین را شکست و با صدای اذان در هم آمیخته شد در شب پر ستاره و ماه! تمام قامت خشک شده بود و قابل توصیف نبود، همه سیخ شدن مو بر تن رو حس کردند بعد از صدای اذان مأموران رفتند و ما ماندیم.

پدر دیدم که پر کشیدی و ما را جا گذاشتی، اما جا نماندیم، جای پایت را نگاه کن! تمام جهانیان آمدند و پشت سرت دارند راه می روند، حتی با سرهای شکسته!

پدر از صمیم قلب دوستت دارم. دوستت دارم. دوستت دارم.

وداع با علی آقا صارمی

سعید ماسوری

از وجود تو گرما می گرفتم و از نگاه تو تسلی می یافتم و از صدای تو ایمن می شدم. از لحظه بی که بلندگوی زندان نام تو را نعره زد تا هنگامی که فریاد یا حسینت در لحظه اعدام در فضا و در تاریخ طنین افکند و به گوش همه کسانی که در پشت دیوارهای اوین قلبشان با تو می تپید رسید هزار بار حلق آویز شدم و برخاستم و آنگاه که واپسین لرزشهای بدنت بر چوبه دار از لرزش و حرکت باز ایستاد، تازه آغاز حرکت ... که نه... خود حرکت شدی!

چندان که جسد بی جانت بسا بیشتر از زنده بودن این خداوندان خوف انگیز و ظلمت دوست را به هراس می افکند، چرا که تو در اوج شکوه ناک فروتنیت قهرمانی را هم به سخره گرفتی تا از این پس قهرمانی از نام تو معنا پذیرد. مگر قهرمانی جز ایستادن در مجرای آتشفشانهاست ...؟ تا راه را برای نجات برابر تندرهاست ...؟ تا راه را برای نجات دیگران ایمن کند ولو به قیمت جان؟؟؟ و تو جز این نکردی و از شیر آهن کوه مردی چون تو عاشق جز این نشاید. واپسین کلام تو خلاصه زندگیت بود کلمه ای که مراد آزادگی بود.

از ساعت یک و نیم بعد از ظهر که رفتی تا ساعت دو و نیم که از برگشتن نگران شدم تا ساعت چهار که قلمب ناخودآگاه به تپش افتاد تا همین الان لحظه بی از تو جدا نشدم و با خود می گفتم بالاخره مجبورشان کردی که اعدامت کنند همان طور که همیشه خودت می گفتی: که تنها با قلم و سخن مجبورشان می کنم که اعدام کنند و چهره واقعی خود را نشان دهند.

آری حتی افترانامه کیهان هم نتوانسته بود حتی یک جرم که مستحق یک ماه زندان باشی هم برایت بترشد و در عدم تحمل سخن حقت، مجبور به اعدامت شدند و به خدای کعبه که رستگار شدی... و بعد از تو دیگر هیچ زندانی با هر حکمی از اعدام شدن ایمن نیست

چیزی که همیشه خودت می گفتی... الان در همان سلولی هستم که با هم بودیم و ای کاش که یک بار دیگر ولو دقیقه بی میتوانستیم با هم صحبت کنیم و برابرم تعریف کنی که چگونه آخوندی را که لحظه اعدام برای طلب آمرزشت آورده بودند تحقیر کردی و چگونه جلال مأمور اعدام را به تمسخر گرفتی ولی در اعماق قلبت بخشیدی بی هیچ کینه بی که قلب تو به جز عشق از هر چیز دیگری تهی بود!!...!

علی آقا... میدانم که در کنارم هستی و می شنوی من هم به تو قول میدهم که



آزاده ای دیگر که سر بر دار شد

بهرروز جاوید طهرانی

با نامه ای که طی آن به طور دست جمعی اقدام به محکومیت اعدام مجاهد و مبارز آزادیخواه شهید علی صارمی نمودیم دلم راضی نشد و دل نوشته ای دیگر لازم دیدم تا به سهم خود دینم را به این آزاده بزرگوار ادا کرده باشم. علی صارمی به گفته دوست و دشمن فردی پرهیزکار، مهربان، مردم دوست، عاشق و استوار بود وی با... این رژیم منحوس بازداشت و بیش از ۲۳ سال حبس کشید تا این که این بار در قبرستان خاوران در مراسم یادبود اعدامهای سال ۶۷ دستگیر و به اعدام محکوم شد. در مراسم یادبود دلاور مردان و شیر زنانی که آخر خود نیز به آنها پیوست. علی صارمی آرزو داشت روزی کمیته تحقیق به همراه دادگاهی مستقل در مورد اعدامهای دهه ۶۰ تشکیل گردد.

اعدام علی صارمی ثابت کرد که رژیم طاقت کوچکترین انتقاد و اعتراض مسالمت آمیز را هم ندارد و هر صدای مخالف را با چوبه دار خفه می کند.

اینک که ایرانیان برای خارج شدن نام سازمان مجاهدین از لیست گروههای تروریستی لحظه شماری می کنند رژیم حاکم قصد دارد خشم خود را از مجامع و محافل بین المللی بر سر هواداران این سازمان در زندانها خالی کند ولی با این وجود هیچ سعادت و افتخاری بالاتر از کشته شدن در راه حق و آزادی سراغ ندارم و مدالی بالاتر از آن ندیدم که دشمن حتی از جنازه بی جان شهیدی وحشت داشته و از تحویل کالبد بی جان شهید به خانواده اش بیمناک و مرعوب گردد.

شهادت این عزیز را به تمام مبارزین، مجاهدین و آزادیخواهان جهان تبریک و تهنیت عرض نموده و آرزو دارم راه و هدف او هدف ما گردد

ما شیشه بشکسته ایم باکی نداریم زکس شیشه هر چند بشکند تیزتر گردد.

۸ دی ما ۸۹ بهروز جاوید طهرانی بند ۳ زندان رجایی شهر کرج.

منبع: سایت فعالین حقوق بشر و دموکراسی

علی صارمی همچون سرو در برابر استبداد پایداری کرد و جاودانه شد

زینت میرهائمی

فراوی خبر ۸ دی مجاهد خلق، علی صارمی، زندانی دو دیکتاتوری شیخ و شاه، در سحرگاه روز سه شنبه ۷ دی ماه ۱۳۸۹، بعد از تحمل سالها شکنجه و حبس، در سیاهچال اوین، همراه با علی اکبر سیادت اعدام شد. این اقدام جنایتکارانه و ضد انسانی محکوم است و نمی تواند خللی در مقاومت و مبارزه برای آزادی ایجاد کند.

زنده یاد علی صارمی پس از دریافت حکم اعدام در دی ماه سال ۱۳۸۸، در نامه اش خطاب به لاریجانی ها و دیگر جنایتکاران این شعر شاملو را نوشته بود که «گر بدین سان زیست باید پاک، من چه ناپاکم اگر ننشانم از ایمان خود چون کوه، یادگاری برتر از بی بقای خاک». و به راستی آقای علی صارمی با مقاومت و ایستادگی اش در

اسارت و سرانجام با مرگ سرفرازانه اش، رسوایی و زبونی ولی فقیه و همه نهادهای سرکوبگرش را به نمایش گذاشت. زنده یاد علی صارمی که بعد از سخنرانی در گلزار خاوران به دست مأموران استبداد اسیر شد، خود گلی شد در گلزار خاوران. وی به زیبایی گفته بود: «ای طنابهای دار مرا در بگیرد خون من قطعا از خون نداها و دیگر جوانان که روزانه بر سنگفرشهای خیابان می ریزد رنگین تر نیست و جز بر حقانیت، جسارت و افتخار ما نمی افزاید...»

شهادت قهرمانانه زنده یاد علی صارمی را به خانواده او و به ویژه به فرزندش در اشرف به سازمان مجاهدین خلق ایران، به زندانیان سیاسی و به تمامی آزادیخواهان تسلیت می گویم.

لباس شخصیها این بار در برابر کمپ اشرف

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۹ دی

همزمان با گسیل آقایان صالحی، کاظمی قومی و مقتدی صدر به عراق به عنوان نشانه به رسمیت شناسی دولت جدید این کشور به ریاست آقای نوری مالکی، کمپ اشرف بار دیگر آماج حمله نیروهای عراقی قرار گرفت.

این یورش با شرکت نیروهای لباس شخصی و محافل "خودجوش"، از نخستین ساعات بامداد روز آدینه با پرتاب سنگ و کونکل مولوتوف آغاز گردید و به گفته منابع خبری، تاکنون منجر به زخمی شدن ۱۷۵ تن از ساکنان کمپ مزبور شده است.

برخلاف بورشهای پیشین این چنینی، آقای مالکی از به میدان فرستادن نیروهای رسمی و اونیفورم پوش خودداری و متذکر شد که در تهران مبنی بر استفاده از نیروهای سرکوب با لباس مُدل و زیر نام مُستعار برای انجام ماموریتهای کثیف را به کار بست.

این تغییر تاکتیک، واکنش مُستقیم به افزایش فشارهای بین المللی بر دولت عراق به دلیل سرکوب نیابتی مخالفان رژیم جمهوری اسلامی به شمار می رود و نشان از محدودیتهایی دارد که در این راستا آقای مالکی با آن روبرو شده است.

پارلمان اروپا در اوایل آذر ماه در قطعنامه ای خواستار پایان "محدودیت و محاصره بیرحمانه" کمپ اشرف از سوی نیروهای حکومت عراق شد. نمایندگان این پارلمان همچنین خانم کاترین اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی را فراخواندند که با همکاری سازمان ملل، امنیت ساکنان کمپ اشرف را تامین کند.

به موازات این تحول، یک دادگاه اسپانیایی برای نخستین بار، یک مقام بلندپایه عراقی، ژنرال عبدالخسین شمیری را برای انجام تحقیقات در مورد اتهام "نقض قوانین بین المللی" و "ارتکاب به جنایات جنگی" علیه ساکنان کمپ اشرف در ژوئیه ۲۰۰۹ فراخواند. اقدام دادگاه تحقیق مرکزی اسپانیا با نگرانی و اضطراب نزد محافل دولتی این کشور تحت اشغال بین المللی ثبت گردید. ژنرال شمیری پس احضار به دادگاه، نقش خود در این حمله جنایتکارانه که ۱۱ کشته و صدها زخمی برجای گذاشت را انکار کرد. وی در تلاش برای تیرپه خود، مسوولیت را به گردن همدستانش افکند و گفت: "نیروی مسلحی که وارد اشرف شد، از بغداد آمده بود. من تکرار می کنم که نیرویی که وارد کمپ شد، از خارج استان دیالی آمده بود."

اگر چه حمله روز آدینه به ساکنان اشرف تحت شرایط جدید، به گونه متفاوتی از یورشهای مُشابه در گذشته سازماندهی و به دست اجرا گذاشته شد اما این امر یک بار دیگر وجود یک سیاست تبهکارانه ی ثابت علیه مخالفان رژیم ولایت فقیه مُستقر در این کمپ را مُستند می کند که توسط دولت آقای مالکی اجرا و از سوی حاکمان ایران طراحی و پُشتیبانی سیاسی و لجستیکی می شود.

سرکوب خونین ساکنان بی دفاع اشرف، بخشی از سیاست فراگیر جمهوری اسلامی برای حذف فیزیکی و دستکم به سکوت کشاندن صداهای مخالف در قلمروهای تحت نفوذ خود در داخل یا دارای نفوذ در خارج است. به راه انداختن ماشین اعدام علیه زندانیان سیاسی، کشتار مترضان خیابانی و استفاده لگام گسیخته از اهرم زندان و پلیس علیه جامعه، روی دیگر سکه ای حمله به کمپ اشرف است. تنها یک رویکرد فراگیر و بدون قید و شرط با اقدامات جنایتکارانه حکومت، مُستقل از آن که علیه چه کسی و کجا به جریان افتاده باشد، توانایی ایستادگی و بیرون کشیدن شمشیر از کف خودکامه مست را خواهد داشت

پیروزی عدالت بر جنایت

زینت میرهائمی

فراسوی خبر... ۱۵ دی

روز سه شنبه ۱۴ دی، حکم دادگاه اسپانیا مبنی بر پیگیری و تعقیب عاملان جنایت و آزار ساکنان قرارگاه اشرف اعلام شد. خبرگزاری فرانسه روز سه شنبه اعلام کرد که «یک رئیس پلیس عراقی که در جریان تحقیقات قضایی حول حمله مرگبار نیروهای عراقی به یک کمپ مخالفان ایرانی، توسط دادگاه اسپانیا، برای حضور در دادگاه احضار شده بود، روز سه شنبه نقش خود در این حمله را انکار نمود.»

به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت، دادگاه مرکزی تحقیق در اسپانیا، روز دوشنبه ۶ دی، طی حکمی شکنجه و دیگر خسارتهای وارده به ساکنان اشرف در ۶ و ۷ مرداد ۱۳۸۸ که منجر به قتل ۱۱ نفر، ۲۸۰ جراحت جدی و بازداشت غیر قانونی ۳۶ شد را جنایت علیه جامعه بین المللی، جنایت جنگی و جنایت علیه حقوق بین المللی بشر، شناخت. این حکم بعد از مهلت استیناف ۵ روزه از روز سه شنبه ۱۴ دی فعال شد.

حکم دادگاه تحقیق اسپانیا که دستاورد کارزار بین المللی دفاع از حقوق ساکنان اشرف توسط فعالان مدافع حقوق بشر، نهادهای مدافع عدالت و ایرانیان آزادیخواه در سراسر جهان است، یک پیروزی به نفع عدالت و حقوق بشر است. ساکنان کمپ اشرف از حقوق بر حق خود دفاع می کنند و با افشای صدور بنیادگرایی اسلامی به عراق در برابر زد و بندها و توطئه های کارگزاران عراقی وابسته به جمهوری اسلامی پایبندی می کنند. آنها افرادی حفاظت شده و از سال ۱۳۸۲ تحت کنوانسیون چهارم ژنو قرار دارند. تعرض به حقوق آنها و به ویژه آزار و شکنجه آنان نقض حقوق بشر است. حکم دادگاه اخیر یک پیروزی برای فعالان حقوق بشر در روبرویی با ناقضان حقوق بشر است. با پیش روی این پرونده، مداخله مستقیم جمهوری اسلامی در مسائل داخلی عراق و فشار بر وابستگانش در عراق برای سرکوب ساکنان کمپ اشرف بیشتر آشکار خواهد شد.

تعویق حکم اعدام حبیب الله لطیفی، یک پیروزی تاکتیکی

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۶ دی

در پی فعالیتهای بی وقفه و پیگیرانه هزاران کنشگر حقوق بشر در ایران و جهان، خانواده وی و مردم کردستان، حکم اعدام حبیب الله لطیفی به تعویق افتاد. وضعیت او در دستگاه آشفته و عریض و طویل بیدادگاه های جمهوری اسلامی هنوز نا مشخص است، با این حال می توان این امر را یک پیروزی تاکتیکی در مسیر دستیابی به پیروزیهای استراتژیک فعالان جنبش عدالت خواهانه مردم ایران به حساب آورد.

حبیب الله لطیفی، دانشجوی سال آخر رشته مهندسی صنایع دانشگاه ایلام از سال ۱۳۸۶ به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "مجاهرت" در زندان بسر می برد. در طول این مدت وی تحت سخت ترین شکنجه های روحی و فیزیکی قرار گرفته اما از پای نیفتاده است.

مقاومت و پایداری فرزندان ایران در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی، مردم ایران را نیز بر آن داشته است که پا به پای یاران خود، با اراده و پیگیری بهای سنگین آزادی را بپردازند.

در روزهای اخیر، دهها نویسنده، روزنامه نگار، هنرمند، استاد دانشگاه و فعال حقوق بشر ایرانی در نامه ها، تماسهای تلفنی یا امضا پتیشن از دولتها و مجامع بین المللی خواستند تا برای توقف حکم اعدام حبیب الله لطیفی هرچه سریع تر اقدام کنند.

در بسیاری از شهرهای کشورهای اروپایی از جمله آلمان، فرانسه، نروژ، انگلیس و ایتالیا ایرانیان در هوای سرد و یخبندان در برابر نمایندگیهای جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند. شش ایرانی در حالی که دست به اعتصاب غذا زده بودند، با زنجیر خود را

به درب کنسولگری جمهوری اسلامی در فرانسه بستند و در لندن، معترضین به کنسولگری جمهوری اسلامی حمله برده و پنجره های آن را شکستند. در اربیل و سلیمانیه، تجمعاتی در حضور رسانه های خارجی برگزار گردید.

در این میان جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج نیز در نامه ای ضمن محکوم کردن حکم اعدام حبیب الله لطیفی تاکید کردند که در آستانه سفر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل به ایران خواستار ملاقات با او یا نماینده وی هستند تا از "بند بند بدرفتاریهای صورت گرفته در دوران محکومیت خود" سخن گویند.

همزمان، وکلای آقای لطیفی، نعمت احمدی و صالح نیکیخت، خانواده و به ویژه خواهر او، الهه لطیفی تلاشی مستمر برای جلوگیری از اعدام این جوان را سازمان دادند. صدها نفر دیگر از مردم سندج نیز بدانها پیوسته و در برابر زندان دست به تحصن و اعتراض زدند.

همچنین، در پی حرکت مردم اطراف سندج در پیوستن به اعتراضات مقابل زندان این شهر، نیروهای رژیم به حالت آماده باش در آمده و تیم ویژه وزارت کشور برای همدستی با اداره اطلاعات استان کردستان وارد عمل شد. نیروهای سپاه نیز در منطقه کردستان به حالت آماده باش در آمدند.

در اردیبهشت ماه امسال پس از اعدام چهار زندانی کرد، استان کردستان سه روز در اعتصاب سراسری بود. از همین رو، حکومت در هراس از بالاگرفتن اعتراضات مردم، نیروهای خود را بسیج کرده است.

باید هر چه بیشتر حول خواستههای مشخص مشکل شد و رژیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

فقط یک زن در میان اعضای کابینه جدید دولت المالکی حضور دارد

دفتر مک کلاتچی واشنگتن، ۳۱ دسامبر ۲۰۱۰ - زمانی که نوری المالکی، نخست وزیر دولت جدید عراق، دو هفته پیش وزرای کابینه جدید دولتی که او دولت ائتلافی ملی می نامد را مشخص کرد تقریباً همه، شامل کردها، سنیها و شیعه ها به حساب آمدند اما نقش یک گروه، زنان، بسیار ضعیف و کم رنگ در دولت جدید عراق نمایان گشت. وجود فقط یک زن در میان ۴۲ اعضای کابینه دولت جدید عراق نشان از تبعیض جنسیتی بی رحمانه در کشوری دارد که روزی کانون رعایت حقوق زنان در کشورهای عربی بود. این مساله، ضرورت پیشرفت و تعمیق مبارزه جهت تثبیت هویت اصلی عراق در آینده را گواهی می دهد. میزان مشارکت زنان در ساختار سیاسی جدید یکی از شاخصهای دسترسی عراق به دموکراسی لیبرال و یا تبدیل آن به یک جامعه پدرسالار و مذهبی می باشد. نزدیک به هشت سال پیش، زمانی که دولت آمریکا با توسل به نیروی نظامی دولت صدام حسین را سرنگون کرد، عراق به بیشترین میزان برابری جنسیتی در امر مشارکت سیاسی رسیده بود. در دولت قبلی مالکی چهار وزیر زن حضور داشتند و ماده ای در قانون اساسی عراق از سال ۲۰۰۵، یک چهارم کرسیهای مجلس را برای زنان در نظر گرفته است. بر اساس گزارش خبرگزاریهای عراق، ۸۲ نفر از ۳۲۵ قانونگذار انتخاب شده در آن زمان، زن بودند. اگرچه بر اساس گزارشهای مدافعان حقوق زنان، رعایت حقوق بشر، شمار سیاستمداران زن انتخاب شده و میزان مشارکت آنان در سیاست به مرور زمان کمتر شده که معرفی همین کابینه جدید نمونه چالش زنان برای تثبیت موقعیت خود در زندگی اجتماعی عراق است.

خانم "حنا ادوار"، موسس "اتحادیه امل"، یک گروه مدافع حقوق زنان در رابطه با حضور بسیار کم رنگ آنها در کابینه دولت جدید می گوید: "این مساله مسخره است، به خصوص وقتی این تصور وجود دارد که کابینه جدید می بایست کابینه ای اصلاح شده تر از کابینه قبل باشد. عدم حضور زنان در ساختار سیاسی یک سیلی محکم به صورت همه عراقیها است."

یکی از قانونگذاران زن عراقی بعد از این که المالکی صفوف خود را

مشخص کرد، جهت محکوم کردن این پروسه، در پارلمان عراق و در حالی که صدایش می لرزید، ابراز داشت: "زنان عراقی بیش از هر زمان دیگری احساس می کنند که دموکراسی در عراق توسط اعمال تبعیض جنسیتی ذبح شده است. من انتظار داشتم که کابینه جدید نسبت به قبلی، زنان بیشتری را شامل شود."

در همین رابطه سفیر آمریکا در عراق در رابطه با عدم حضور زنان در کابینه جدید، ابراز تعجب و حیرت زدگی کرده است. کشور عراق در طول دهه های متوالی، پیشتاز معرفی نامزدهای انتخاباتی زن برای پستهای دولتی مختلف در راستای پیشرفت حقوق زنان بوده است. این مساله از سال ۱۹۵۹ با تصویب قانونی بسیار مترقی در رابطه با آزادیهای اجتماعی و انتخاب اولین وزیر زن در دنیای عرب کاملاً بدیهی شد. حتی صدام حسین نیز در دهه های هفتاد و هشتاد با تصویب قوانینی بسیار قوی علیه آزار و اذیتهای جنسی و مشارکت زنان در نیروی کار کشور به عنوان بخش مهمی از پروژه صنعتی کردن ساختار اقتصادی عراق نشان داد که در مسیر تثبیت مطالبات دموکراتیک زنان گام بر می دارد. اکنون زنان عراقی در برابر جامعه ای قرار گرفته اند که توسط بنیادگرایان مذهبی اراده می شود و به سختی می توانند پستی در ساختار سیاسی به دست آورند. بسیاری از عراقیها اعتقاد دارند، مناطق زیادی از کشورشان توسط احزابی که یا خود مذهبی و بنیادگرا هستند و یا از بنیادگرایان پیروی و فرمان می برند، اداره می شود. از همین رو است که آنان با استفاده از ابزار فشار و ایجاد رعب و وحشت، زنان را به کناره گیری از مسایل سیاسی وادار می سازند و یا قدرت سیاسی زنانی که هم اکنون پستی دارند را کاهش می دهند.

در منطقه "ویست"، جنوب شرقی بغداد که بیشتر شیعه نشین است، ۹ کرسی از ۲۸ کرسی شورای استانی به زنان تعلق داشت. یکی از این زنان در یک صحنه ساختگی تصادف نزدیک بود جان خود را از دست بدهد که توسط محافظش نجات پیدا کرد. بعد از این اتفاق، اعضای زن شورای استان تقاضا کردند که جهت حفظ جان خود یکی از مردان فامیل را در رفت و آمدها در مناطق عمومی به همراه داشته باشند. افزوده بر این، ماه گذشته در بغداد یکی از مدیران دبیرستان پسرانه ابراز کرد که تحت فشار قرار گرفته است تا برای تدریس بیولوژی، ریاضیات و زبان

عربی فقط آموزگاران مرد را به کار گیرد. قابل توجه است که اعضای حزب شیعه و بنیادگرای المالکی بر شورای استان بغداد تسلط دارند؛ جایی که فشار بر زنان عراقی برای رعایت پوشش اسلامی بسیار آشکارا اعمال می شود.

ناگفته نماند که در برابر اعمال این گونه فشارها جهت کوتاه کردن دست زنان از دخالت در فعالیتهای اجتماعی و تعمیق تبعیض وحشیانه جنسیتی، مخالفتهایی از سوی گروههای سکولار و مدافع حقوق زنان، مشاهده می شود. به عنوان مثال، کمپینی در بغداد از مردم عراق خواست تا به پوشش اجباری "نه" بگویند و بانگ بر آورند که عراق به قندهار تبدیل نخواهد شد که اشاره ای به وضعیت وخیم زنان در این شهر افغانستان به دلیل دخالتهای طالبان است. کمپین مزبور اعلام کرد که بنیادگرایان می خواهند مسایلی را بر اساس اندیشه خود به جامعه عراق به زور تزریق کنند بدون اینکه توجه کنند که این اندیشه های عقب افتاده در تفکر مردم عراق جایی ندارد، پس باید بدانند بازاری برای آنچه می خواهند به مردم بفروشند در عراق وجود ندارد.

خانم "ادوار حسین" که در کمپین "مخالفت با رعایت اجباری پوشش اسلامی" فعالیت می کند، ابزار می دارد: "اگر آنها در عراق وجود دارند، ما نیز در مقابل آنان در عراق حاضر هستیم و برای مطالبات خود مبارزه می کنیم."

وی ادامه می دهد که احزابی مانند "صدریها" قصد دارند همه عراق را با تثبیت قوانین مذهبی کنترل کنند و این هدف بخشی از جدال آنان برای دستیابی به پستهای بیشتری در قدرت سیاسی است. اما امروز زنان عراقی باید تلاش کنند که با راه انداختن تبلیغات از رهبران سیاسی بخواهند که زنان بیشتری را برای اشغال پستهای کابینه دولت جدید معرفی کنند.

در همین رابطه به گزارش خبرگزاریهای عراقی، زنان عراقی در نقاط مختلف عراق دست به اعتراض زده اند. تلویزیون بغداد از تظاهراتی در کرکوک به رهبری تشکیلهای مدافع حقوق بشر علیه حضور نداشتن زنان در ترکیب دولت جدید، خبر داده است. آنان در مقابل استانداری، از فراکسیونهای سیاسی خواسته اند تا در رابطه با این مساله تجدید نظر کنند که در غیراینصورت به مخالفت خود ادامه خواهند داد. "روناک علی"، مسوول فدراسیون سازمانهای غیر دولتی در این رابطه اعلان کرده است: "در هفتهها و ماه های آینده چادر می زنیم و تحصن می کنیم تا این که خواسته های ما را برآورده کنند. ما دست بسته باقی نخواهیم ماند و صدایمان را بلند می کنیم."

سودان: دستگیری خبرنگاران و

فعلان مدافع حقوق بشر و زنان
آل آفریقا، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۰ - "ابدل بساط میرقانی"، مدیر مسوول بخش مرکزی سازمان حقوق بشر در سودان بعد از اقدام به راه اندازی یک نشست در دفاع از حقوق زنان سودان به نام "نه به استعمار زنان" دستگیر شد و در جای نامعلومی نگهداری می شود. "میرقانی" قصد داشت تحصنی را علیه تازیانه زدن زنان در ملاء عام به علت هر عمل و رفتاری که به نظر دولت سودان مبتذل می باشد، به راه بیاندازد. افزوده بر این، به گزارش فعالان حقوق بشر در مناطق عرب نشین، یکی دیگر از فعالان حقوق بشر در سودان دستگیر شده است که خبری از وی در دست نیست. او که "محمد القاسم نام دارد"، وکیل و یکی از اعضای عالیترتبه کمیته واحد دیدبانی سازمان حقوق بشر در سودان می باشد. بر اساس همین گزارش، دستکم سیزده نفر دیگر که شامل مدافعان حقوق بشر، حقوق زنان، خبرنگار، و مدافعان آزادی عقیده می باشند، در ماه های گذشته در سودان دستگیر شده اند.

قانون تابعیت لبنان یک نقض فاحش حقوق بشر است

دیپل استار لبنان، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۰ - مدافعان حقوق زنان و حقوق بشر در کشور لبنان همواره در تلاشند که قانون تبعیت لبنان را تغییر دهند.

بر اساس این قانون، زنی که با مردی غیر لبنانی ازدواج کند و از او کودکی به دنیا بیاورد، قادر نیست که ملیت خود را به فرزندش انتقال دهد. بدین ترتیب، بیش از دویست هزار نفر در لبنان فاقد ملیت هستند و در شرایط بسیار بحرانی به سر می برند. این قانون نه تنها ناقض حقوق زنان می باشد، بلکه با بسیاری از میثاقهای منشور حقوق بشر نیز در تضاد است. تصور کنید که در لبنان به دنیا بیایید، از مادر لبنانی اما بدون ملیت باشید. این مساله باعث می شود که فرد مزبور برای اسم نویسی در مراکز تحصیلی، دریافت بیمه بهداشتی، اشتغال (با توجه به اینکه برای بسیاری از موقعیتهای کاری با درخواست افراد خارجی مخالفت می شود) و همچنین برای ورود به دانشگاه، با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد، با این که وی در کشور دیگری به دنیا نیامده و خود را لبنانی احساس می کند.

انتقال تابعیت از سوی زنی که با مردی غیر لبنانی ازدواج کرده است به فرزندش زمانی مشکل تر می شود که پدر فوت کرده و یا طلاق صورت گرفته باشد. بنابراین، زنان لبنانی برای تغییر قانون مزبور تلاش می کنند. سازمان

بقیه در صفحه ۱۷

تور سیاحتی اتمی دیپلماتها به جای بازرسی منظم آژانس

جعفر پویه

فراسوی خبر ... پنج شنبه ۱۶ دی رژیم جمهوری اسلامی برای فرار از زیر بار تعهدات بین المللی خود و عدم اجازه به بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی برای بازدید از سایت‌هایش، دست به یک حیلۀ جدید زده است. ارسال دعوتنامه به سفارتخانه‌های یک سری از کشورهای دستچین شده برای بازدید از تاسیسات اتمی بوشهر و نطنز، ترفندی مضحک برآورد شده است. این دعوتنامه از سوی علی اصغر سلطانی، نماینده رژیم در آژانس بین المللی انرژی اتمی فرستاده شده است.

به گفته یک دیپلمات انرژی، دعوتنامه مزبور به روسیه، چین، مصر، کوبا، کشورهای موسوم به جنبش عدم تعهد، کشورهای عرب عضو آژانس بین المللی انرژی اتمی و مجارستان به عنوان ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا فرستاده شده است. در این دعوتنامه به غیر از بازدید از دو تاسیسات اتمی رژیم، همچنین دیدار با سرپرست وزارت امور خارجه، علی اکبر صالحی، دیدار با رییس سازمان انرژی اتمی و همچنین گفتگو با سعید جلیلی، مذاکره کننده ارشد رژیم در پرونده اتمی، گنجانده شده است. تاریخ ۱۵ و ۱۶ ژانویه جاری زمانی است که برای این دیدار در نظر گرفته شده است.

به نظر می رسد رژیم جمهوری اسلامی از پیش به شکست فضاخت بار خود در گفتگوهای پیش رو در استانبول واقف است و به همین دلیل تور سیاحتی ای برای دیپلمات‌های بعضی از کشورها ترتیب داده تا اینگونه نمایش دهد که درهای سایت‌های اتمی اش به روی بازدید کنندگان باز است. این درحالی است که چنین دعوتنامه ای برای آژانس فرستاده نشده و همچنین کشورهای آلمان و آمریکا نیز در لیست دعوت شدگان وجود ندارند.

رامین مهمان پرست، سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم در این باره گفت: "اقدام جدید دعوت از سفرای کشورهای مختلف برای بازدید از تاسیسات هسته ای کشورمان یک بار دیگر حسن نیت ایران را در رابطه با این همکاری و صلح آمیز بودن فعالیت‌های ما نشان می دهد."

از آنجا که دست رژیم برای تمامی کشورها رو شده و ترفندهای فریبنده آن دیگر نمی تواند تائیری داشته باشد، این مانور رژیم نیز نه تنها بی خاصیت شده بلکه می رود تا به ضد خود تبدیل

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶

ملل از سال ۲۰۰۹ بر اساس برنامه بسط و توسعه تلاش کرده است که به کمپین مبارزه برای تغییر قانون حق تابعیت لبنان حمایت و یاری برساند.

یک سوم از زنان کویتی قربانی خشونت خانگی هستند

شبکه خبری زنان، ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱- وزیر دادگستری کویت آشکار ساخت که ۳۵ درصد از زنان کویتی گزارش داده اند که مورد خشونت خانگی قرار گرفته اند. افزوده بر این، میزان طلاق نسبت به سال ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرده است. ۳۹ درصد از طلاقها بعد از یک سال زندگی زناشویی و ۲۸ درصد قبل از اولین سالگرد ازدواج صورت گرفته است.

زنان آفریقایی به دلیل کورتاژ غیر بهداشتی جان خود را از دست می دهند

آل آفریقا، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۰- نزدیک به ۵.۵ میلیون زن به انجام کورتاژ غیر قانونی در آفریقا مبادرت می فرستند که نزدیک به ۱۴ درصد از آنان به همین دلیل جان خود را از دست می دهند.

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی سالانه تقریباً سی و پنج هزار دانش آموز دختر به دلیل مبادرت ورزیدن به عمل کورتاژ غیر بهداشتی، جان خود را از دست می دهند. قانونی نبودن عمل کورتاژ در برخی کشورهای آفریقایی، فقر و عدم امکانات بهداشتی برای همه زنان یکی از علل مرگ و میر آنها در این کشورها است. زنان در بیشتر کشورهای آفریقایی از اعمال قوانین قرن نوزدهم رنج می کشند. افزایش گزارشات عقب افتاده مذهبی و سیاسی در ساختار سیاسی این کشورها دقیقاً علیه زنان عمل می کند و رفرمهای جدی در مسیر احقاق حقوق اولیه زنان برای حفظ سلامت آنان حیاتی می باشد.

فیلیپین و زندانیان سیاسی زن

خبرگزاری فیلیپین، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰ - کوشندگان حقوق بشر و زنان در فیلیپین ابراز می دارند که زندانیان سیاسی زن در فیلیپین به طور عادی از سوی ماموران زندان و مسوولان مربوطه مورد آزار و اذیت جنسی و فیزیکی قرار می گیرند. شواهد مستند به امار نشان می دهد که ۶۳ نفر از ۳۶۹ زندانی سیاسی در حکومت فیلیپین به ریاست جمهوری بنگینو آکوئینو، زن هستند. از زمان به قدرت رسیدن آکوئینو هیچ زندانی سیاسی زنی آزاد نشده است.

مدافعان حقوق زنان به مساله دستگیری "آنجلینا ایبونگ" که شصت سال دارد و در سال ۲۰۰۵ دستگیر شد، اشاره می کنند.

این زن شصت ساله در هفته های اول دستگیری به طور وحشیانه ای مورد تجاوز جنسی، آزار و اذیت‌های فیزیکی و روانی قرار گرفته است.

حکم قصاص زنی در قزوین به اجرا در آمد

به گزارش خبرگزاری هرانا، ۲۹ آذر ماه ۱۳۸۹، خانمی به نام میهن که از سوی دستگاه قضایی حکومت استبدادی به قتل پنج زن در فاصله سالهای ۸۷ تا ۸۸ متهم گردیده بود، در زندان مرکزی قزوین به دار آویخته شد.

خبرگزاری هرانا متذکر شده است که اتهامات این فرد از سوی نهادهای مستقل مورد تایید قرار نگرفته و از برگزاری دادگاه و بازپرسی و بازجویی عادلانه این زن اطلاعی در دست نیست.

لرستان و خودسوزی زنان باردار

به گزارش خبرگزاری دولتی آفتاب، سه شنبه ۲۱ دی ۱۳۸۹، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی لرستان اعلام کرده است که از ابتدای سال جاری تا کنون یازده مورد مرگ و میر مادران باردار در لرستان وجود داشته است.

وی همچنین می گوید که پنج تن از این مادران از طریق خودسوزی به خودکشی مبادرت ورزیده اند.

جنایتکاران حاکم قصد دارند نوجوان دیگری را به دار مجازات بیاویزند

خبرگزاری هرانا، دوشنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۸۹ گزارش کرد که یک دختر دانش آموز دبیرستانی شانزده ساله از سوی دادگاه به قتل همسر سی ساله خود متهم شده است. حکم اعدام فاطمه ساله‌ی، شانزده ساله از سوی دادگاه مزبور صادر گردیده و به تایید دیوان عالی کشور نیز رسیده است.

خبرگزاری هرانا در این رابطه نوشته است که فاطمه در بازجوییهای اولیه -که مانند همه بازجوییهای رایج در ایران بدون حضور وکیل انجام می گیرد- حرفهای ضد و نقیضی می زند. او از یک سو به ارتکاب قتل اعتراف می کند و از سوی دیگر، از دو نفر صحبت می کند که وارد منزل او شده و شوهرش را به قتل رسانده اند.

با توجه به فشارهایی که در طول دوران بازجویی روی فرد متهم وارد می آید و با توجه به اینکه فاطمه یک دختر مدرسه ای شانزده ساله بوده است، روشن نیست که آن بخش از حرفهای او که اشاره به ارتکاب قتل دارد، تا چه حد به واقعیت نزدیک است و تا چه حد به خاطر رهایی از فشار بازجویی بوده است.

فاطمه در دادگاه به قتل اعتراف نمی کند. به هر حال شعبه ۵ دادگاه کیفری استان فارس او را محکوم به اعدام می کند. حکم فاطمه در دیوان عالی کشور نیز تایید شده و هر آن ممکن است که اجرا شود.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

- سخن روز

- من از موسسات یاد گرفتم موضوعات مهم را با کلمات ساده بیان کنم (جورج برنارد شاو (ژوئیه ۱۸۵۶ - نوامبر ۱۹۵۰)، نمایشنامه نویس و بنیان گذار مدرسه اقتصاد لندن)

- پایان عالی زندگی، داشتن اطلاعات نیست، عملکرد هاست (تاماس فولر (مارس ۱۹۳۳ - ژانویه ۲۰۰۹)، اهل کلیسا و تاریخدان انگلیسی که به خاطر نوشته هایش شهرت دارد)

موسیقی

پلاسیدو دومینگو در نقش پابلو



نرودا در اپرای پستیچی

اپرای "پستیچی" اثر دانیل کاتان، آهنگساز مکزیکی، در وین با استقبال شایان روبرو شده است. این اپرا گوشه‌ای خیال‌آمیز از زندگی پابلو نرودا، شاعر مبارز شیلی را با شعر و موسیقی روایت می‌کند. پلاسیدو دومینگو، یکی از بزرگترین خوانندگان تنور، نقش این شاعر بزرگ را ایفا می‌کند. متن و آهنگ اپرا را دانیل کاتان بر پایه داستانی نوشته آنتونیو اسکارمتا، نویسنده شیلیایی تصنیف کرده است. بر پایه داستان "پستیچی" در سال ۱۹۹۴ فیلمی موفق به کارگردانی مایکل رادفورد، فیلمساز بریتانیایی ساخته شد که در آن فیلیپ نواره، بازیگر نامی فرانسوی نقش نرودا را ایفا کرد.

داستان "پستیچی" لحنی شوخ و طنزآمیز دارد با مایه‌هایی واقعی از زندگی پابلو نرودا.

اجرای ارکستر ملی فلسطینی در اسرائیل و کرانه باختری برای نخستین بار

به مناسبت فرا رسیدن سال نوی مسیحی، ارکستر ملی فلسطینی نخستین اجرای خود را در شهرهای رام‌الله، بیت‌المقدس و حیفا ارائه داد.



رهبری نخستین، اجراهای ارکستر ملی فلسطینی را بالدور برونیمان، رهبر ارکستر سرشناس سوئیس، به عهده داشت.

تمام اعضای ارکستر، نوازندگان حرفه‌ای و فلسطینی تبار هستند. ارکستر ملی فلسطینی در سه برنامه علاوه بر موسیقی کلاسیک غربی مانند آثار موتسارت و بتهوون، آثاری از موسیقی سنتی فلسطینی را نیز به اجرا گذاشت. در ریپراتوار ارکستر همچنین، اثری از گیورگی لیگت، آهنگساز یهودی مجار عرضه شد.

فلسطینیها از زمان تشکیل حکومت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، ارکستر موسیقی نداشتند. ارکستر تازه با کمک چندین ارگان فرهنگی بین‌المللی از قبیل اتحادیه اروپا و سازمان یونسکو شکل گرفته است.

ارکستر ملی فلسطینی توسط کنسرواتوار رام‌الله تشکیل شده است که به نام اندیشمند فلسطینی‌تبار آمریکایی، ادوارد سعید شهرت دارد. این ارکستر مدیون زحمات ادوارد سعید است و با یاری "بنیاد هنری بارن‌بوم" شکل گرفته است.

ادوارد سعید در اوایل دهه ۱۹۹۰ با دانیل بارن‌بوم، رهبر ارکستر سرشناس آرژانتینی - اسرائیلی، ملاقات کرد. آن دو همکاریهایی را در زمینه ترویج موسیقی در سرزمینهای اشغالی شروع کردند. دو چهره سرشناس یهودی و فلسطینی چند آموزشگاه موسیقی در سرزمینهای اشغالی پایه‌گذاری کردند، با این اعتقاد که موسیقی می‌تواند نقش مهمی در آشتی ملت‌های فلسطین و اسرائیل ایفا کند. امروزه در آموزشگاه موسیقی رام‌الله در کرانه باختری، بیش از ۲۵۰ جوان فلسطینی به آموزش موسیقی و نوازندگی مشغول هستند. این ارکستر با پیام صلح و دوستی، میان اعراب و اسرائیلی‌ها فعالیت می‌کند. بارن‌بوم از منتقدان جدی سیاست کنونی اسرائیل است و مقام‌های رسمی این کشور بارها از او انتقاد کرده و حتی او را "ضدیهودی" خوانده‌اند. او اولین شهروند اسرائیلی بود که در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۸ به صورت افتخاری تابعیت فلسطین را قبول کرد.

فیلم

دستور دولت کانادا برای نمایش فیلم مستند "ایرانیوم"

"کتابخانه و آرشیو ملی کانادا" نمایش فیلم مستند "ایرانیوم" را که در مورد برنامه اتمی ایران است، به دلیل اعتراض سفارت جمهوری اسلامی لغو کرد اما دولت کانادا بی‌درنگ دستور نمایش این فیلم مستند را صادر کرد.

جیمز مور، وزیر میراث فرهنگی کانادا در نامه ای دیپلماتیک به جمهوری اسلامی با اعتراض به این اقدام تصریح کرده است: "کانادا کشوری آزاد است که آزادی بیان ارزش محوری آن است و این ارزش قابل معامله نیست." جیمز مور می‌افزاید: "حفظ امنیت مردم ضروری است، ولی ما در برابر کسانی که می‌خواهند با تهدید به خشونت، مردم را سانسور کنند، عقب نخواهیم نشست." "ایرانیوم" مستندی ۷۰ دقیقه‌ای ساخته رافائل شور، خاخام و کارگردان کانادایی - اسرائیلی در مورد برنامه اتمی جمهوری اسلامی است. این مستند، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با سیاستمداران گوناگون و افرادی که برنامه اتمی ایران را یک تهدید برای غرب دانسته و معتقدند که رژیم به دنبال تولید سلاح اتمی است، می‌باشد. در این مستند همچنین برخی از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی نیز حضور دارند و به نوشته وسایت رسمی "ایرانیوم"، شهره آغداشلو نیز راوی آن می‌باشد.

تحریم گسترده مجمع عمومی اتحادیه تهیه کنندگان سینما

مجمع عمومی تشکل دولتی تهیه کنندگان به نام "اتحادیه تهیه کنندگان سینمای ایران" در "خانه هنرمندان" تشکیل شد و ۸۴ تهیه کننده سینما در آن شرکت کردند. این در حالیست که ۱۶۲ نفر از تهیه کنندگان سینما شرکت در این مجمع را که توسط وزارت ارشاد ترتیب داده شده بود، تحریم کردند.

در میان اسامی افرادی که در مجمع عمومی اتحادیه تهیه کنندگان شرکت نکردند نام‌هایی همچون بیضایی، کیمیایی، کیارستمی، صدر عاملی، سینایی، فرهادی، کوثری، محمدی، حیدریان، اسعدیان، دیده می‌شود.

برندگان جوایز "گلدن گلوب"

فیلم "شبکه اجتماعی" برنده چهار جایزه شصت و هشتمین مراسم گلدن گلوب، از جمله بهترین فیلم دراما و بهترین کارگردان شد. این فیلم که درباره تاریخچه شبکه اجتماعی فیس بوک است، جوایز بهترین سناریو و بهترین موسیقی متن را نیز برد.

کالین فرث به خاطر بازی در فیلم "سخنرانی شاه"، جایزه بهترین هنرپیشه مرد و ناتالی پورتمن، بازیگر فیلم "قوی سیاه"، جایزه بهترین هنرپیشه زن را از آن خود کردند.

در بخش فیلمهای کم‌دی و موزیکال، "بچه‌ها رو به راهند" برنده جایزه بهترین فیلم شد. در این فیلم آنت بنینگ، جایزه بهترین بازیگر زن را آن خود کرد. او یازده سال پیش نیز همین جایزه را برای فیلم "زیبای آمریکایی" برد.

ال جاماتی، بازیگر فیلم "روایت بارنی"، برنده جایزه بهترین هنرپیشه مرد در بخش کم‌دی و موزیکال شد. همچنین کریستین بیل و ملیسا لیو به خاطر فیلم "مبارز"، به ترتیب بهترین بازیگران نقش مکمل مرد و زن شناخته شدند.

و دیگر آنکه، از رابرت دنیرو با جایزه "سسیل بی دمیل"، به خاطر یک عمر فعالیت هنری تقدیر شد. "داستان اسباب بازی ۳" نیز برنده بهترین انیمیشن شد.

جایزه "دوربین طلایی" به جان تراولتا اهدا می‌شود

جان تراولتا جایزه دوربین طلایی، یکی



از مهمترین جوایز هنری آلمان را به دست آورد.

داوران مجله پرتیراژ "هرتسو" از بازیگر ۵۶ ساله هالیوود به عنوان یکی از بهترین بازیگران جهان ستایش کرده‌اند.

در قدردانی از جان تراولتا به عنوان "بهترین هنرپیشه بین‌المللی" گفته می‌شود: "این بازیگر در انتخاب نقشها و تنوع شخصیت‌هایی که ایفا می‌کند، شهادتی ویژه نشان داده است. او از الگویی ثابت پیروی نمی‌کند، بلکه هر بار چهره‌ای تازه را به تماشاگران نشان می‌دهد."

آیا زنان از حضور در سینماها هم برای تماشای فوتبال محروم شدند؟

معاون امور پردیسهای سینمایی از حکم اداره اماکن نیروی انتظامی تهران مبنی بر ممنوعیت ورود زنان به سینماها برای تماشای فوتبال خبر داده، با این حال علیرضا سجادیپور، مدیر اداره کل نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی می‌گوید: "هیچ ممنوعیتی برای ورود بانوان به سینماها وجود ندارد ولی هنوز برای هیچ سینمایی مجوز پخش مسابقه فوتبال ایران و کره را صادر نکرده‌ایم."

بقیه در صفحه ۱۹

رویدادهای هنری ماه

بقيه از صفحه ۱۸

جشنواره بین المللی فیلم برلین، با فیلم جعفر پناهی افتتاح خواهد شد

در آستانه برگزاری شصت و یکمین جشنواره فیلم برلین که همه ساله تحت عنوان "برلیناله" برگزار می شود، دست اندرکاران این فستیوال بین المللی اعلام کردند که امسال در نظر دارند علاوه بر "اعلام یک اعتراض رسمی به مقامات ایران به دلیل محکومیت جعفر پناهی"، در تجلیل از این فیلمساز برجسته ایرانی، آثار وی را به نمایش بگذارند و جشنواره را نیز با فیلم "افساید" از این سینماگر ایرانی افتتاح کنند.

حمایت سه هنرمند سرشناس از جعفر پناهی

بنا به گزارشی از فرهنگسرای پویا، "الیور استون"، کارگردان مشهور سینمای هالیوود، برنده سه جایزه اسکار بهترین کارگردان و رییس هیات داوران جشنواره جهانی فیلم کن، فرانسیس کاپولا، خالق فیلم "پدر خوانده"، برنده جوایز اسکار و دو نخل طلای جشنواره جهانی کن فرانسه و "وان کار وای"، کارگردان نامدار هنگ کنگ، برنده جایزه بهترین کارگردانی جشنواره جهانی فیلم کن، با ارسال یادداشتی به "کمیته حمایت از جعفر پناهی و محمد رسول اف" در فرانسه، حمایت خود را از دو فیلمساز نامدار ایرانی اعلام کردند.

از دیگر حامیان جعفر پناهی، آلن دلون، هنرپیشه مشهور جهان، و امیر کوستاریکا، برنده دو نخل طلای کن هستند.

حمایت‌های جهانی از جعفر پناهی، کارگردان نامدار ایرانی، و محمد رسول اف و دیگر کارگردان برجسته ایرانی در ابعاد گسترده ای در جهان، همچنان ادامه دارد و تا کنون صدها تن از فیلمسازان مشهور دنیا از این دو سینماگر ایرانی حمایت کرده اند.

بیست و سومین فیلم جیمز باند تولید می شود

سرانجام پس از فراز و نشیب فراوان، دو کمپانی فیلم‌سازی متروگلدین مایر و ای. ا. ان اعلام کردند که تولید جدیدترین فیلم از مجموعه فیلم‌های "جیمز باند" به تصویب رسیده و به زودی آغاز می‌شود.

تولید این فیلم که بیست و سومین فیلم از مجموعه "جیمز باند" خواهد بود، اواخر سال جاری میلادی آغاز خواهد

شد و قرار است در روز نهم نوامبر سال ۲۰۱۲ اکران شود. در این فیلم تازه همچون دو فیلم پیشین، دانیل کریگ، هنرپیشه انگلیسی نقش جیمز باند را ایفا خواهد کرد و کارگردانی آن بر عهده سام مندز، کارگردان بریتانیایی هالیوود خواهد بود که چند سال پیش به خاطر فیلم "زیبای آمریکایی" جایزه اسکار را از آن خود کرد.

چرند ترین فیلم علمی - تخیلی از نگاه ناسا

در جریان کنفرانسی که اخیراً در کالیفرنیا برگزار شد، گروهی از دانشمندان سازمان ناسا در آمریکا، فیلم علمی - تخیلی "۲۰۱۲"، ساخته رولند امریک را از نظر علمی چرندترین فیلم تاریخ سینما معرفی کردند. به نوشته روزنامه بریتانیایی گاردین، فیلم ۲۰۱۲ که فیلمی تخیلی درباره حوادث طبیعی و ویرانی کره زمین است، از نظر فروش در گیشه نسبتاً موفق بود. بودجه ساخت این فیلم که در سال ۲۰۰۹ به روی پرده رفت، حدود ۲۰۰ میلیون دلار بود ولی از محل فروش بلیت بیش از ۸۰۰ میلیون دلار درآمد کسب کرد.

روزنامه گاردین یادآوری می‌کند که یکی از دلایل تمرکز ناسا روی کاستیهای این فیلم از نظر علمی و صحت و سقم آن، ظاهراً انبوه نامه‌هایی است که این موسسه از مردم که نگران پایان حیات کره زمین هستند دریافت کرده است. ناسا ناگزیر شده است که وبسایتی جداگانه برای روشنگری در مورد این شایعات و خرافات راه اندازی کند.

ادبیات

تعطیلی کتاب فروشی ها و

استدلال وزیر ارشاد رژیم
تعدادی از کتاب‌فروشیها، به ویژه کتاب فروشیهای خیابان کریم خان زند به دلیل فشارها، تهدیدها و محدودیتهای حکومتی دچار ضررهای اقتصادی شده و نمی‌توانند به کار ادامه دهند.

سیدمحمد حسینی، وزیر ارشاد در این باره گفت: "شاید انتظاری که از این کار داشته‌اند، برآورده نشده و دیده‌اند درآمد زیادی ندارد و به همین دلیل دنبال مشاغل دیگری رفته‌اند. کارهای فرهنگی مثل باقی کارهای خدماتی و تجاری (بخوانید قاچاق، باج گیری، زردی و غیره که ایشان و هم‌دستان حکومتی وی دارند) در کشور نیست که درآمد بالایی داشته باشد."

این در حالیست که فشارها بر ناشران و نویسندگان افزایش یافته و آثار بسیاری از نویسندگان در حال حاضر در وزارت ارشاد اسلامی در انتظار مجوز نشر قرار دارد. همچنین تعدادی از ناشران نیز بارها به مراکز "امنیتی" احضار شده و تحت فشار گرفته‌اند.

انتشار فهرست ناشران و نویسندگان برانداز

یک دستگاه سانسورچی با نام "اندیشکده راهبردی امنیت نرم"، وابسته به محافل امنیتی با انتشار جزوه‌ای ۶۴ صفحه‌ای با نام "زرمه‌های رنگی"، برخی ناشران و نویسندگانی که آنها را "برانداز" خوانده را معرفی کرد.

در این جزوه علاوه بر برخی ناشران، ده‌ها نویسنده و مترجم نیز به تلاش برای "براندازی" جمهوری اسلامی متهم شده‌اند.

انتشارات "نی"، "چشمه"، "کویر"، "عطایی"، "روشنگران"، "ققنوس" و "اختران"، هفت ناشری هستند که در این جزوه فعالیت‌های آنها براندازانه اعلام شده است. در این تهدید نامه، از نشر "نی" به عنوان "خط مقدم ناشران معارض با نظام اسلامی" یاد شده است.

شماری از نویسندگانی که محافل امنیتی از آنها نام برده‌اند به قرار زیر است:

رامین جهانبگلو، حسین نصر، خشایار دیهیمی، محسن کدیور، عمادالدین باقی، فرهنگ رجایی، ابراهیم نبوی، محسن مخملباف، سیمین بهبهانی، علی‌اشرف درویشیان، محمود دولت‌آبادی، عباس‌عبدی، بهاره رهنما (بازیگر سینما)، جواد مجابی، سیدعلی صالحی، محمدعلی سپانلو، محمد محمدعلی، مصطفی مستور، بهرام بیضایی، نوشین احمدی خراسانی، مهرانگیز کار، افسانه نجم‌آبادی، توج رهنما، فروغ پوریا وری، گیتی خوشدل، شهلا لاهیجی، حاتم قادری، حسن قاضی‌مرادی، حسن نراقی، عباس میلانی، ابراهیم گلستان، حمید شوکت، لطف‌الله آجودانی، ماشاالله آجودانی، ایرج افشار، رضا قاسمی، هوشنگ ماهرویان، محمدجواد مظفر، حسین بشیریه، علی‌اصغر حق‌دار، حسین قاضیان، حسین مدرس، طباطبایی و ... در اینجا این سوال پیش می‌آید که یس، چه کسانی، برانداز نیستند؟

جای اشعار بر دیوار قطارهای لندن



امسال برای بیست و پنجمین سال، یبایه، اشعاری برای جایب در مترو لندن، انتخاب شد. در میان اشعار انتخابی، قطعه‌هایی از توماس هاردی، خالق

آثاری چون، تس، دوربرویل و جود گمنام، شیموس هینی، شاعر ایرلندی و جان، کیتس، شاعر انگلیسی، به چشم می‌خورد.

هدف از اجرای طرح مزبور این است که مسافران قطار در مدتی که در قطار هستند، چیزهایی برای خواندن داشته باشند. مسافران مترو به زودی ترجمه ای از "دوست داشتن آیینها"، سروده یالاداس، شاعر قرن چهارم یونان، را نیز خواهند خواند.

ترکه دولت برزیل بر کف دست رژیم برای ممنوعیت کتابهای پائولو کوئلیو

چندی پیش فروش کتابهای پائولو کوئلیو، نویسنده سرشناس برزیلی در ایران، ممنوع شد.

در پی آن، پائولو کوئلیو خبر داد که قصد دارد در اعتراض، به اقدام مقامهای رژیم، تمامی ترجمه‌های فارسی کتابهایش را به رایگان، از طریق اینترنت در دسترس همگان قرار دهد. آرش حجازی، مترجم رسمی کتابهای وی به زبان فارسی است.

آقای کوئلیو در وبلاگ خود نوشت: "در این مورد بر پشتیبانی دولت برزیل حساب زیادی می‌کنم تا از من و کتابهایم به خاطر تمامی ارزشهایی که برابمان مهم است، حمایت کند."

وی همچنین ابراز تعجب کرد که پس از ۱۲ سال انتشار آثارش در ایران "در دوران دولتهای گوناگون" و فروش "شش میلیون جلد" از کتابهایش در ایران، اکنون چنین تصمیم "خودسرانه‌ای" گرفته شده است.

هنوز یک هفته از انتشار این خبر نگذشته که معلوم شد دولت برزیل ترکه خود را بر پشت دست رژیم زده است زیرا مجله برزیلی ایپوکا اعلام کرد که سفارت ایران در برازیلیا، پایتخت برزیل این خبر را رد کرده است.

پائولو کوئلیو که بخش عمده شهرتش از ایران و جهان به موفقیت یکی از آثار پیشین او با عنوان "کیمیایر" باز می‌گردد، تاکنون دستکم ۳۰۰ میلیون جلد از آثار خود را در ۱۵۰ کشور جهان به فروش رسانده‌است.

نویسنده "هری پاتر" از اتهام کیی برداری تبریه شد

وارثان آدریان جیکوبز، نویسنده بریتانیایی مدعی بودند که طرح داستانی "هری پاتر و جام آتش"، جلد چهارم از مجموعه داستانهای هری پاتر از روی کتاب "ماجراهای ویلی جادوگر" برداشت شده است. اما شیرا شیندیلین، قاضی دادگاه ایالات متحده، در رای خود استدلال کرده است که

بقیه در صفحه ۲۰

راست سنتی

با همان کالیبر به آتشباری رقیب پاسخ می دهد

منصور امان

فراسوی خبر... ۴ دی

در همان حال که رهبر جمهوری اسلامی کماکان در برابر برکناری ضربتی وزیر خارجه به مثابه تازه ترین نمود تشدید اختلاف در میان اعضای باند خود به انفعال دچار گردیده، دامنه این جدال درون خانوادگی از سنگال به ترکیه نیز کشیده شده است.

آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری در یک کنفرانس خبری با حضور خبرنگاران و نمایندگان رسانه های بین المللی در استانبول، گفته وزیر خارجه پیشین دولتش در مورد آگاهی نداشتن از برکناری خود را رد و او را به ذروغویی متهم کرد. آقای احمدی نژاد برای اثبات روایت خویش از روند این برکناری تاکید کرد: "کسی که قبل از سفر به سنگال با من مکتبی صحبت کرده، اینک رو به روی شماست."

همزمان با انتشار سخنان مزبور در رسانه ها، وزیر اخراج شده، آقای منوچهر مٹکی از همان طریق آن را رد کرد و به نوبه خود،



آقای احمدی نژاد را "به رعایت صدق در گفتار" فراخواند. او در همین موضعگیری، مطالبی که پیش از این در مورد ابلاغ حکم برکناری وی توسط رییس جمهور سنگال منتشر شده بود را تایید کرد.

موضعگیری افشاگرانه آقای مٹکی از این نظر توجه پذیر است که در هنگامی صورت می گیرد که حکومت به شدت در حال آماده سازی و زمینه سازی مذاکرات با گروه ۵+۱ در ترکیه می باشد و در این راستا، پاپوران بلند پایه آن مانند آقایان ولایتی، صالحی و احمدی نژاد به میهمانان دائمی دولت ترکیه که تماثل دارد نقش میانجی را ایفا کند، تبدیل شده اند.

در چارچوب این شرایط و بنا بر استانداردهای جمهوری اسلامی، واکنش وزیر خارجه پیشین حرکتی سازگار با "مصالح نظام" به شمار نمی رود اما چنین می نماید که آقای مٹکی و پشتیبانان وی تصمیم گرفته اند با همان کالیبری به دولت نظامی - امنیتی شلیک کنند که آنها را زیر آتش گرفته. این امر می تواند نشانه ای از پیشرفت شکاف به سمت توافقهایی پایه ای و ایجاد مواضع جدید کرد آنچه که تا کنون منافع جمعی "نظام" تعریف می شده، باشد.

چه، تاخت و تاز گرایش راست سنتی باند ولایت روی شکل برکناری آقای مٹکی، قادر به پنهان کردن این واقعیت نیست که موضوع جدال از چگونگی دست به سر کردن عضو آن فراتر می رود و پرسشی در مورد آرایش "نظام" پس از پایان ماه عسل گرایشهای شریک در قدرت است. از این زاویه، زور آزمایی روی جسد سیاسی آقای مٹکی را می توان آغاز پروسه ی طرح جدی تر این تردیدها و هراسها و انگاشتهای برآمده از آن ارزیابی کرد.

تایید عدم موفقیت انتخابات مهندسی شده از سوی خامنه ای

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۱۰ دی

سیدعلی خامنه ای، رهبر و ولی فقیه درمانده رژیم جمهوری اسلامی طی سخنانی در روز چهارشنبه ۸ دی روشن کرد که جنبش اجتماعی مردم همچنان کابوس اوست. او در دیدار با کسانی که دستگاه تبلیغاتی اش آنان را "مردم استان گیلان" نامید، به هدیان گویی افتاد و پرت و پلاهای خود را نشانه قدرت قلمداد کرد. به گزارش منابع نزدیک به بیت رهبر رژیم، خامنه ای "هدف از فتنه سال گذشته را گمراه کردن مردم با طرح شعارهای حق ولی با محتوای باطل دانست."

اینکه چگونه شعاری که خواسته های برحق مردم را بیان می کند، می تواند محتوای باطل داشته باشد را باید در آنچه در روزهای

روبارویی مردم و دستگاه

سرکوب رژیم ولی فقیه اتفاق افتاد، دید.

مردمی به جان آمده از ظلم و ستم رژیم

ولی فقیه با صدای بلند شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" و "خامنه ای قاتله، ولایتش باطله" را سر دادند. با توجه به پیام این شعارها می شود وحشتی که خامنه ای را به هدیان گویی واداشته را دریافت.

او همچنین در مورد انتخابات مهندسی شده در بیت خود گفت: "حضور گسترده رای دهندگان در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران می توانست مایه موفقیت باشد اما فتنه گران با ایجاد فتنه و امیدوار کردن دشمن به انقلاب اسلامی و ملت صدمه زدند."

او که فکر می کند با آمار سازی و عدد و رقم می تواند دیگران را بفریبد و برای دستگاه چپاول و غارت خود مشروعیت بترشد، از آنچه مردم در خیابانها کردند نگران است و در عمل ناراحتی خود را از بر باد رفتن زحماتی که دستگاه مهندسی انتخاباتش کشید، ابراز می دارد و بر عدم موفقیت برنامه خود صحنه می گذارد. از این بهتر نمی شود محتوای عمل بی شرمانه دستگاه انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی را که بنیانش بر تقلب و رای سازی و آمارهای پوشالی قرار گرفته را افشا کرد.

خامنه ای خوب می داند با داغ و درفش نمی توان جنبش اجتماعی مردم را سرکوب و دهان آنان را درازمدت بست؛ به همین دلیل شعارهایی که اساس قدرت اش را زیر ضرب گرفته و خود او را مانع اصلی آزادی و



عدالت معرفی می کند، به کابوس اش تبدیل شده است. در تایید نگرانیهای خامنه ای، علی اکبر ولایتی، مشار و مشاور او درباره جنبش اجتماعی مردم می گوید: "اگر ما خیال کنیم که همه چیز تمام شده، این خوش خیالی است."

با این حساب، ولایتی انگشت بر جایی می گذارد که نگرانی اصلی ولی فقیه رژیم است. عربده های موفقیت از تریبونهای نماز جمعه و بوقهای تبلیغاتی رژیم از روی ترس است و گر نه آنها خود به خوبی می دانند که این رشته سر دراز دارد و باید منتظر تعیین تکلیف نهایی مردم با دستگاه ظلم و جور استبداد مذهبی، باشند.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۹

"هری پاتر" نمی تواند برداشت یا تقلیدی از اثر آقای جیکوبز باشد.



به نظر خانم قاضی دادگاه، دو اثر یادشده "از نظر درونمایه و سبک کاملاً متفاوت هستند". سال گذشته شکایت مشابهی در بریتانیا علیه نویسنده "هری پاتر" اقامه شد. خانم رولینگ در دفاع از اصالت اثر خود اظهار داشت که تا پیش از اقامه دعوی در سال ۲۰۰۴، نامی از کتاب آقای جیکوبز نشنیده بود.

تئاتر

تئاتر "هدا ابلر" مبتذل اعلام شد

به دنبال واکنشها به اجرای تئاتری با نام "هدا گابلر" در سالن چهارسو مجموعه تئاتر شهر تهران، عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران روز چهارشنبه از احضار کارگردان و سایر عوامل دست اندکار این نمایش برای "اخذ توضیح" به دادسرا خبر داد.

خبرگزاری فارس، یک منبع خبر پراکنی وابسته به سپاه پاسداران با انتشار عکسهایی از اجرای تئاتر "هدا گابلر" در مجموعه تئاتر شهر، در حالی که چهره بازیگران را تار کرده، نوشته بود: "این نمایش ترویج اباحه گری، ابتذال، عادی سازی چندشوهری، بردگی جنسی و فراماسونری است." نمایش هدا گابلر از آثار مهم هنریک ایبسن، نمایشنامه نویس مشهور نروژی است که آن را در سال ۱۸۹۰ یعنی حدود ۱۲۰ سال پیش نوشته است. این اثر توسط وحید رهبانی، از کارگردانان شاخص نسل جوان ایران به روی صحنه آمده است.

خامنه ای در تله ترور رفیق حریری

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۲۹ دی

روز سه شنبه ۲۸ دی روزنامه های کیهان و رسالت حرفهای رهبر حزب الله لبنان را با تیرهای درشت برجسته کردند. به دنبال پایان تحقیق دادگاه بین المللی رسیدگی به قتل رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان که در سال ۲۰۰۵ ترور شد، حزب الله لبنان برای جلوگیری از روشن شدن حقیقت و توقف مسیر رسیدگی در دادگاه، وزیران خود را از کابینه سعد حریری بیرون کشید و دولت لبنان را ساقط کرد. کیهان از قول حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، چنین تیتیر زده است: «حریری با آمریکا تبنانی کرد برکنارش کردیم.»

علی خامنه ای، یک ماه پیش در دیدار با سعد حریری، نخست وزیر لبنان، با «فرمایشی» خواندن دادگاه فوق، مخالفت خود را با روشن شدن حقیقت ابراز کرده بود.

روز سه شنبه ۲۸ دی، دادستان دادگاه بین المللی تحقیق، بررسی اولیه خود را به قاضی مربوط به این پرونده تحویل داد. خبرهای منتشر شده از این سند مهم، در رسانه های جمعی حاکی از آن است که رژیم ایران و سوریه از طریق حزب الله، در ترور رفیق حریری دست داشته اند. بر اساس همین خبرها، متهمان اصلی در این پرونده، دولت‌های سوریه و ایران و حزب الله هستند. در این تحقیق از سید علی خامنه ای به عنوان امر اصلی نام برده شده است. روزنامه النهار چاپ لبنان روز شنبه ۱۵ ژانویه در پی تحویل نتایج تحقیق دادگاه بین المللی نوشت: بر اساس گزارش این دادگاه، «ایت الله علی خامنه ای فرمان قتل حریری را صادر کرده و این قتل توسط واحد قدس سپاه پاسداران ایران و حزب الله لبنان به اجرا گذاشته شده است.»

حسن نصرالله دبیرکل حزب الله که وابستگی اش به بیت ولی فقیه بر همگان آشکار است، دیروز سه شنبه خواستار تحریم این دادگاه شد.

همبستگی فکری و عملی حزب الله و پایوران رژیم در توقف حقیقت یابی، تهدیدهای حزب الله در به آشوب کشاندن منطقه و آغاز جنگی دوباره، نشان از این دارد که متهمان این ترور قبل از تفهیم اتهام، به جرم خود اعتراف کرده اند. نتایج تحقیق این دادگاه بین المللی در آشکار شدن عاملان و آمران قتل رفیق حریری که علی خامنه ای و سپاه پاسداران را هم در بر می گیرد، نقشی مهم و ویژه در بازگشایی رمز و رازهای ارتباطی آشکار و پنهانی سپاه تروریستی قدس در منطقه دارد.

تمکین رفسنجانی از خامنه ای در معضل بانک مرکزی

جعفر پویه

فراسوی خبر... پنج شنبه ۳۰ دی

چگونگی اداره و تعیین رییس کل بانک مرکزی، یکی از اختلافات بین مجلس، دولت و شورای نگهبان، پس از مدت‌ها کشمکش به شورای مصلحت نظام واگذار شد. درباره تصمیم مجمع تشخیص مصلحت خبرهای متناقضی به گوش می رسد. خبرگزاری مهر در گزارشی نوشته بود: "مجمع تشخیص مصلحت نظام در جریان بررسی این مصوبه راهکار سومی را مطرح کرده است که بر اساس آن رییس کل بانک مرکزی با نظر اکثریت روسای سه قوه عزل و نصب شود."

از سوی دیگر، غلامرضا مصباحی مقدم، نماینده مجلس آخوندها گفت: "مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه روز شنبه گذشته خود تصمیم گرفته است که رییس کل بانک مرکزی با رای دو نفر از سران قوا عزل و نصب شود."

اما محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص در روز ۲۸ دی، در حاشیه "همایش بازار و سرمایه" گفت: "مجمع تشخیص مصلحت نظام اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان را با کمک مقام معظم رهبری حل کرد." ماجرا از آنجا آغاز شد که درگیری بین مجلس و دولت، مجلس با مصوبه ای خواستار تغییر در ترکیب مجمع عمومی بانک مرکزی شد و حق عضویت احمدی نژاد را از مجمع عمومی سلب کرد. شورای نگهبان به رهبری جنتی با این مصوبه مخالفت کرد و آنرا خلاف قانون اساسی دانست.

پس از مدت‌ها لفاظی و کشاکش، مجلس برای تامین نظر شورای نگهبان مصوبه جدیدی تصویب کرد و احمدی نژاد را به مجمع عمومی بانک مرکزی بازگرداند اما برای تعیین رییس این نهاد مالی شرط گذاشت که او باید نامزد خود را به مجلس معرفی و رای اعتماد بگیرد. شورای نگهبان این مصوبه را نیز رد کرد و آنرا مطابق با قانون اساسی ندانست. اما این بار مجلس حاضر به عقب نشینی نشد و در برابر شورای نگهبان مقاومت کرد. در نتیجه به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی رژیم، پرونده به مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست رفسنجانی فرستاده شد.

محمود احمدی نژاد که یکی از مخالفان سرسخت رفسنجانی است،

علیه این اقدام موضع گرفت و گفت: "مجمع جای قانونگذاری نیست" و اینگونه ماهیت آنرا زیر سوال برد. به گفته بسیاری از منابع داخل کشور، احمدی نژاد شکایت این معضل را به رهبر نظام برده و در نامه ای از خامنه ای خواسته است تا در این موضوع دخالت کند. به همین دلیل محسن رضایی می گوید: "مجمع تشخیص مصلحت نظام اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان را با کمک مقام معظم رهبری حل کرد."

رضایی در ادامه اضافه کرد: "انتخاب، عزل و نصب و پذیرش استعفای رییس کل بانک مرکزی بر عهده رییس جمهور باقی خواهد ماند و قرار بر این نیست که مجمع در این مورد تصمیم بگیرد."

خبرنگاران که از این پاسخ رضایی شگفت زده شده بودند از او سوال کردند که "پس معضل چه بود که به مجمع واگذار شد؟" و محسن رضایی در پاسخ می گوید: "معضل برای نحوه اداره بانک مرکزی به کار رفته و ارتباطی با نحوه انتخاب رییس کل بانک مرکزی ندارد."

وی با تاکید بر اینکه انتخاب رییس کل بانک مرکزی معضل نیست، افزود: "قرار است مجمع در مورد نحوه اداره بانک مرکزی به صورت جداگانه بحث و بررسیهای خود را انجام دهد که البته این موضوع آغاز شده و به زودی به پایان می‌رسد."

اینگونه محسن رضایی عذر بدتر از گناه می آورد و درگیری بین مجلس و دولت را لاپوشانی کرده و با مغلطه از انتخاب رییس کل بانک مرکزی عبور می کند و آن را به نحوه اداره بانک مرکزی فرو می کاهد.

با این حساب می شود فهمید که علی خامنه ای به سرعت گفته رفسنجانی که خود را مطیع رهبری اعلام کرده بود را محک زد و وی را وادار نمود تا بر خلاف رای مجلس به خواسته او تمکین کند و دست گماشته اش را در عزل و نصب بانک مرکزی باز بگذارد. اینکه استقلال بانک مرکزی از دولت چه مفهومی دارد و آیا به قول نمایندگان مجلس آخوندها این نهاد به عنوان صندوق دولت عمل کرد یا خیر، موضوعی است که باید در کارکرد قدرت و نهادهای تصمیم گیرنده در رژیم استبدادی مذهبی ولی فقیه بررسی شود.

منصور اسالو، زنجیر

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۱۳ دی

منصور اسالو، نماد مقاومت کارگری و مردمی در ایران و جهان و داغ ننگ بر چهره رژیم، به سلول انفرادی زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. "جرم" وی اعتراض به اعدام زنده یاد، علی صارمی و سخنرانی در مراسمی است که همبندان وی علیه این اقدام جنایتکارانه برگزار کردند. واکنش شتابزده رژیم در برابر اعتراضات زندانیان سیاسی، به ویژه انتقال منصور اسالو، رییس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد که سالهای زیادی از عمر خود را در اسارت و زیر شکنجه نظام جمهوری اسلامی بسر برده و از حمایت و محبوبیت خاصی در میان فعالین جنبش عدالت خواهانه برخوردار است، هراس از اوج گیری همبستگی و مقاومت مردم ایران را نشان می دهد.

آگاهی رژیم از عدم داشتن پایگاه مردمی، توسل آن به سرکوب را روز به روز افزایش داده است. با این حال، جامعه در بطن خود رادیکالیزه تر شده و از درون، فضای انفجاری به وجود آمده است. نماد این فضا از جمله اعتراض به اعدام علی صارمی در بندهای مختلف زندان رجایی شهر کرج، انتشار بیانیه ای در محکومیت این جنایت و برگزاری مراسمی با حضور بسیاری از زندانیان، به ویژه زندانیان سرشناس است. وزارت اطلاعات با انتقال به سلول انفرادی، تهدید به پرونده سازی، خشونت و محروم کردن از هواخوری، زندانیان را تحت فشار قرار داده است. مزدوران علی خامنه ای گمان می برند با زور، حریف حق طلبانی می شوند که به خاطر برتانییدن همین زور، زندان را به جان خریده اند.

در همین راستا، "کانون حمایت از خانواده های جان باختگان و بازداشتیها" اطلاع می دهد که مراسمی در زادگاه علی صارمی در روستای امیر آباد از توابع اشتهرینان با شرکت ۵ هزار نفر برگزار شده است. دوستان، خانواده و اهالی محل که در این مراسم شرکت کردند، پیام خود را مبنی بر اینکه از ظلم ظالمان حکومتی به ستوه آمده اند را به جامعه ایرانی و جهان رساندند.

زور، ابزار نظامهای ورشکسته برای جبران ضعف خود است. روی دیگر سکه اما پررنگ تر شدن هر چه بیشتر خط کشی بین حکومت و مردم است؛ آنچه که همیشه آینده هولناکی را برای دیکتاتورها در پی داشته است.

از منصور اسالو، نماد مقاومت زحمتکش ایرانی حمایت و برای آزادی بی قید و شرط او مبارزه کنیم.

رژیم از انتشار اخبار اعتراضات کارگران جلوگیری می کند

جعفر پویه

این حساب، حداقل دستمزد کارگران برای یک خانواده ۴ نفری اگر بر اساس همان گمانه زیر ۴۰۰ هزار تومان باشد، کفاف نان خالی سفره خانواده های کارگری را نیز نمی دهد. همه اینها وقتی دستور شورای امنیت ملی رژیم ولایت فقیه را در محدود سازی انتشار اخبار اعتراضات کارگری توضیح می دهد که بدانیم حداقل هزینه یک خانوار در شهرهای بزرگ کشور طبق برآورد بانک مرکزی در سال جاری یک میلیون و پانصد هزار تومان برآورد شده است. از سوی دیگر، مرکز پژوهشهای مجلس آخوندها عنوان می کند که تورم انتظاری از اجرای هدفمندی یارانه ها بیش از ۶۰ درصد خواهد بود. با این حساب اگر در بر همان پاشنه سابق بچرخد، باید حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۰ بیش از ۶۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته باشد. اما این اتفاقی است که هرگز نخواهد افتاد زیرا از هم اکنون بسیاری از کارخانه های کشور دست به تعدیل نیرو زده و بسیاری از کارگران خود را اخراج کرده اند. همچنین، بسیاری از کارگران ماه هاست که همان اندک دستمزد خود را نیز دریافت نکرده اند و نگران معاش خانواده های خود هستند. طبیعی است در چنین اوضاعی صدای اعتراض کارگران و مزدبگیرانی که در زیر بار تورم بی حد و مرز له شده اند، بلند شود. این است که شورای امنیت ملی رژیم جلو شنیدن شدن صدای اعتراض کارگران را بسته و فعالان شان را نیز دستگیر و زندانی کرده است.

ترس رژیم از کارگران و مزدبگیران به دلیل توان و قدرت فلج سازی رژیم توسط آنان در یک اعتراض سراسری است. به همین علت تلاش می کند تا صدای آنان را خفه کرده و جلو بروز هرگونه اعتراض جمعی را بگیرد. حمایت از کارگران و مزدبگیران و پژواک صدای اعتراض آنها یکی از وظایفی است که برعهده نیروهای آگاه و فعالان اجتماعی و سیاسی است.

اقدام شورای امنیت ملی رژیم برای خفه کردن صدای کارگران و مزدبگیران را با همراهی کردن آنان و پژواک دادن صدای اعتراض شان خنثا کنیم. حمایت از کارگران سرکوب و بی حق و حقوق شده، وظیفه تک تک ماست. برای اجرایی کردن این وظیفه بپا خیزیم.



اما در کنار افسار گسیختگی قیمتها، به گزارش فعالان حقوق بشر از داخل کشور، شورای عالی امنیت ملی رژیم به مسوولان خبرگزاری ایلنا دستور داده است که خبرهای مربوط به اعتراضات کارگری را پوشش ندهند و در مورد انتشار سایر اخبار کارگری نیز دقت عمل داشته باشند.

این محدود سازی خبرگزاری نیمه مستقل داخل کشور برای انتشار اخبار کارگری می تواند دلایل فراوانی داشته باشد. اول از همه اینکه گمانه زنیها، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۹۰ را زیر ۴۰۰ هزار تومان بیان می کند. این درحالی است که سال گذشته حداقل دستمزد توسط شورایی کار ۳۰۳ هزار تومان تعیین شده بود. این حداقل دستمزد طبق برآوردهای آماری بانک مرکزی از هزینه خانوارهای شهری، حدود یک سوم هزینه آنها را پوشش می دهد. یعنی، حداقل دستمزد کارگران یک سوم خط فقر در رژیم ولایت فقیه تعیین می گردد. حال با توجه به اجرایی شدن طرح قطع سوبسیدها در مورد برخی اقلام مصرفی خانوارهای کارگری، افزایش قیمتی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد اتفاق افتاده است. با

پیش از استانبول، بعد از آن است

منصور امان

فراسوی خبر... ۲۵ مهر یک هفته پیش از آغاز نشست گروه مشهور به ۵+۱ و جمهوری اسلامی در استانبول، دو طرف به استحکام مواضع خود می پردازند؛ امری که میزان انتظار از نتایج این دیدار را نیز ارزیابی پذیر می کند. ایالات متحده روز پنجشنبه و در آستانه برگزاری نشست مزبور، کمر بند تحریمهای خود بر کمر طرف گفت و گوی اش را تنگ تر کرد و از طریق وارد کردن ۲۴ شرکت "پوششی" آن به لیست سیاه خویش، شمار دیگری از منفذهای تنفس مصنوعی جمهوری اسلامی را مسدود نمود.

یک روز پیش تر از این نیز وزارت خزانه داری آمریکا اعلام داشته بود که فشار بر روند فروش نفت و گاز رژیم ایران که "شاهرگ برنامه اتمی" آن محسوب می شود را افزایش خواهد داد. این حرکتی است که نشانه جدی بودن آن را از تصمیم بانک مرکزی هند در ابتدای همین ماه مبنی بر توقف معاملات خود با جمهوری اسلامی می توان تخمین زد. اقدام مزبور بیش از واردات ۱۱ میلیارد دلاری نفت از ایران، بر سرمایه گذاری این کشور در بخش نفت و گاز جمهوری اسلامی تاثیر خواهد داشت.

آنچه که رژیم ولایت فقیه برای تقویت موضع خود پیش از رفتن به استانبول انجام داده، به لحاظ عملی و میزان تاثیرگذاری بر طرفهای خود، در سطح پایین تری قرار داشته است. برجسته ترین حرکت جمهوری اسلامی در این راستا، ترتیب دادن یک تور هسته ای با هدف گشودن پنجره برای خروج آن دسته از تحریم گرانی بود که مرز منافع تجارت آسان یا رژیم ایران را هنوز زیر زبان دارند. این راه حل اما فقط در طرح هزینه ساز آن باقی ماند زیرا روسیه و چین، دو کشوری که سور هسته ای در حقیقت برای آنها بر پا شده بود، علاقه ای به نقش آفرینی در تیاتری که پشت صحنه آن روی سن جریان می یافت، نشان ندادند.

بی اعتنائی مشترک طرفهای خارجی رژیم مَلاها به مانور آن، می بایست حتی برای بی استعدادترین دلال حُجره ای زیر طاق ولایت نیز دو نکته را روشن کرده باشد؛ نخست، موضوع روی میز تلاش "نظام" در جهت دستیابی به جنگ افزار هسته ای است و آن را نمی شود چا به چا کرد، سپس، کانال حل و فصل موضوع، اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل آن باضافه آلمان هستند و مسیرهای دیگر مسدود است.

نشست استانبول، رویارویی دو طرفی است که از پس سنگرهای یاد شده با یکدیگر سخن خواهند گفت. بنابراین، نه فقط در مورد نتایج این نشست بلکه، در اساس در مورد سرنوشت بحران هسته ای رژیم جمهوری اسلامی، پرسش اصلی به توانایی در حفظ مواضع و سنگرها بر می گردد. از این زاویه، توپ در زمین آقای خامنه ای و شرکا است و آنها ناچارند فراتر از کباده کنشی لفظی، هر کارتی که در آستین دارند را بازی کنند.

سرسپردگان بی بو و بی خاصیت برکنار شدند

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۱۴ دی یکشنبه شب ۱۲ دی، احمدی نژاد ۱۴ مشاور خود را برکنار کرد. افراد برکنار شده در گفتگوهای خود با رسانه های حکومتی اظهار کرده اند که از برکناری خود اطلاعی نداشته اند. آخرین شاهکار احمدی نژاد در تصفیه اطرافیان خود، متکی وزیر امور خارجه بود که در ماموریت رسمی صندلی از زیر پایش کشیده شد.

۱۴ نفری که مورد بی مهری احمدی نژاد قرار گرفتند از جمله سرسپردگان ولایت و مخلصان نظام و از جنس احمدی نژاد هستند. این افراد در وابستگی به رهبر نمره قبولی دارند. اما این قبول شدگان در مرحله ذوب در ولایت، در آشفته بازار رژیم و در شرایط بحرانی زیر سایه سنگین خیزشهای اجتماعی، موفق به حفظ نمره های قبولی خود نشدند. آنها که در طیف «خواص با بصیرت» بودند، در جدالهای درونی رفوزگی را از آن خود کردند.

در این که مقامهای این افراد نمایشی بوده جای شکی وجود ندارد و بارها خود کارگزاران رژیم به آن اعتراف کرده اند. رفتار و گفتار خامنه ای و گماشته اش بر بی بو و بی خاصیت بودن مجلس، گمادگان در دولت و... صحنه گذاشته است. احمدی نژاد حتا این مشاوران بی نقش را هم تحمل نمی کند. در شرایطی که جنبش اعتراضی مردم به مقابله بقیه در صفحه ۲۳

تنفر مردم افغانستان

از دیکتاتوری
حاکم بر ایران

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۲۸ دی

به دنبال متوقف شدن کامیونهای حامل سوخت رسانی به افغانستان، بهای مواد سوخت در این کشور افزایش یافته و مردم را دچار تنگنای مصرف سوخت در هوای سرد زمستانی نموده است. بر اساس اخبار خبرگزاریها، بر اساس تصمیم رژیم ایران برای متوقف کردن ترانزیت حدود ۲۵۰۰ تانکر مواد سوختی به افغانستان، طی یک ماه گذشته بهای سوخت در این کشور بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است.

در کابل و برخی از شهرهای افغانستان مردم خشمگین در رابطه با این اقدام رژیم ایران و همچنین اقدامهای گسترده افغانیهای مقیم ایران به بهانه قاچاقچی، دست به تظاهرات زدند.

اعتراض کنندگان در حرکت اعتراضی اخیر خود روز پنجشنبه ۲۳ دی، سفارت جمهوری اسلامی در هرات را مورد اصابت تخم مرغهای گندیده قرار دادند. عکس ولی فقیه توسط تظاهرکنندگان خشمگین به آتش کشیده شد.

شعارهای «مرگ بر احمدی نژاد» و نیز شعار مرگ بر دیکتاتور چه در کابل و چه در ایران، نشانه ای از تنفر مردم افغانستان نسبت به دخالتهای رژیم ولایت فقیه در امور افغانستان و به ویژه حمایتهای آن از طالبان است.

ولی فقیه و احمدی نژاد بارها کشورهای درگیر در پروژه اتمی را تهدید به ضربه زدن به منافعیشان در نقاط دیگر نموده اند. سران رژیم طی ۳۰ سال با قلدری و عمل تروریستی در خارج از مرزهای ایران همواره کشورهای دیگر را تهدید کرده و این ابزار تروریستی در بعضی موارد تاثیر داشته است. توقف تانکرهای سوخت این کشور به بهانه سوخت رسانی به کشورهای غربی در این منطقه، واکنشی به تحریمهای سازمان ملل در رابطه با پروژه غنی سازی و به عبارتی دستیابی به سلاح اتمی است. رژیم با این اقدام قصد رویارویی با این کشورها را دارد و به نوعی طرفهای مقابل را به جنگ در داخل مرزهای ایران و افغانستان می کشاند که زیان آن به مردم افغانستان و نیز مردم ایران وارد می شود. این اقدام، در ادامه سیاستهای ماجراجویانه ولی فقیه است که نامی در منطقه را افزایش داده و طرفهای مقابل را تحریک می کند.

اعلام نتایج انتخابات

مجلس دهم

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۸ دی

سیاستی که آیت الله جنتی به نیابت از "نظام" مسوول اجرایی کردن آن است و نقشی که در راستای دستکاری نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی به وی محول گردیده، موضوع پنهانی نیست. تازه، این است که آقای جنتی اسباب و ابزار عملی ساختن سیاست مزبور را که همواره تلاش شده زیر روکش "قانون" و "شرع" جا سازی بشود، از یک تربیون عمومی و در حین تهدید و پرخاش بیرون ریخته و همه ی نقد و انتقادها در این باره را تایید رسمی کرده است. آیت الله جنتی در نماز جمعه در واکنش به اعلام آمادگی مشروط حجت الاسلام خاتمی برای شرکت "اصلاح طلبان" در انتخابات آتی، از "مردود شدن خواص غیرانقلابی" خبر داد و تکمیل کرد: "این افراد فهمیدند که برای همیشه باید کنار بروند که البته کنار خواهند رفت."

آنچه که این سخنان را از رجزخوانیهای معمول دیگر رهبران و پاپوران حکومت متمایز می کند، جایگاهی است که آقای جنتی بدان تکیه زده است. او به عنوان رییس دایمی ماشین فیلترینگ "نظام" (شورای نگهبان)، نامزدهای احتمالی انتخابات را "مردود" و رد صلاحیت کرده است، بدون آنکه تشریفات سنتی حذف "غیرخودی" ها حتی به جریان افتاده باشد.

با این سخنان، رییس شورای نگهبان نه فقط از دستگاه بیخته گری "نظام" و پروسه سرگرم کننده تعیین صلاحیتها در محکمه ی تحت اداره خود گذر کرده، بلکه ترکیب شرکت کنندگان در انتخابات مجلس آتی و نتیجه آن را نیز پیشاپیش اعلام داشته است.

پرش مرحله ای گماشته آقای خامنه ای و شتاب در اعلام تصمیمی که پس از اعلام کاندیداتوری نامزدهای بخت برگشته می بایست اعلام می شد، فهم پذیر می بود هر گاه حجت الاسلام محمد خاتمی در میان شرطهای خود، برچیده شدن نظارت استصوابی و به بیان دیگر، محمل شرعی - قانونی حذف مخالفان، منتقدان و دگر اندیشان از پروسه های انتخاباتی را گنجانده بود. در این حالت، اقدام آقای جنتی می توانست یک نمایش قدرت برای نشان دادن جای اربابی باشد که نه به تشریفات بوروکراتیکی همچون نظارت استصوابی بلکه، به صندلی استبداد و انحصار سیاسی بدون هیچگونه تعارفی تکیه زده است.

اما رهبر اصلاح طلبان حکومتی سخنی در این باره به میان نیاورده بود. این درست است که وی به "انتخابات آزاد" و "ایجاد ساز و کاری" برای آن اشاره کرد ولی با خودداری آگاهانه از اشاره به کلیدی ترین سد "انتخابات آزاد" در چارچوب "نظام"، فتیله شرط خود را در حد یک جمله پردازای بدون درخواست عملی از حکومت و بدون الزام عملی برای "اصلاح طلبان" پایین نگهداشت.

این شاید اندکی کنایه آمیز باشد که آقای جنتی با گفته های خود در نماز جمعه، هم صحت نظریه مخالفان و منتقدان جدی پیرامون ناممکن بودن "انتخابات آزاد" در جمهوری اسلامی بدون حذف نظارت استصوابی و به مثابه اولین گام به سوی آن را به اثبات رسانده است و هم اشتباه حجت الاسلام خاتمی برای معامله بر سر این موضوع را.

گذشته از اینها، موضع آقای جنتی که بی شک نه فقط به دلیل اعلام آن از یک تربیون رسمی، رویکردی حکومتی می تواند انگاشته شود، یک وجه جالب توجه دیگر هم دارد. پس از این سخنان، هر فرد و گروهی که با قواعد آقای جنتی وارد بازی انتخابات شود، گواهی داده که نه تنها خواسته و شرطی در باره "انتخابات آزاد" ندارد، بلکه حذف دیگران و از جمله "اصلاح طلبان" را نیز پذیرفته است.

سرسپردگان بی بو و بی خاصیت برکنار شدند

بقیه از صفحه ۲۲

تهدیدی جدی و واقعی مهر خود را بر حکومت زده است، شکاف در قدرت نه تنها بسته نشده بلکه عمق بیشتری یافته است. این شکاف در بالاترین بخش هرم قدرت خود را به نمایش می گذارد. خامنه ای حفظ قدرت به هر قیمتی و با هر ابزاری را در دستور خود قرار داده است. در فراروی این هدف، باند احمدی نژاد و سپاه پاسداران، ابزاری است که ولی فقیه از آنان حمایت می کند. در این راستا تنها سرسپردگی و یا ذوب شدن در ولایت راهکار موفق برای حفظ قدرت نیست. اگر رانندگان از قدرت، بازگشت به دوره طلایی حضور خود در قدرت میان می کشند و بازگشت به دوره طلایی حضور خود در قدرت را به رخ می کشند، عده ای هم با وصل شدن به خامنه ای برای حفظ دوره کنونی تلاش می کنند. هر دو طرف این طیف ناموفق هستند. عده ای این برکناریها را دوست دارند به پای اختلافهای خامنه ای و احمدی نژاد بنویسند. تصویری که مورد پسند احمدی نژاد است. اما سیر رویدادها نشان می دهد که احمدی نژاد بدون خامنه ای نمی تواند دست به چنین کاری بزند و این سیاست در ادامه سیاست یک دست کردن حکومت است. در میان این هیاهوها مساله اصلی که همان تضاد مردم با حاکمیت است همچنان بر جای خود باقیست. همه این مُجادلات و کشاکشها انعکاسی از این تضاد با محتوای ضد ولایت فقیه است.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

فرانسه

۲۰ یورو

۲۴ یورو

۳۶ یورو

۴۰ یورو

تک شماره

۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران،

اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار

و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 307 21 Jan. 2011 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهادای فدایی

بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - منیره اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه افدرنیا - جعفر محتشمی - پوران بدالهی - مصطفی ذقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام - کیومرث سنجری - حسن فرجودی - حسین چوخاجی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوب (جهان) - فرشاد مرعی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی اردبیلی - قاسم سیادت - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نورائی - اکبر پارسی کیا - عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر - فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد درخشنده (نوماج) - عبدالکریم مختم - واحدی - حسین جرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلرخی - کرامت دانشیان - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.

از سوی دیگر، چنین نمی نماید که آقای خاتمی نیز با وجود طرح پیشنهادهای خود، آمیدی به بذل توجه به آنها داشته باشد؛ به نظر می رسد شرایط در آینده سخت تر و راه ها بسته تر و محدودیتها گسترده تر خواهد شد.

ابتکار رهبر اصلاح طلبان حکومتی و پاسخ مخاطبانش بدان، هویت و ترکیب بازبگراان اصلی میدان، چگونگی جبهه بندی آنها و موضوعاتی که جدال مرگ و زندگی بر سر آنها جریان دارد را به گونه روش تری شناسایی پذیر کرده است.

و اراده مردم را دارند و یا می خواهند در انتخابات تقلب شود." او همچنین توضیح داده که منظورش از "انتخابات سالم"، حفظ سلامت در تمامی مراحل انتخابات از مقدمات تا نحوه تشخیص صلاحیتها، ... است" و بدینوسیله اصل نظارت استصوابی شورای نگهبان که به آن حق می دهد کاندیدها را دست چین و به بیان خویش، "تایید صلاحیت" کند را به رسمیت می شناسد.

آقای خاتمی برای تاکید بر اینکه از موضع یک همبازی، پیش شرطهای خود را مطرح می سازد و خط قرمزهای "نظام" را همچنان دیده بانی می کند، با حرارت از طرح بیت "آقا" و دولت دست نشانده او مبنی بر حذف یارانه ها دفاع کرده و شادمانی خویش از اجرای آن را ابراز می دارد. در این راستا او از یاد نمی برد که با "گروه فاسد ترویجی" هم مرزبندی کند و "هشدار"ی نیز به "غرب" بدهد.

حتی اگر پیشینه رییس جمهور هشت ساله "نظام" برای باند ولی فقیه ناشناخته مانده بود، این سخنان مکمل، پیامی که وی قصد داشت در لا به لای شرطهای خود ارسال کند را روشن می ساخت. آقای خاتمی به آقای خامنه ای و دوستان پیشنهاد می دهد که به اتفاق هم عقبه های زمان را به عقب برگردانند و همزیستی مسالمت آمیز در دستگاه قدرت را از سر بگیرند.

هر گاه طرفهای خطاب آقای خاتمی مطمئن بودند که وی و جریانی که او به نمایندگی از آنها سخن گفته، به راستی قادر هستند بحران سیاسی بین بالا و پایین را با یک "انتخابات آزاد" بین "خودی" ها مدیریت کرده و حتی به آن خاتمه ببخشند، بی تردید آن را به مثابه یک راه حل در دستور کار قرار می دادند. از واکنش تند و تهدیدآمیز آنان اما می توان دریافت که باند آقای خامنه ای چنین ارزیابی از رقبای خود ندارد و همزمان، با توجه به صف آراییی در میدان نبرد، گرفتن آرایش دوگانه از سقف گنجایش سیاسی و امنیتی آن فراتر می رود.

جواب منفی باند

ولایت به راه حل

خاتمی برای

برگرداندن عقبه

های زمان به عقب

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۱ دی در یک محاسبه عادی، اعلام مشارکت مشروط جناح مغلوب جمهوری اسلامی در انتخابات آتی مجلس مَلاها می بایست برای باند حاکم ولایت فقیه یک راه گریز کم خرج از بحرانی انگاشته می شد که از هنگام تقلب انتخاباتی و خیزش اجتماعی شکل گرفته گرد آن، بدان گرفتار آمده است.

اما واکنش خشم آلود و به ظاهر خود غرضانه ی باند مزبور به این ابتکار سیاسی یک بار دیگر با صراحت نشان می دهد که قواعد بازی پیش از ۸۸ برای باند ولایت به مثابه یکی از دو قطب میدان هموردی کنونی، دیگر اعتبار ندارد؛ بیش از همه به این دلیل که طرف مقابل یعنی، جنبش اجتماعی این ترتیبات را به رسمیت نمی شناسد و علیه آن دست به شورش زده است.

پیش شرطهایی که حُجت الاسلام خاتمی می گوید از جانب "اصلاح طلبان" آن را بیان داشته، "آزادی زندانیان"، "پایبندی به قانون اساسی" و "فراهم آوردن ساز و کار برای برگزاری انتخابات سالم و آزاد" را در بر می گیرد. با این حال، شرایط آقای خاتمی در جوهره خود نمی تواند خواسته هایی چالش برانگیز برای حکومت باشد. این نگرانی را او با توضیحاتی که برای ذقیق کردن آنها ارایه کرده، برطرف ساخته است. رهبر اصلاح طلبان وقوع تقلب انتخاباتی را موضوعی سهوی معرفی کرده و برای حاکمان چک سفید دُرستکاری کشیده: "نمی گویم که برخی عمدا بنای نادیده گرفتن رای

یورش به بیماران قرارگاه

اشرف توسط نیروهای

عراقی محکوم است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۷ دی اعمال روشهای سرکوبگرانه و ضد انسانی علیه ساکنان قرارگاه اشرف همچون جلوگیری از ارسال غذا، دارو و اولیه ترین احتیاجات زندگی تا ایجاد موانع برای درمان بیماران، توسط کمیته سرکوب تحت امر نوری المالکی برای خوش خدمتی به جمهوری اسلامی است. این روشهای سرکوبگرانه، ضد انسانی و ضد بشری و محکوم است.

بر اساس اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت، «یکشنبه ۵ دی ماه، نیروهای عراقی به دستور کمیته سرکوب و به فرماندهی سرهنگ لطیف در حالی که با ۲۵ زرهپوش هاموی حمایت می شدند، به مجاهدانی که در بیمارستان مستقر بودند حمله کرده و آنها را با چوب و چماق و باتون به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و مجروح کردند.» این اطلاعیه در ادامه اعلام می کند: «مهاجمان بیماران را به زور از محل بیرون کردند. علاوه بر این به شماری از مجاهدان که نزدیکی محل بیمارستان حضور داشتند حمله کرده و آنها را نیز مجروح و مضروب نمودند.»

در این یورش غیر انسانی، تعدادی از مجاهدان زخمی شدند که حال برخی از آنها وخیم اعلام شده است.

اطلاعیه شورا تعداد زخمی شدگان را دهها نفر ذکر کرده و می نویسد: «یکی از افراد به نام بهروز مهاجر در اثر ضربه باتون به ناحیه ریه در وضعیت بحرانی به سر می برد.»

این گونه اعمال غیر انسانی که در مورد ساکنان قرارگاه اشرف که افرادی غیر نظامی و غیر مسلح هستند و هیچ ابزاری جز اراده و ایستادگی خود برای دفاع در برابر دیکتاتوری ولایت فقیه ندارند، از طرف بسیاری از شخصیتهای سیاسی، روشنفکران و فعالان اجتماعی عراقی و همچنین نیروهای گسترده ای در کشورهای مختلف محکوم شده است.

حفاظت از ساکنان این قرارگاه باید زیر نظارت ارگانهای بین المللی و نهادهای حقوق بشری باشد و دولت امریکا مسئول مستقیم چنین فجایع است. برای تامین اولیه ترین حقوق انسانی ساکنان شهر اشرف باید امریکا و کمیته ویژه سازمان ملل متحد برای نظارت بر اجرای حقوق انسانی در عراق مسئولیت حفاظت از قرارگاه اشرف را به عهده گیرند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم